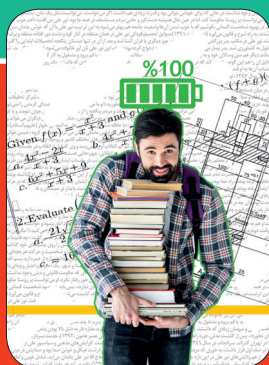




WESTING TO THE END

شغل معلمی، همان شغل انبیاست. پیغمبر اکرم (ص) معلم همه بشر است و بعد از او، حضرت امیر (ع) باز هم معلم بشر است. معلم، امانت داری است که غیر از همه امانت ها، انسان، امانت اوست.





تجاهد جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۵۱ اسفندماه ۱۳۹۶

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی
جانشین سردبیر: یوسف قدیانی
مدیر اجرایی: محمدمهدی مازنی

دبیر تحریریه:
ناصر ملایی

امور فنی: آتلیه شاهد
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی - خیابان
ملک الشعراي بهار شمالي - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸

صندوق پستی: تهران ۱۹۴/۱۵۷۱۵

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال
منتشر می شود.

* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب
رسیده آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز
است

- حرف اول: /۴ ماه مهربانی را پاس بداریم
- یادداشت: /۵ اردیبهشت ماه تحول
- برداشت آزاد: /۶ تبدیل شعار «حمایت از کالای ایرانی» به فرهنگ و گفتمان عمومی
- دخترانه، پسرانه: /۸ تفاوت‌های ازدواج سنتی و مدرن
- مادرانه، پدرانه: /۱۰ تربیت فرزند؛ نقش پرنده پدر یا مادر؟ روان‌پزشکان چه می‌گویند؟
- اجتماع: /۱۲ آیا به راستی نسل جوان مسئولیت ناپذیرند؟
- حماسه آفرین: /۱۴ رویاهای صدام چگونه بر باد رفت؟
- راه و چاه: /۱۶ قانون فرزندخواندگی از دیدگاه یک وکیل
- مهارت: /۱۸ روش ارائه یک مطلب بی عیب و نقص
- مطبوح: /۱۹ فلافل کم‌روغن
- جدول: /۲۱
- زندگی به سبک دیگر: /۲۲ ویژگی‌های تدوین سبک زندگی ایرانی - اسلامی
- تاریخ: /۲۴ آرزوهای منتظرانه به روایت زیارت جامعه امام هادی (ع)
- عافیت: /۲۶ توصیه‌های غذایی و پیشگیرانه در فصل بهار
- سلامت: /۲۸ معجزه‌های سلامت بخش تخم بلدرچین
- خانه دوست: /۳۰ عمارت کلاه فرنگی - موزه پارس
- نور و نقره: /۳۲ پیش‌بینی‌ها برای فیلم‌های کن ۲۰۱۸
- موج سازان: /۳۴ «سردار سامرا» به روایت همسرش
- نقد و نظر: /۳۶ در باره به وقت شام
- علمی: /۳۸
- رو به رو: /۴۰ روزهای خوب یک آزاده
- یک، دو، سه: /۴۲ ورزشکاران قدرتی ریکاوری فعال داشته باشند
- حرکت: /۴۴ سرنوشت پدیده‌های جام‌های جهانی چه شد؟
- بین الملل: /۴۶ آیا سوریه به عنوان کشوری متحد پایان یافته است؟
- دریچه: /۴۸ ۸ روند نرم‌افزارهای CRM که باید نظاره‌گر آنها باشید
- باشگاه اندیشه: /۵۰ جامعه‌شناسی مدیریت
- روایت: /۵۲ ساعت‌ها همه خوابند
- شعر: /۵۴
- بازار کتاب: /۵۵
- تفأل: /۵۶
- انگلیسی: /۵۸

ماه مهربانی را پاس بداریم

مسابقات تئوری یا عملی در تلویزیون برای شما جنبه آموزشی دارند و بیشتر انسانها با دیدن این برنامه‌ها سعی در عمل به دیده‌ها و شنیده‌های کارشناسان یا غیرکارشناسان اجراکننده برنامه دارند. بسیاری از این برنامه‌ها یا حتی فیلمها و سریال‌ها را می‌توان ندید گرفت و مطالعه کتاب را جایگزین آن کرد.

چه بسا کتابهای پرمحتوا و مفید هستند که خیلی سودمندانه می‌توانند جایگزین بسیار مناسبی برای قسمتی از زمان تماشای تلویزیون باشند. نترسید اگر تمام سریالها را نبینید چیزی از دست نمی‌دهید در عوض می‌توانید یکی دوتا رمان پرمحتوا بخوانید.

در کتاب فارزنهایت ۴۵۱ اثر علمی تخیلی ری برد بری نشان داده می‌شود که وجود تلویزیون سبب تقلید کورکورانه مردم از این رسانه می‌گردد. انسانها خیلی راحت از این رسانه حمایت می‌کنند به صورتی که اتفاق کتاب سوزان رخ می‌دهد و انسانها طبق برنامه‌های پخش شده در تلویزیون برای نجات خودشان دست به سوزاندن کتابهایشان می‌زنند و پیروی از تلویزیون را بر کتاب ترجیح می‌دهند.

متأسفانه با خوشبختانه این رسانه بسیار راحت می‌تواند ذهن مردم را شکل دهد. اما شما بکوشید افکار و اعمالتان را با کتاب‌های مفید طراحی کنید.

در نهایت، عوامل متعددی برای توصیف و تشریح وضعیت مطالعه در ایران می‌توان برشمرد، مجموعه عوامل درهم پیچیده و غامض و پنهان شده در هزار توی فرهنگ ایرانی، که تحلیل را سخت و شناخت را با مانع روبرو می‌کند. باید علل واقعی را جستجو کرد و آنها را در کنار هم نشانند، روابطشان را معلوم کرد و تاثیر هر یک را مشخص کرد.

کمترین حد خود برسد.

در پاسخ به این سوال عللی بیان می‌شود از آن جمله: گران بودن کتاب، فقدان وقت کافی برای مطالعه، سرگرم شدن به مسایل جانبی و یا نبود کتاب مناسب برای سلیقه‌های مختلف. همه اینها هست اما مسئله، اینها نیست. بسیار جوانانی را در فضای عمومی می‌توان مشاهده کرد که ساعت‌ها سرگرم شبکه‌های مجازی هستند و فراوانند افرادی که وقت‌شان را به تماشای تلویزیون اختصاص داده‌اند. البته بطالت، برای افراد فرصتی نخواهد گذاشت. قیمت بالای کتاب یا کمبود وقت و یا سختی دسترسی به کتاب نمی‌تواند توضیح دهنده خوبی برای میزان پایین مطالعه در ایران باشد. حقیقتاً دلایلی را که عموماً برای وضع مطالعه در ایران برمی‌شمرند، نمی‌توان دلیل محسوب کرد بلکه بیشتر خرده‌گیری و بهانه‌جویی است.

رسانه‌های اجتماعی، تلویزیون و ...

تلویزیون، رسانه‌های اجتماعی، ورود کتابهای صوتی، فرهنگ اشتباه کتابخوانی در جامعه و کم‌فرصتی و ... از جمله مشکلات پیش روی کم‌توجهی به مطالعه کتاب است که در این مقال نقش تلویزیون را بررسی می‌کنیم.

یکی از دلایلی که امروزه زمان تقریباً زیادی را از فرصت‌های کوچک و بزرگ ما می‌دزد تلویزیون است. در کمتر خانه‌ای وجود ماهواره و شبکه‌های متعدد با سریالها و فیلمها و برنامه‌های بد و خوب متنوع را می‌توان انکار کرد. این رسانه تصویری علاوه بر دریافت زمان زیاد، جنبه آموزشی نیز دارد. به ترتیبی که شما ناخودآگاه تلویزیون را الگویی برای کارهای خود قرار می‌دهید. برنامه‌های پزشکی، آموزشی اعم از هنری یا آشپزی یا ... برنامه‌های روانشناسی یا حتی بسیاری از

اردیبهشت ماه، ماه گردآمدن کتابها و دوستداران کتاب است. در واقع نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت ماه روزهای خوبی از لحاظ دورهم آمدن و علاقه‌مندان به این یاد دیرین سپری می‌کند. اما یادمان نرود که صرف برگزاری یک نمایشگاه هر چند لازم است اما برای تحقق آرزوهای ما در مورد کتاب و کتابخوانی و استفاده بهینه از این ثروت همیشگی و راهور و شکوفا کننده استعدادها به ابزاری نیاز داریم که اگر آنها را فراهم نکنیم نخواهیم توانست آنطور که باید از این گنجینه علم و ادب برای ساختن روزهای بهتر و شکوفاتر بهره‌برداری کنیم.

در روزهای آغازین نمایشگاه کتاب در اردیبهشت ماه با اشتیاق فراوان به سراغ کتاب می‌رویم و بعد از آن کتابهایی که خریداری کردیم را تا مدت‌ها و چه بسا تا پایان سال در کتابخانه قرار می‌دهیم و فقط هر چند روز یکبار آنها را گردگیری کنیم. ما ایرانی‌ها بهانه‌های گوناگونی برای نخواندن کتاب داریم.

طبق آمارهای جهانی و بر اساس استانداردهای تعریف شده، آمریکایی‌ها ۲۰ دقیقه، انگلیسی‌ها ۵۵ دقیقه و ژاپنی‌ها ۹۰ دقیقه از وقت خود را در شبانه روز به مطالعه کتاب اختصاص می‌دهند. طبق این آمار، ایرانیان تقریباً به میزان آمریکایی‌ها به مطالعه کتاب علاقه‌مند هستند. ژاپن از نظر عادت به کتاب خوانی جایگاه نخست را در جهان دارد و ۹۱ درصد مردم این کشور به طور معمول کتاب، روزنامه و مجله می‌خوانند. برای مثال یک ژاپنی در سال حدود ۴۷ کتاب می‌خواند.

نگاهی به این آمار یک سوال ایجاد می‌کند و آن اینکه ایرانیان به عنوان مردمانی فرهنگ دوست چرا باید در بحث کتابخوانی عقب‌تر از دیگران باشند و اساساً چه ابزاری لازم است تا این عقب‌ماندگی در مطالعه به



اردیبهشت ماه تحول

تنها به دست پیامبر اسلام انجام گرفته است. پیامبر اسلام مبعوث شد تا کار ناتمام پیامبران پیشین را به کمال برساند. نکته مهم این است که ادیان دیگر نمی توانستند مانند اسلام، برنامه های کامل و جاودانی ارائه کنند؛ چون ادیان گذشته برای مخاطب و زمان خاصی فرستاده شده بودند و قابلیت جاودانگی و در نتیجه، جهانی شدن را نداشتند. پس با گذشت زمان دچار تحریف شدند. بنابراین، پیامبر اسلام مبعوث شد تا برنامه کاملی برای انسان به ارمغان آورد. منظور از غالب بودن و غلبه اسلام، غلبه آن در بعد نظامی، سیاسی، منطق و استدلال و محتواسست. قرآن کریم در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا...؛ خداوند با بعثت پیامبر بر مؤمنان منت گذاشت...»؛ یعنی خداوند در میان تمام نعمت هایش، یک نعمت را نعمت بزرگ معرفی می کند که همان نعمت بعثت است. «منت»، که در آیه شریفه آمده، به معنای نعمت بزرگ است، نه به معنای چیزی به رخ کشیدن خداوند در بین نعمت های از قبیل آب، آسمان آفتاب، و بعثت و زنده شدن روح و جان آدمیان را نعمت بزرگ می شمارد

اردیبهشت ماه را مناسب های مختلفی پر کرده اند که هر کدام از آنها در جای خودشان قابل تأمل و بررسی هستند. در این ماه سالروز اردیبهشت مبعث رسول اکرم صل الله علیه و اله و صلیم، ولادت امام علی علیه السلام، این امام عدالت و صبر را داریم. ولادت سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام و روز پاسدار، ولادت ابوالفضل العباس علیه السلام و روز جانباز، ولادت امام زین العابدین علیه السلام و ولادت علی اکبر علیه السلام و روز جوان و نیز وفات حضرت زینب سلام الله علیها به اردیبهشت معنویت خاصی بخشیده است.

همچنین روز ملی خلیج فارس، شهادت استاد مرتضی مطهری و روز معلم و روز بزرگداشت سعدی و فردوسی از دیگر مناسبت های این ماه بهاری به شمار می رود.

در این مجال مروی داریم بر مبعث پیامبر اکرم (ص):

روز مبعث، روزی است که حضرت محمد، پیامبر گرانقدر اسلام، به درجه پیامبری برگزیده شد. در تقویم هجری قمری، ۲۷ رجب روز مبعث است.

حضرت محمد مصطفی در روز (۲۷ رجب) سال ۴۰ عام الفیل، همزمان با سال ۱۳ پیش از هجرت پیامبر اسلام، در غار حرا، توسط (جبرئیل) و از سوی خدا به پیامبری نایل آمد و مأمور شد که چند خداپرستی و بت پرستی را از زمین بردارد و خداپرستی را رواج دهد و پیام وحی را به مردم برساند.

روز مبعث، روز برانگیختن خردهایی است که در تابوت خرافه گرایی، هوس پرستی و جهل پیشگی دفن شده بود. روز مبعث روز تولد عاطفه هاست؛

عاطفه هایی که در رقص شمشیرها زخمی می شد و در جنگل نیزه ها جان می باخت.

آن روزها، دخترکان معصوم، به جای

آغوش گرم مادر، در دامان سرد خاک

می خفتند. جوانان بلند قامت، در

جنگ جهالت ها، جان به بارش

تیرها می دادند و زنان بی پناه، در

بند اسارت می زیستند. آه که چه

خارهایی به پای بشریت می خلید

و چه زخم هایی دل عاطفه ها را

می خست.

روز مبعث، روز مرگ قساوت ها و

شرارت ها بود؛ روز مرگ کرامت هایی

که به پای بت ها قربانی می شد؛ روز

مرگ جهل و شرک و پرستش های

ناروا بود.

بر اساس باور شیعیان، محمد مصطفی

در روز ۲۷ رجب عام الفیل، سال ۱۳

پیش از هجرت پیامبر اسلام مبعوث

شد. شیعیان این روز را جشن می گیرند

و در روایات اسلامی اعمال مستحبی برای

روز مبعث پیش بینی شده است. دعا، نماز و

غسل مستحب از اعمال این روز است.

پایه و اساس همه ادیان یکی است، ولی

جهانی ساختن و برتری بخشیدن به دین خدا،



الهه حمیدی کیا

حمایت از کالای ایرانی و تحلیل دو نماینده مجلس

تبدیل شعار «حمایت از کالای ایرانی» به فرهنگ و گفتمان عمومی

نام‌گذاری سال با عنوان «حمایت از کالای ایرانی» نشان می‌دهد که در حوزه حمایت از کالای ایرانی موفق عمل نشده است، چراکه در این صورت امروز شاهد وضعیت کنونی بیکاری در جامعه نبودیم. مبارزه جدی با قاچاق کالا و واردات بی‌رویه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم حمایت از کالای ایرانی است و حمایت از کالای ایرانی عامل برکندن ریشه بیکاری در کشور، تقویت اقتصاد، جلوگیری از افزایش تورم و خروج جامعه از رکود و بیکاری است. فعالان رسانه‌ای نیز باید از طریق تولید محتوا در حوزه رسانه، حمایت از کالای ایرانی را به یک دغدغه عمومی تبدیل کنند، اظهار کرد: در این راستا نظارت بر کیفیت تولیدات و کالاهای ساخت داخل در تحقق هرچه بیشتر شعار سال تأثیرگذار است. آحاد مردم در قبال تحقق شعار امسال وظیفه دارند، بنابراین نباید کسی از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند، کماینکه اقتدار ایران اسلامی به حمایت از کالای ایرانی وابسته است. ارتقای کیفیت محصولات تولیدی موجب تقویت بازار فروش می‌شود و امروزه و در شرایط جنگ اقتصادی کسانی دلسوز انقلاب هستند که کیفیت را رعایت کرده و به تقویت بازار فروش داخلی کمک کنند.

ایران در حوزه اقتصادی است. دشمنان انقلاب زمانی که دریافتند، حریف اراده و اقتدار ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌شوند، تلاش کردند تا از مسیر مباحث اقتصادی به ما آسیب برسانند. مسائل اقتصادی اولویت نخست کشور است و بر این اساس مقام معظم رهبری به‌عنوان دیده‌بان حکیم و زمان‌شناس انقلاب اولویت‌ها را به سمت مباحث اقتصادی از جمله تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هدایت کردند. در نام‌گذاری شعار سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب بر مسائلی از جمله جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل، تولید و اشتغال و اصلاح الگوی مصرف، بر روی مباحث اقتصادی تأکید فراوان کردند و

مقام معظم رهبری شعار امسال را حمایت از کالای ایرانی نام نهادند. پس از این نامگذاری تحلیل‌های زیادی در مورد نحوه تحقق این شعار منتشر شد تا از میان بتوان بهترین راهکار را برای تحقق منویات مقام معظم رهبری در این باره پیدا کرد. در این میان عباس گودرزی نماینده مردم بروجرد و اشنترینان در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: تبدیل حمایت از کالای ایرانی به فرهنگ و گفتمان عمومی ضروری است و تولیدکنندگان به بازارهای کشورهای هم‌مرز توجه کنند و با ارتقای کیفیت محصولات خود افزایش صادرات به این بازارها را مدنظر قرار دهند. هدف دشمنان از اعمال تحریم‌های فلج‌کننده زمین‌گیر کردن ملت و کشور



باید بین تولیدکننده و مصرف کننده اعتماد ایجاد شود

سیدراضی نوری عضو کمیسیون کشاورزی مجلس نیز می‌گوید: امروز اگر بین تولیدکننده و مصرف کننده اعتماد شکل گیرد میزان تولید داخل و حمایت از آن افزایش یافته و به دنبال آن شاهد اشتغال پایدار خواهیم بود، مهمترین رکن بازاریابی، اعتماد بین تولیدکننده و مصرف کننده است.

برای تحقق حمایت از کالای ایرانی مردم باید در کنار دولت از تولیدات داخلی حمایت کنند. امسال برخلاف سال‌های گذشته که مخاطب رهبر معظم، دولت بود مردم مورد خطاب قرار گرفتند. یکی از ارکان اساسی رونق گرفتن تولید داخل این است که باید بازار پر مصرفی داشته باشد تا بتواند تولید را ادامه دهد. کالاهایی را که تولیدکنندگان تولید می‌کنند باید برای جامعه هدف مطلوب باشد تا آن را بپذیرند و خریداری کنند.

ما برای اینکه بتوانیم در زمینه اشتغال و تولید برنامه‌ریزی کنیم و به سمت جلو حرکت کنیم باید از کالاهای داخلی حمایت کنیم. کیفیت محصولات داخلی نیز باید به گونه‌ای باشد که با نمونه خارجی قابل رقابت باشد و مصرف کننده به آن اعتماد کند.

امروز اگر بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان اعتماد ایجاد شود تولید ما بالا رفته و به نسبت تولید، اشتغال پایدار نیز شکل می‌گیرد. اکنون که مقام معظم رهبری بر حمایت از کالای ایرانی تاکید کردند مسئولین باید زمینه لازم را برای توسعه تولید داخل فراهم کنند که یکی از این موارد جلوگیری از واردات اجناسی است که مشابه آنها در داخل کشور تولید می‌شود و از همه مهم‌تر جلوگیری از قاچاق کالا است که سالانه حدود ۱۵ تا ۲۵ میلیون دلار کالای قاچاق وارد کشور می‌شود. ما اگر تولید داخل را جدی بگیریم و کیفیت محصولات را افزایش دهیم میزان مصرف داخلی از کالاهای ایرانی با توجه به اعتمادی که شکل می‌گیرد بالا رفته و ما نسبت به محقق کردن اقتصاد مقاومتی امیدوارتر می‌شویم.

ما باید در این زمینه برنامه‌ریزی‌های لازم را برای توسعه کمی و کیفی کالاهای داخلی داشته باشیم تا شاهد اقتصادی پایدار و مورد اعتماد باشیم. یکی از برنامه‌ها در کشورهای خارجی بخصوص در غرب رایج است نهادینه کردن فرهنگ مصرف‌گرایی در کشورهای هدف است تا همه چیز به صورت



آماده و با کیفیت در اختیار کشور هدف قرار گیرد. ما نیز باید میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان اعتماد را به وجود آوریم. تولیدکننده باید کالای با کیفیت عرضه کند و استانداردهای لازم را در سطح بین‌المللی داشته باشد تا بتواند در سطح جهانی محصول خود را عرضه کند. مهم‌ترین رکن بازاریابی در سطح داخلی و منطقه‌ای، اعتماد بین مصرف کننده و تولیدکننده است.

نسبت به کالای ایرانی با تعصب برخورد کنیم

سیدجواد ساداتی نژاد نماینده مردم کاشان هم می‌گوید: حمایت، خرید و افزایش کیفیت کالای ایرانی یکی از مباحث اساسی و اصلی در اقتصاد مقاومتی است و باید نسبت به کالای ایرانی با تعصب برخورد کنیم و نسبت به وجود کالای داخلی در سبد خانوار حساسیت داشته باشیم. امسال را مقام معظم رهبری به نام "حمایت از کالای ایرانی" نامگذاری کردند که در راستای شعارهای سال‌های گذشته در حوزه اقتصاد و تولید و اشتغال و حمایت از معیشت است. شعار امسال، فوق العاده مهم است و تکمیل کننده زنجیره مباحثی است که مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی به آن پرداخته‌اند.

حمایت، خرید و افزایش کیفیت کالای ایرانی یکی از مباحث اساسی و اصلی در اقتصاد مقاومتی است و باید نسبت به کالای ایرانی با تعصب برخورد کنیم و نسبت به وجود کالای داخلی در سبد خانوار حساسیت داشته باشیم. مقام معظم رهبری اشاره کردند شعار امسال

فقط برای مسئولان نیست و همه آحاد ملت ایران مخاطب آن هستند. هر ایرانی غیرتمند و شرافتمند باید نسبت به خرید کالای ایرانی حساسیت داشته باشد و از این جهت مهم است که خرید کالای ایرانی، اشتغال پایدار و اشتغال جدید ایجاد می‌کند و حلقه پایداری تولید و اشتغال را با هم غنا می‌بخشد و همه باید در این مسیر حرکت کنیم.

تولید کنندگان باید برای افزایش کیفیت محصول تلاش کنند و کارگران با دقت و ظرافت به تولید کالای با کیفیت و با دوام بپردازند. شعار امسال همه شهروندان را مخاطب قرار داده است، شهروند عادی، زنان خانه‌دار، کارگر کارخانه، معلم مدرسه، استاد دانشگاه، مهندس ناظر بر تولید، کارفرما و وارد کننده مواد اولیه همه چیز باید با کیفیت باشد و هیچ کس خارج از دایره عمل به شعار سال نیست.

مسئولان حوزه‌های مختلف نظارتی و حمایتی، باید نظارت بیشتری بر کیفیت کالای ایرانی داشته باشند و با حساسیت نسبت به تولید کالاهای که در کشور تولید می‌شود، نظارت کنند. دستگاه‌های دولتی به خرید کالای ساخت داخل اقدام کنند تا کالای ایرانی، کیفیت یافته و عزیز شود و به بازارهای جهانی راه پیدا کنند و این شدنی نیست مگر همه دست به دست هم بدهیم. اگر کالای کوره‌ای بازار جهان را تصاحب کرده است به خاطر حمایت مردم بوده که از اول کالای داخلی استفاده کرده‌اند. امروز خرید کالای ایرانی خدمت به ایران، اشتغال و پایداری آن است و این اتفاق باعث ارزشمندی تولید و افزایش کیفیت می‌شود.

تفاوت‌های ازدواج سنتی و مدرن از دیدگاه دکتر نصیر عابدینی، روان‌شناس

یکی از موضوعاتی که این روزها کمتر به آن توجه می‌شود و اتفاقاً یکی از عوامل اصلی بروز طلاق و متارکه همسران جوان است، سبک نادرست ازدواج یا همان ازدواج‌های غیرسنتی یا مدرن است. ازدواج‌های مدرن یا شبه‌مدرن از این جهت نادرست است که دختر و پسر بدون اطلاع خانواده و به دور از تجربیات والدین، خودشان انتخاب می‌کنند، خودشان تصمیم می‌گیرند و جالب آن که با اعتماد به نفس بالایی هم پای سفره عقد می‌نشینند و وقتی که مزدوج شدند و آتش عشق‌شان فروکش کرد، تازه به این فکر می‌افتند که داشته‌های شریک زندگی‌شان نمی‌تواند تامین‌کننده نداشته‌هایشان باشد. معمولاً تجارب نشان می‌دهد در این سبک ازدواج‌ها، نه فقط خواسته‌ها تامین نمی‌شود، بلکه باید با نداشته‌های همسر نیز کنار بیایند. در نتیجه این جوانان امروزی، به جای ارزش نهادن به آنچه خود انتخاب کرده‌اند، راهی دادگاه شده و تقاضای طلاق می‌دهند، اما پرسش اینجاست چه شده است که جوانان امروزی از ازدواج به سبک سنتی گریزانند؟ مگر این سبک ازدواج چه معایبی دارد؟

از جمله نظرات دخترها و پسرهای امروزی در مورد ازدواج به سبک سنتی این است، پسرهای امروزی بر این باورند که چون مادرانشان در محیط اجتماع حضور کمتری داشته و از

واقعیات جامعه امروز بی‌اطلاع هستند و حتی نمی‌توانند یک‌سری از مشکلات و مسائل ابتدایی نسل جوان را درک کرده و حل مساله کنند، پس قابلیت انتخاب دختر مناسب حال آنان را ندارند.

دختران هم بر این عقیده‌اند که وقتی در محیط جامعه حضور پررنگی دارند، می‌توانند به تناسب خواسته‌هایشان پسری در خور شأن خود انتخاب کنند.

درواقع اغلب دختران امروزی بر این باورند، ازدواج به سبک سنتی موجب شده است که خانه‌نشین شده و قدرت کافی برای انتخاب همسر ایده‌آل را نداشته باشند و همین عامل را یکی از علل تاخیر یا انصراف قطعی از ازدواج می‌دانند.

دکتر نصیر عابدینی، روان‌شناس در این باره می‌گوید: با این که احتمال طلاق عاطفی یا قانونی در ازدواج سنتی مثل هر نوع ازدواج دیگری وجود دارد و برخی خانم‌ها در این روش ازدواج، قدرت‌گزینه‌ش کمتری دارند، اما این سبک ازدواج اگر بدرستی و نه ناقص اجرا شود، به دلایل متعددی، از ازدواج‌های مدرن و شبه‌مدرن امروزی بهتر و پایدارتر است.

مقایسه ازدواج‌های سنتی با مدرن

این روان‌شناس با اشاره به این که بسیاری از

ازدواج‌های بظاهر سنتی ما باطنی کاملاً مدرن پیدا کرده و هرچه ما بیشتر در ایران و جهان به سمت مدرن‌سازی ازدواج پیش رفته‌ایم، به درصد طلاق بیشتر شده است، به مهم‌ترین دلایل استحکام ازدواج سنتی اشاره می‌کند و می‌گوید: یکی از دلایل موفقیت در ازدواج سنتی، غربال اولیه برای انتخاب شریک زندگی است که از سوی فردی غیر از جوان در آستانه ازدواج صورت می‌گیرد، یعنی شریک زندگی آینده یک جوان معمولاً پس از گذر موفق از مرحله یا مراحل‌گزینه‌ش مقدماتی یک همجنس (مثلاً مادر، خواهر، خاله پسر یا برعکس پدر دختر و...) انتخاب می‌شود.

همین امر بظاهر ساده باعث می‌شود بسیاری از انتخاب‌های احساسی و ظاهر بینانه به کنار رود و فرد عقلانی‌تر انتخاب کند. همچنین بسیاری از زوایای پنهان دختر و پسر که معمولاً از تیررس دید جنس مخالفشان خارج است، فراچنگ چشمان یک همجنس و به دور از هرگونه هیجانات معمول بین دو غیرهمجنس سنجیده می‌شود.

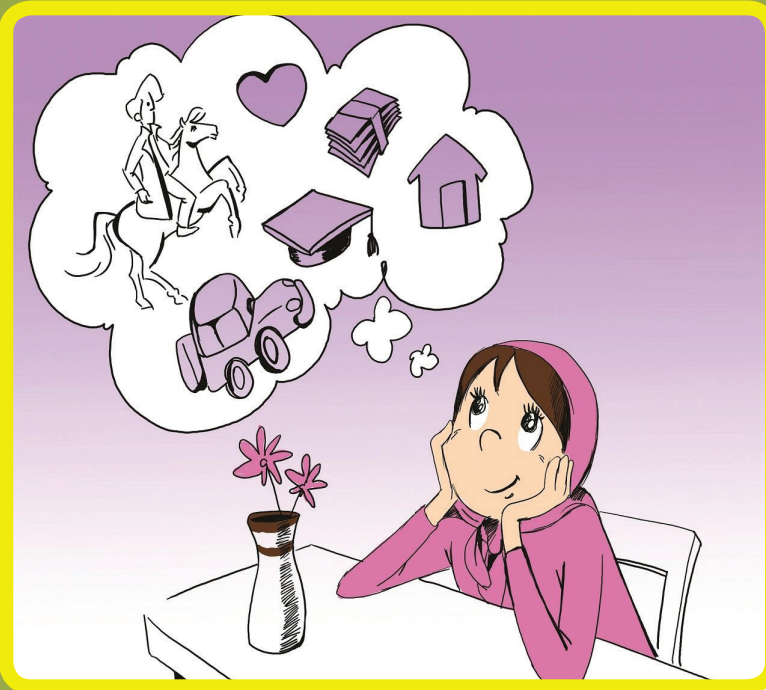
در ازدواج مدرن فرد، رابطه را به قصد ازدواج ولی بدون هیچ تعهد واقعی آغاز می‌کند و فقط در موارد اندکی آن را با تعهد ازدواج رسمی به پایان می‌برد، در حالی که در ازدواج سنتی از همان ابتدا فرد تعهد خودش را با خواستگاری رسمی نشان می‌دهد.

دکتر عابدینی ادامه می‌دهد: در ازدواج، بحث شناخت طرف مقابل بسیار اهمیت دارد. این مهم در ازدواج سنتی به یک نحو صورت می‌پذیرد و در ازدواج مدرن به نحو دیگر. در ازدواج سنتی فرد پس از خواستگاری رسمی اولیه، شرعاً می‌تواند برای شناخت طرف مقابل ده‌ها جلسه معارفه رسمی و غیرگناه آلود در درون یا بیرون منزل داشته باشد و تحت اشراف والدین این امر خطیر را به نحو خدایسندانه به انجام رساند، اما در ازدواج مدرن وضع تا حدی متفاوت است و در بسیاری موارد دختر و پسر این شناخت را معمولاً بدون اطلاع والدین و البته در خلوت کسب می‌کنند.

با این وصف، تقریباً شناخت ما از طرف مقابل در ازدواج مدرن، عاری از خطا نیست و بشدت هیجانات جنسی و غیرجنسی در ارزیابی ما از طرف مقابلمان موثر است. به عبارت دیگر شناخت ما شناخت واقعی نیست؛ هرچند با فعال کردن سازوکارهای دفاعی مان به دفاع از واقعی بودن شناخت خود بپردازیم!

این روان‌شناس تصریح می‌کند: البته در ازدواج سنتی و جلسات معارفه رسمی نیز ممکن است به شناخت احساسی و غیرواقعی دچار شویم، اما با حضور خانواده و کمک عقلانیت می‌توانیم در عرصه انتخاب هوشیارتر عمل کنیم.





و براساس هم کفو بودن و سلايق خود، شريك زندگي اش را انتخاب كند، چگونه و از چه طريقي مي تواند قدرت انتخاب خود را براي گزينش همسر آينده بالا ببرد؟

دكتور عابديني مهم ترين عامل براي تداوم ازدواج هاي به سبك سنتي و افزايش قدرت انتخاب در همسرگزيني را

در ازدواج مدرن، مساله مجاورت فزيكي يا شبه فزيكي دو غيرهمجنس (مانند فضاي چت و شبكه هاي مجازي و...) نقش اعجاز آميزي در متقاعدسازي دو جنس به اين كه از هر جهت با هم تفاهم دارند، بسيار پررنگ است. در حالي كه در ازدواج سنتي بنا بر اين است كه طرفين تا پيش از جلسات معارفه رسمي از هرگونه مجاورت فزيكي يا شبه فزيكي به دور باشند و بي دليل توهم و سوداي كفويت در سر نپرووراندند، ضمن اين كه در ازدواج سنتي والدين از همان ابتدا در جريان امور هستند، ولي در ازدواج مدرن معمولاً رابطه دختر و پسر بدون اطلاع والدين يكي از طرفين يا هر دو صورت مي گيرد و اين مخفي كاري سنگ بناي بسياري از مخالفت هاي والدين با اصل ازدواج يا در متن زندگي زناشويي مي شود.

رضايتمندي زناشويي

اين دكتور روان شناس تصريح مي كند: متاسفانه برخي جوانان برداشت غيرواقعي يا ناقصي از فرايند ازدواج سنتي دارند و بعضاً اين گونه مي پندارند كه ازدواج سنتي يعني اين كه آنها حق انتخابشان را به والدين واگذار كنند يا اين كه به نحو رسوم منسوخ گذشته نبايد تا پيش از ازدواج همسرشان را ببينند.

همه اينها با روح اسلام منافات دارد و آنچه مورد تائيد اسلام است، اين كه دختر و پسر به دور از هر گناهي سه مرحله در ازدواج سنتي، يعني جلسات معارفه رسمي، تحقيقات محلي و مشاوره پيش از ازدواج را براي نيل به يك انتخاب صحيح، ملاك مند و همه جانبه نگر طلعي كنند.

با واقعيت جامعه امروز چه كنيم؟

در جامعه امروز ما به دليل كم رنگ شدن ازدواج هاي سنتي اغلب جوانان براي آشنائي بيشتر با جنس مخالف و افزايش قدرت در انتخاب همسر، اقدام به برگزاري مهماني، تفريحات مختلط دسته جمعي يا سفرهاي گروهي مي كنند يا با متوسل شدن به شبكه هاي به اصطلاح اجتماعي وايبس و فيس بوك يا با گذاشتن تصاوير نامناسب از خود يا خانواده شان در شبكه هاي اجتماعي، سعي دارند تا از اين طريق بتوانند همسريابي كنند. يا آن كه برخي از خانم ها با اين گمان كه پوشش و حفظ كامل حجاب در اجتماع موجب مخفي ماندن زيبائي و كمالات آنها مي شود، سعي در آراستن و پوشيدن لباس هاي نامناسب و محرک در جامعه دارند كه معمولاً هم اين اقدامات هيچ نتيجه مثبتتي به همراه نخواهد داشت. ب

ا توجه به اين كه معاشرت هاي فاميلي به يكي دو بار در سال خلاصه مي شود و ارتباطات خانوادگي كم رنگ شده، يك جوان كه بخواهد از راه صحيح

باورهاي سنتي و فرار از بار تعهد و مسئوليت، به زندگي مشترك بدون ازدواج رسمي يا به اصطلاح كارشناسان ازدواج سفيد روي آورند. ازدواج سفيد نوعي ديگر از ازدواج هاي مدرن و غربي است. به اين صورت كه زن و مرد بدون اين كه خطبه عقد يا صيغه اي بين شان جاري شود، با يكديگر عقد همخانه شده و چون اين همخانگي در جامعه اسلامي پديده اي نامتعارف است، آماري از اين نوع ازدواج ها كه اغلب مخفيانه و به دور از نظر والدين است، در دست نيست و در كشور جريان خاموش اما رو به گسترشي دارد.

راه حل چيست؟

عابديني با تاكيد بر اين كه براي ترغيب جوانان به ازدواج سنتي آن هم از طريق صحيح، نياز به بنگاه هاي معتمد است كه با توجه به شرايط و هم كفو بودن خانواده ها، دختر و پسر را به يكديگر معرفي كنند، مي افزايد بهتر است اين واسطه ها از ميان اقوام، دوستان يا معتمدان مساجد باشند؛ زيرا اين افراد صميميت و نزديكي بيشتري با خانواده ها داشته و به دليل شناختي كه از دو طرف دارند، مهره اصلي انطباقات اوليه واقع شده و بهتر و معقول تر مي توانند جوانان شايبسته را شناسايي و به يكديگر معرفي كنند.

اين دكتور روان شناس با اشاره به اين كه واسطه ها بايد صادقانه، دلسوزانه و البته دوراندیشهانه پا در اين وادي خداپسندانه نهند، بيان مي كند: معرف بايد از همان ابتدا براي والدين طرفين جا بيندازند نقشي جز معرفي و واسطه خير بودن ندارد و مسئوليت سلامت يا عدم سلامت ازدواج از صفر تا صد به عهده والدين و خود دختر و پسر است كه بايد با فرهنگ سازي، تنگناها و موانع موجود در امر واسطه گري را برچيد و بار ديگر اين امر مقدس را در كشور رونق بخشيد.

وجود واسطه يا معرف مي دانند و مي افزايد: در گذشته نه چندان دور كه نرخ طلاق اين قدر بالا نبود، بسياري از زنان و مردان، نقش واسطه را در معرفي دختران و پسران ايفا مي كردند و حلقه مفقوده اي به نام واسطه ها در فرايند ازدواج سنتي وجود نداشت.

امروزه به دلایل بسیار از جمله شیوع نگران کننده طلاق در خانواده های ایرانی کمتر کسی جرأت می کند زیر بار این مسئولیت برود و این امر نامیمون باعث شده برخی دختران یا کادمان از ترس این که نکند در این وانفسا از نعمت ازدواج محروم بمانند، از هر راهی به عرضه آسیب زای خود می پردازند.

به گفته این روان شناس، باید چاره ای اندیشید كه دختران معصوم این مرز و بوم ناچار به این جلوه گري هاي غير عزتمندانه نگردند و واسطه ها با آسودگي خاطر بيشتري به معرفي مورد بپردازند.

البته اين مساله در مورد پسر ها هم صدق مي كند؛ يعني وقتي مي بينند كسي نيست در اصطلاح، بموقع برايشان آستين بالا بزند با اتكا بر تجربيات ناقص خود به بهانه ازدواج و پاسخ به نيازهاي جنسي و عاطفي در محيط جامعه با جنس مخالف وارد رابطه شده و چون انتخابي سطحي و براساس ظواهر داشته اند، به در بسته خورده و با مشكلاتي مواجه مي شوند و از همه بدتر آن كه چون زن و مرد به دليل انتخاب سطحي در زندگي دچار شكست و لطمه مي شوند، احتمال اين كه در جامعه تبديل به فردي آسيبزا شوند، زياد است.

دكتور عابديني به يكي ديگر از پيامدهاي منفي ازدواج هاي مدرن اشاره مي كند و مي گويد: متاسفانه سهل انگاري صاحب نظران و مسئولان جامعه در پيشگيري از رخدادهاي ازدواج هاي مدرن موجب شده است تعدادي از جوانان امروزي به دليل مشكل شدن ازدواج رسمي و رنگ پرديگي

تربیت فرزند؛ نقش پررنگ پدر یا مادر؟ روان‌پزشکان چه می‌گویند؟

که والدین در این مورد با یکدیگر توافق نداشته باشند، کودک دچار سردرگمی خواهد شد. شکل دادن یک چهارچوب رفتاری برای کودک به او کمک می‌کند که یاد بگیرد بعدها در اجتماع چطور رفتار کند.

مربی اصلی کودک کیست؟

به طور سنتی، مادرها وظیفه آموزش کودک را برعهده دارند اما گاهی پدرها هم دوست دارند در این امر دخالت داشته باشند. به غیر از آموزش‌های شخصیتی که در بالا گفته شد، بعضی رفتارها و کارهای کوچک تر و به ظاهر کم اهمیت تری هم وجود دارند که کودک باید به تدریج آنها را از کسی یاد بگیرد.

زمان استراحت و خواب، نوع غذا خوردن، بازی کردن، حرف زدن و چیزهایی از این قبیل، مسائل روزمره‌ای هستند که کودک در سال‌های اول زندگی باید یاد بگیرد. محققان در یک تحقیق با بررسی روی ۱۱۲ خانواده که کودکانی در سنین قبل از مدرسه داشتند به نتایج جالبی دست یافتند. آنها مشاهده کردند در خانه‌هایی که پدر با کودک بیشتر بازی می‌کند و ارتباطش با کودک در زمینه بازی‌های فکری، ورزش کردن، دویدن و محبت کردن است، والدین با هم همکاری مناسب‌تری در تربیت کودک دارند و مادر راحت‌تر می‌تواند به کودک آموزش‌های لازم را بدهد.

در این خانواده‌ها اغلب اختلاف کمتری هم در زمینه تربیت کودک وجود دارد. در نقطه مقابل، کارهایی مانند مراقبت‌های روزمره مثل حمام کردن و استفاده از دست شویی، مسواک کردن، آماده کردن غذا و چیزهایی از این قبیل دخالت کنند، بعد از یک سال از نخستین مشاهده محققان، اختلاف‌های بیشتری بین والدین در زمینه تربیت کودک به وجود آمده است.

در این خانواده‌ها والدین بیشتر از هم در زمینه تربیت کودک ایراد می‌گیرند و نحوه آموزش‌های یکدیگر را زیر سوال می‌برند. مخالفت‌های والدین در موضوعات مختلف رفتاری در این خانواده‌ها آشکارتر و حتی گاه به صورت جرو بحث‌هایی در حضور کودک هم مشاهده شد؛ موضوعی که به نظر کارشناسان کاملاً بر تربیت کودک تأثیر منفی خواهد گذاشت.

بهتر است شراکتی تربیت نکنید

بسیاری از والدین می‌گویند که می‌خواهند تربیت کودک را به طور مشترک و با همراهی یکدیگر انجام دهند اما در عمل این اتفاق کمتر رخ می‌دهد. از نظر کارشناسان، بهتر است یکی از والدین نقش یک مربی را داشته باشد و والد دیگر صرفاً نقش همراهی و کمک کردن را. آنها معتقدند بهتر است مادر به علت ارتباط

تأثیرگذارترین هستند. از همان سال‌های ابتدایی زندگی، کودک مفاهیمی مانند مهربانی، احترام، دوست داشتن، دروغ، خشم و بقیه خصوصیات شخصیتی را از والدین خود الگو می‌گیرد. او بسیاری از اینها را به طور ناخودآگاه و حتی بدون تلاش والدین از آنها و رفتارهای آنها کسب می‌کند به همین دلیل والدین باید کاملاً نسبت به رفتارهای خود در قبال کودک هشیار باشند.

والدین باید مشورت کنند

روان‌شناسان توصیه می‌کنند که بهتر است والدین حتی قبل از چه‌دار شدن با هم در مورد رفتارها و انتظارات‌شان در قبال کودک حرف بزنند و از نوع والدگری یکدیگر اطلاع داشته باشند. پدر باید بداند مادر چه انتظاری از کودکش خواهد داشت و چه رفتاری را برای کودکش مناسب می‌داند. متخصصان می‌گویند والدین باید به یک نقطه مشترک در تربیت کودک برسند و این کار با حرف زدن و همچنین مشاهده نمونه‌های دیگر، بحث کردن در مورد مسائل مختلف تربیت کودک و مشکلاتی که ممکن است در مسیر آموزش کودک اتفاق بیفتد، شکل می‌گیرد اما مهمترین نکته‌ای که والدین باید در مورد آن به توافق برسند، انضباطی است که کودک در چهارچوب آن قرار خواهد گرفت. رفتارهای کودک باید حد و مرز مشخصی داشته باشد، باید کسی باشد که به کودک درست یا غلط بودن هر رفتاری را آموزش دهد و در صورتی

در دو سال اول زندگی، کودک کاملاً به مادر وابسته است؛ نیازهای کودک فقط توسط مادر برآورده می‌شود و پدرها معمولاً تنها شاهد بزرگ شدن کودک هستند و نهایت مسئولیت و کمک‌شان، در ارتباط با کارهای کودک، به طور غیرمستقیم و از طریق توجه به مادر و کمک کردن به او خواهد بود. با بزرگ تر شدن کودک و رشد شناختی و شخصیتی او اما نیاز دیگری هم به نیازهای ابتدایی او اضافه می‌شود؛ نیاز به تربیت و آموزش از ساده‌ترین رفتارها مانند استفاده از دستشویی گرفته تا حرف زدن و بازی کردن.

روان‌پزشکان چه می‌گویند؟

تربیت و پرورش یک کودک، شاید مهمترین و سخت‌ترین وظیفه‌ای باشد که کسی در زندگی برعهده خواهد داشت. نظریات روان‌شناسان مشهوری مانند فروید و بندورا که بر تأثیر آموزش‌های دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت بزرگسالی کودک تأکید دارند، اهمیت نقش والدین را نشان می‌دهد. بندورا معتقد است رفتار و شخصیت آدمی اکتسابی است یعنی بر اثر یادگیری شکل می‌گیرد. فروید پا را از این هم فراتر می‌گذارد و می‌گوید تنها تجارب چند سال اول زندگی کودک شخصیت او را شکل می‌دهد و کودک در سال‌های اول تنها در کنار پدر و مادر است.

والدین نخستین الگوهای رفتاری هستند که کودک با آنها مواجه است و در بین بقیه افرادی که در کنار کودک قرار دارند، والدین





بیشتر با کودک این نقش اصلی را برعهده بگیرد و پدر نظراتش را در مورد تربیت کودک تنها با مادر در میان بگذارد و خود سعی نکند به روش خود به کودک آموزش دهد.

نتایج این تحقیق کاملاً نقش بحث و گفت و گوی والدین قبل از بچه دار شدن یا در سال های اول زندگی کودک در مورد چگونگی تربیت او را نشان می دهد. مشاوره های قبل از بارداری و آموزش والدگری قبل از بچه دار شدن یا حتی حین آن می تواند به والدین در مورد روش مناسب تربیت کودک کاملاً کمک کند و به آنها اجازه دهد تا از تعارضات احتمالی جلوگیری کنند.

نکته بسیار مهم در مورد این مشکلات این است که تفاهم نداشتن در روش تربیت کودک حتی ممکن است به تفاهم نداشتن در زندگی مشترک والدین هم منجر شود مسئله ای که می تواند تأثیر مخرب بیشتری در تربیت کودک داشته باشد. بسیاری از کودکان در سالهای قبل از مدرسه و در سنین ۵ تا ۶ سالگی، کاملاً مشکلات بین والدین را می فهمند و در صورتی که احساس کنند خودشان یا موضوعی مربوط به آنها باعث به وجود آمدن مشکل بین والدین شان شده ممکن است احساس سرخوردگی یا گناه کنند.

آموزش همه جانبه است

والدین باید به یاد داشته باشند مهمترین راه تربیت کودک، نه فقط آموزش کلامی است بلکه آنها باید با فرزندشان زندگی کرده و در کنار او وقت بگذرانند.

وقت گذاشتن برای کودک، توسط والدینی که در بیرون از خانه شاغل هستند کار سختی است؛ اینجاست که زمان های مشترک مانند زمان صرف غذا و روزهای تعطیل اهمیت پیدا می کنند. در این زمانها تنها با کودک تان حرف نزنید، با یکدیگر هم ارتباط داشته باشید و اجازه دهید تا کودک قوانین زندگی را با مشاهده شما یاد بگیرد. همیشه حواستان باشد که کودک تان شاهد رفتارهای شما خواهد بود و حتی به طور ناخودآگاه از آن الگو خواهد گرفت.

حوزه های مختلف رفتاری را از هم جدا کنید

شاپی سالیوان، یکی از روان شناسان مجری این تحقیق می گوید: «هنگامی که پدر و مادر هردو به یک اندازه می خواهند نقش مراقبتی و نظارتی داشته باشند، در مقابل هم قرار بگیرند، این کودک است که بین پدر و مادر له می شود.» او پیشنهاد می کند والدینی که این احساس را دارند بهتر است مسئولیت ها را با هم تقسیم کنند.

حوزه های مختلف رفتاری را از هم جدا کرده و هرکدام در حوزه خود به آموزش کودک بپردازد و در عین حال با هم همیشه در هماهنگی باشند که در این حوزه ها آموزش های متفاوتی به کودک ندهند. مادرها می توانند بهداشت فردی

قرار می گیرد یا تشویق می شود؛ این مسأله تأثیر بدی بر روحیه او بجای می گذارد و کودک از این اختلاف نظر والدین سوء استفاده می کند و فردی سوء استفاده گر می شود.

مشکل دیگری که ایجاد می شود این است که کودک بی بندوبار و حرف نشنو خواهد شد زیرا زمانی که شاهد این رفتار است که پدر برای روش تربیتی مادر ارزشی قائل نمی شود و مادر هم به همین صورت عمل می کند دیگر روش های تربیتی بر روی او موثر نخواهد بود نتیجه ندارد و در نتیجه برای اطرافیان ارزشی قائل نخواهد بود و این مشکل به همین جا ختم نخواهد شد و این کودک در مدرسه و بعدها در اجتماع فردی بی بندوبار، لاقیدوبی مسئولیت بار خواهد آمد که هیچ اعتقادی به اصول اخلاقی نخواهد داشت.

نتیجه این که آشنایی با نکات صحیح تربیتی پیش شرط تربیت اصولی در کودکان است و عدم آگاهی اولین و مهمترین ضربه تربیتی است که والدین مرتکب می شوند؛ متخصصان و مشاوران تربیتی معتقد هستند: آگاهی از زمان درست ارائه نکات تربیتی به کودک، توازن میان تشویق و تنبیه، برخورد مناسب در مواجهه با شیطنت کودکان و به طور کلی آشنایی با رمز و رموز تربیت از مواردی است که تمامی والدین باید نسبت به آن واقف باشند تا بتوانند فرزند پروری صحیحی داشته و افراد موثر و موفق تربیت کنند.

متأسفانه عدم آگاهی خانواده ها از این نکات و راهکارهای تربیتی موجب می شود کودک از ابتدا با تربیت صحیح آشنا نشود و به مرور رفتارهای نادرست در او نهادینه شود وزمانی که به سنین بزرگسالی می رسد در معرض بسیاری از آسیب های اجتماعی قرار گرفته و نسلی را قربانی کرده و جامعه را دستخوش آسیب کند؛ لذا تربیت کودک بیش از آنچه به نظر می رسد حائز اهمیت بوده و ضرورت دارد والدین نسبت به آن بی تفاوت نباشند.

را به کودک یاد بدهند و پدر نحوه رفتار با کودکان دیگر را به فرزندش آموزش بدهد؛ غذا خوردن و تغذیه کودک با مادر باشد و پدر، بازی کردن را به کودک یاد بدهد.

اما از آنجا که بیشتر رفتارهای ما به عنوان پدر و مادر به طور ناخودآگاه به الگوی ذهنی خودمان از والدین مان برمی گردد و با توجه به نقش تاریخی مادران در تربیت کودک، ناخودآگاه این مادران هستند که قدرت اصلی در پرورش کودک محسوب می شوند و پدر ها بهتر است تنها با مادران همفکری و همراهی کنند. «به عقیده دکتر سالیوان والدگری، به طور مشترک ممکن است بسیار ایده آل و مطلوب به نظر برسد اما در عمل، کار بسیار سختی است.

عوارض بلند مدت عدم هماهنگی اصول تربیتی والدین

دکتر میرآخوری روان شناس تربیتی در خصوص عوارض عدم هماهنگی در شیوه تربیتی والدین با یکدیگر می گوید: اهمیت این امر به حدی است که گفته می شود ارائه یک الگوی تربیتی غلط ولو یکسان آسیب تربیتی کمتری نسبت به اعمال اصول تربیتی صحیح لیکن غیر هماهنگ والدین به کودک می زند. زیرا کودک زمانی که مشاهده کند انجام برخی رفتارها از جانب او توسط یکی از والدین مورد شتمات قرار می گیرد و توسط والد دیگر مورد تأیید قرار می گیرد دچار دوگانگی می شود.

قرار بر این است که به کودک آموزش داده شود که رفتار غلط کدام است و رفتار درست چیست و علت تربیت این است ولی زمانی که والدین خود در خصوص درست و غلط بودن رفتاری هماهنگ نیستند طبیعی است که قادر به آموزش صحیح نیستند. کودک در این شرایط دچار بهت می شود که بالاخره فلان رفتار من درست است یا خیر؟ در نتیجه این دوگانگی منجر به استرس واضطراب در او می شود زیرا نمی داند با انجام رفتاری خاص آیا مورد تنبیه

○ زهرا بهرامی کارشناسی ارشد روان شناسی

آیا به راستی نسل جوان مسئولیت ناپذیرند؟

ایشان است؟»
گفتیم که همه ما در نخستین و مهمترین گام، در قبال روان و جسم خودمان مسئولیم، همه ما دانشمندان خودمان هستیم، باید کشف کنیم و انتخاب خودمان را بشناسیم و نسبت به خود، آگاه شویم تا زندگی کنیم، این رسالت مهم همه انسانهاست.

گام بعدی خانواده است، اما چرا در قبال خانواده مسئولیم؟ مگر ما به اختیار خودمان آمده ایم؟

پاسخ ساده است: نیاز انسان به دوست داشتن و دوست داشته شدن، گرفتن تایید از عزیزان و داشتن نقطه اتکا و اعتماد به نفس. ما در کنار خانواده زندگی می کنیم که به لطف و حمایت ایشان به آرامش برسیم. زندگی مشترک، مسئولیت های مشترک را با خود به همراه می آورد، چنانچه یک عضو مسئولیتی بیش از توان و ظرفیت خودش متحمل شود، نابرابری و فشار ناشی از آن او را دچار رنجش خواهد کرد و رنجش یک عضو یعنی نبود بهزیستی در خانواده و این یعنی بر باد رفتن آرامش که همانا دلیل اصلی تشکیل خانواده بوده است.

ما مسئولیم در قبال خودمان، استعدادها، خواسته ها، نیازها و همه آنچه در قالب جسم و روان ما قرار دارد. مسئولیم در قبال خانواده مان؛ اجتماع کوچک دوست داشتنی ما و در نهایت، در قبال جامعه چرا؟

فرزانروایان و شاهان، اغلب ولیعهد، پدرانشان بوده اند که تنها به علت پسر اول شدن، مسئولیت شاه شدن بر عهده شان گذاشته می شد، بی آنکه از خودشان اختیاری داشته و یا علاقه ای برای انجام این کار نشان بدهند. نگاهی به تاریخ مشخص می سازد که نالیقان چگونه اقلیمی را بر باد می دادند. پسر باهوش طبیب، طبیب می شد. بی آنکه بخواهد و دهقان زاده، دهقان.

به حال بازگردیم با سوالی دیگر: «آیا هنوز هم انتظار داریم فرزندان و نسل بعد از ما مسئول آنچه بشوند که ما می خواهیم؟ یا مسئول آنچه بشوند که مطابق توانمندی

کتابی می خواندم با عنوان «قربانی دیگرانیم و جلاد خویش»، اثر گای کورنو، روانکاو کانادایی، که عنوانش گویای ناگفته های درون نسل سوخته است. اما منظور کدام نسل است؟ دست کم سه نسل داعیه این عنوان را دارند. بگذارید پیش از پرداختن به این نسل های سوخته، ببینم تعریف مسئولیت پذیری چیست؟

مسئولیت پذیری یعنی قابلیت پذیرش، پاسخگویی و یا به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می شود و شخص حق دارد که آن را بپذیرد و یا رد کند. دو نکته مهم قابل توجه است: نخست آنکه انسان باید در مسئولیت پذیری مخیر باشد و دوم آنکه در پس این عنوان، بتوان روی توانمندی اش حساب باز کرد، بدین معنا که باید درخواست مسئولیت براساس توانمندی و ظرفیت افراد باشد. اما یک سوال: «در قبال چه مسئولیم؟ و اصلا چرا مسئولیم؟»





گستره وسیع‌تر مسئولیت ما، اجتماع است؛ بشر امروز به مهندس نیاز دارد، به نانو نیاز دارد و ... و اگر یکی کارش را درست انجام ندهد، به قصه بال زدن پروانه می ماند که توفانی را در گوشه‌ای دیگر موجب خواهد شد. هر کس به قدر ظرفیت خویش آب می نوشد. بر این اساس، نوابغ و سرآمدهای هر حوزه‌ای باید نقش هدایتگر را بر عهده گرفته و دیگران به فراخور استعداد و توانایی‌شان به امور مربوطه بپردازند.

به خانواده‌های امروزان بپردازیم

پدر شاغل، مادر شاغل، و زحمت فراوانی که برای فرزند کشیده می شود. از خواب و خوراک و تفریح خودشان می زنند تا او رفاه داشته باشد، حتی از بودن با فرزند هم می زنند برای تامین آینده او. سالهای اول که کودک است و نمی فهمد، شاهراه خلاصی از این موجود بی دفاع، خانه مادر بزرگ است و مهدهای کودک دوازده ساعته . شش روز هفته فرزندمان به ما به چشم راننده ترانزیت خانه یا مهدکودک یا مهد مادر بزرگ نگاه می کند.

کودک شانس بی آورد، هر روز آواره خانه خاله و عمه و باقی نشود. در کنار او بودن، عاشقانه نگاه کردن، تربیت و پرورش درست او را فروخته ایم به تامین آینده به تامین آینده در خشانس. بزرگتر می می شود، می سپاریمش به دست مدیر و معلم، راستی کدام مدرسه غیرانتفاعی از همه بهتر است؟ شهریه اش مهم نیست، فوقش اضافه کاری ... و باز قصه وقت نگذاشتن ما برای فرزندمان.

فشار نمره بالا آوردن، کسی شدن؛ البته آنکه والدین می خواهند، کودکی ناکرده، کودکی از دست رفته ... از زور خستگی و کار حوصله نداریم برای دادن پاداش به خاطر کارهای مثبتش با او بازی کنیم، یا وقتی را در کنارش صرف سازیم.

عادتش می دهیم به خرید جایزه و پاداش نقدی. اگر کاری را درست انجام بدهد، دوستش خواهیم داشت و تاییدش می کنیم؛ اگر نه، دوستش نخواهیم داشت. فراموش کرده ایم دوست داشتن مشروط نیست.

نوجوان که به نوجوانی می رسد، به دنبال خودش می گردد. به راستی فردی که خودش را پیدا کرده باشد، می داند که چه چیز در توان او هست و چه در توانش

اما ایا خانواده و اولیای مدرسه، مطابق نیاز فرزندان کودک و نوجوان وقت برای مدارا می گذارند؟

متأسفانه اغلب این چنین نیست. کسی قدر بحران هویت را نمی داند. بالاخره، جوان وارد جامعه می شود، با آرزوهایی که سرکوبشان کرده، کودکی ای که سخت سپری شده و هویتی که هنوز پیدایش نکرده. دانشجوی

پزشکی می شود، که تایید جامعه بگیرد، دوست داشته شود و مورد احترام واقع شود، اما هنوز آرزویش نواندگی در اکستر سمفونیک است. شبها و روزها خیال پردازی نمی گذارد درس بخواند و آخر ترم هم مشروطی و قصه پایین آمدن اعتماد بنفس، اینجا او باز هم درگیر بحران هویت می شود، اما جامعه چه می شود؟

مسئولیت اش در برابر اجتماع چه می شود؟ از او انتظار مسئولیت پذیری می رود، در حالی که هنوز آنچه می خواهد را تجربه نکرده است.

نتیجه این کار، نسلی خواهد شد که خودش را نمی شناسد، نمی تواند مسئولیت بپذیرد و اساساً عزت نفسش را از دست داده است. آیا مسئولیت خواستن از فرزندان بی انصافی نیست؟ همه فرزندان که با این سیستم بزرگ می شوند، عقده کودکی ناکرده و نوجوانی بیهوده را در ناهشیارشان به فراوانی دارند.

بنیانگذار روانکاوی می گوید: «بهترین کاری که انسان می تواند در حق خودش بکند، این است که با خودش صادق باشد». آیا نگرانی ما برای نسل جدید افسوس ناهشیاران کودکی و نوجوانی ناکرده خودمان نیست؟ شاید بهتر است کمی به نسل بعد از خودمان فرصت بدهیم تا بحران هویت را خودش طی کند، بی آنکه الگویی را به او تحمیل کنیم.

نیست، لذا بیش از حد مسئولیت نمی پذیرد و از طرف دیگر، آنچه را می تواند با کمال میل عهده دار می شود. پس بهتر نیست به جای اصرار برای جمع و جور کردن سریع بحران هویت نوجوانمان، کمی حوصله بخرج دهیم تا بتواند خودش را پیدا کند؟ در این بحران نه تنها والدین باید صبر پیشه کنند، بلکه اولیای مدرسه نیز سهم بسزایی در این مهم دارند.

تحقیقات اخیر نشان داده اند که نگرش مدیران و اولیای مدرسه نقش مهمی در مسئولیت پذیری شاگردانشان دارد. هر چه اولیای مدرسه انسان دوستانه تر برخورد کنند، شاگردان آنها با آرامش بیشتر و مسئولیت پذیری بیشتری عمل خواهند کرد.

باید توجه کنیم که جامعه ایران، جامعه ای جمع گرا بوده، لذا الگوها مشخص و هویت نیز اغلب به صورت این الگوها اکتسابی بر جوانان نقش می بسته است، اما در سالهای اخیر و انفجار اطلاعات، وسایل گسترده ارتباط جمعی و دسترسی به فرهنگ های دیگر، نقاط ضعف جمع گرایی پررنگ تر شده و به نوعی فردگرایی بیشتر مورد توجه خصوصاً نوجوانان و جوانان امروز قرار گرفته است، گویی جرقه ای در ذهنشان زده شده باشد: آری، می توانم آنچه نباشم که نسل گذشته از من انتظار دارد. پس خواستن کارهایی که در جامعه جمع گرایی گذشته هنجار محسوب می شد، اکنون رنگ و بوی مسئولیت ندارد، بلکه شکل خواسته ای غیر منطقی را به خود گرفته است: «من مجبور نیستم آنچه را شما می گوئید انجام بدهم، چرا اصرار بیجا می کنید؟» در دو حالت قرار خواهیم گرفت، یا با ایشان مدارا کنیم، یا اجبار و قهر و زور.

گفت‌وگو با امیر سرتیپ مروت آزادبخت

◦ محمدرضا بختیاری

روایهای مدام چگونه بر باد رفت؟

ارتش در کردستان

۱۸ ماه درگیر کردستان بودیم و آرامش در کردستان برقرار شد. چون مردم کردستان ایرانی بودند ملیت را در نظر می‌گرفتیم و به هیچ عنوان مزاحمتی برای مردم عادی و روستاها ایجاد نمی‌کردیم اما اعلامیه می‌دادیم که «همه برادر ما هستیم. حتی اگر اسلحه به دستتان باشد اما زمانی که اسلحه را به سوی ما بگیرید آن موقع دیگر ایرانی نیستید و ما مجبوریم که با شما مقابله کنیم.» حدود ۷۰ درصد کردها این را پذیرفته بودند و می‌دانستند که فریب ضدانقلاب را خورده‌اند. تقریباً در خردادماه سال ۵۹ آرامش در کردستان حکم فرما شد و عراق متوجه شد که در این منطقه شکست خورده است.

آغاز یک جنگ نابرابر

در نهایت، عراق تجاوزات زمینی، دریایی و هوایی خود را در غرب و جنوب آغاز کرد. در سال ۵۸ ما شاهد ۸۴ مورد تجاوز به خاک ایران از سوی کشور عراق هستیم و در ۶

امیر سرتیپ مروت آزادبخت از قهرمانان دوران هشت سال دفاع مقدس است. فرماندهی گروهان تیپ ۵۵ هوابرد شیراز، فرماندهی گروهان و سرپرستی گردان تیپ ۵۵ هوابرد (سردشت)، فرماندهی قرارگاه تیپ ۵۵ هوابرد (خوزستان - سومار)، افسر عملیات تیپ تیپ ۵۵ هوابرد (سومار - خوزستان)، افسر اطلاعات و شناسایی تیپ ۵۵ هوابرد (سومار - خوزستان)، استاد و فرمانده هنگ دانشجویان مرکز پیاده شیراز، استاد، رئیس کمیته تاکتیک دانشگاه فرماندهی و ستاد (تهران)، رئیس گروه تخصص‌های زمینی دانشگاه فرماندهی و ستاد (تهران) معاون آموزشی دافوس (دانشگاه فرماندهی و ستاد - تهران)، مشاور عالی دافوس دانشگاه فرماندهی و ستاد (تهران)، از جمله خدمات این فرمانده از ابتدای خدمت تا کنون بوده است.

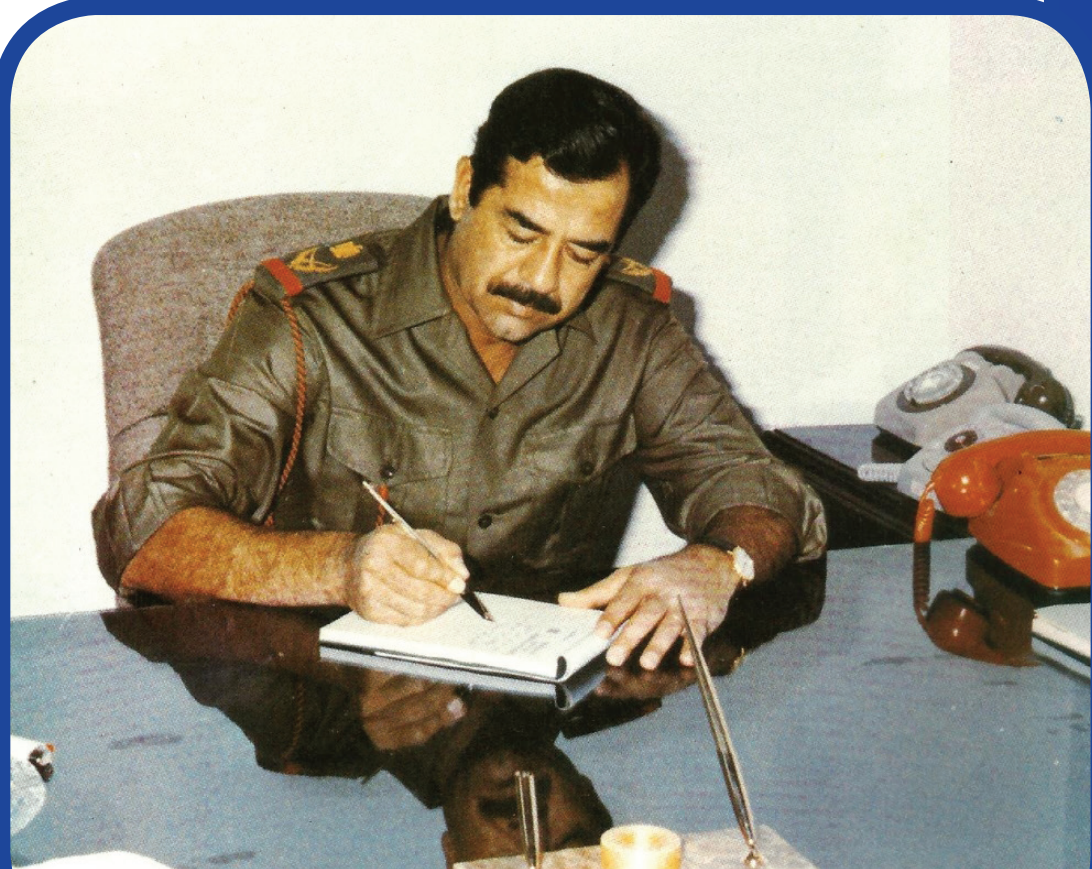
امیر سرتیپ مروت آزادبخت در گفت‌وگو با مجله شاهد جوان از برخی وقایع پیش و پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سخن می‌گوید.

ماه اول سال ۵۹ نیز ۵۵۲ مورد که جمعاً ۶۳۶ مورد تجاوز می‌شود را از سوی عراق به خاک کشورمان داشتیم. آقای ولایتی وزیر امور خارجه وقت، ۴۹۰ مورد از این تجاوزها را با اسناد معتبر به سازمان ملل گزارش کرده است و همین باعث شد که نشان دهیم صدام متجاوز است نه ما. ارتش تمام این مسائل را رصد کرده بود.

پیشروی توپخانه ارتش عراق، ثبت تیر، حرکت تانک‌ها و تقویت پاسگاه‌ها از دیگر نشانه‌هایی بودند که گویای (تک) حمله عراق به خاک ایران بود که ما به دولت و مجلس در خردادماه سال ۵۹ اعلام کردیم. اما از آن‌ها جواب رد شنیدیم. ارتش بیکار نماند. نیروی زمینی «طرح ابودر» را نوشت. نیروی هوایی و دریایی هم به طور جداگانه طرح‌های خود را داشتند. این طرح‌ها به لشکرها ارائه شد. حتی نسخه ۳۶ این طرح نیز در اختیار سپاه قرار گرفت. این طرح‌ها باید مطالعه می‌شد تا مشخص شود ارتش برای مقابله با تجاوز دشمن چه پیش‌بینی‌ها و پیشنهادهایی دارد.

تدوین طرح دفاعی ارتش و اقدام صدام

فرماندهان ارتش به رئیس جمهور بنی‌صدر که فرماندهی کل قوا را نیز در آن زمان بر عهده داشت پیشنهاد می‌دهند نیاز به آماده باش درجه یک داریم. در این شرایط بود که ارتش می‌توانست طرح‌های خود را اجرایی کند. بنی‌صدر در روز ۲۳ شهریورماه، یک روز بعد از این حادثه دستور آماده‌باش را صادر می‌کند. با اعلام این آماده‌باش به لشکرهای ۸۱، ۹۲ و ۲۸ که بیشتر در مرزها مورد خطر بودند دستور داده می‌شود که طرح‌های خود را ارائه کنند. لشکر ۲۸ طرح دفاعی «داوود» را ارائه می‌دهد. لشکر ۸۱ طرح «حر» و لشکر ۹۲ طرح «ابودر» را تدوین می‌کند. این طرح‌ها در ۲۶ شهریورماه کامل می‌شود. در همین روز، صدام قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را پاره می‌کند و رئیس مجلس عراق نیز آن را تصویب و اعلام می‌کند.



روبایهای صدام و آرایش جنگی ارتش

صدام اعلام می کند که تمام سرزمین های خود را از ایران پس خواهیم گرفت و وارد شدن به خاک ایران برای ارتش ما آسان است. صدام تصور می کرد در مقابل اش هیچ ارتشی وجود ندارد. در واقع جنگ عراق علیه ایران از ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شده است و در روز ۳۱ شهریورماه همان سال به صورت آشکار و علنی به ایران حمله کرده است. تا آن زمان جنگ به نوعی محرمانه بود اما دیگر با بمباران شهرها جنگ افشا شده بود و تازه آن تعداد از مسئولان که باور نمی کردند، متوجه شدند که عراق حمله کرده است. در همین تاریخ یعنی ۲۶ شهریور تانک های ما آرایش گرفته بودند که پیشروی کنند اما واحدهای ما در شهرها مستقر بودند. به عنوان مثال لشکر ۱۶ در شهر قزوین بود. لشکر ۷۷ در مشهد حضور داشت، لشکر ۳۰ در گرگان بود و تعدادی نیز در کردستان انجام وظیفه می کردند.

زمان؛ مشکل بزرگ ارتش در جابجایی

در چنین شرایطی می خواهیم لشکر را جابه جا کنیم اما تا ۳۱ شهریور فرایند انتقال نیروها طول کشید. آن زمان لشکر ۱۶ را می خواستیم به خط بیابوریم. تجهیزات و نیرو سوار قطار شدند اما آن ها را پیاده کردند. لشکر ۲۱ را می خواستیم از تهران حرکت بدهیم اما اجازه نمی دادند و عده ای عنوان می کردند که این لشکر می خواهد کودتا کند. اتهام کودتا در حالی مطرح شده بود که به عنوان مثال فقط افراد مورد اعتماد حق پرواز داشتند و اگر قرار بود جنگ افزاری روی هواپیمایی سوار شود این کار را هم افراد معتمد انجام می دادند. برای همین کسی دیگر توان کودتا نداشت. اما نفوذی ها و برخی افراد ناآگاه این مسئله را اعلام می کردند که ارتش کارآمد نباشد.

حماسه لشکر ۹۲

لشکر ۹۲ در اواخر خرداد و تیرماه نیروهایش را در مرزها مستقر کرده بود اما دستور رسیده بود که تمام نیروها بازگردند. همچنان اتهام کودتا به ارتش وارد می شد. با توجه به این پیش آمدها، من اعتقاد دارم علت اینکه عراق توانست در روزهای نخست جنگ تحمیلی ۴۰ یا ۴۵ کیلومتر وارد خاک ایران شود به دلیل نابسامانی تحمیل شده به لشکر ۹۲ بود. اما این لشکر به سرعت خود را پیدا کرد. این نابسامانی تحمیل شده را عده ای به حساب غافل گیری می گذارند.



اگر لشکر ۹۲ زرهی خوزستان همان آمادگی زرهی خودش را داشت اجازه نمی داد خرمشهر سقوط کند. اما با این وجود جلوی پیشروی عراق گرفته شد.

صدام برای سر فرمانده ارتشی جایزه تعیین کرد

هفته اول جنگ در جبهه غرب کشور، عراق شکست خورد چون در نقاط مورد نظر راهش سد شد. عملیات هایی همچون چالوند، بازی دراز ۱ و ۲، شیاکوه و میمک را انجام دادیم. در عملیات شیاکوه، ما ۲۷ روز وارد قلب نیروهای عراق شدیم اما به فرمانده تیپ ۵۸ دستور عقب نشینی داده شد. خدا تیمسار علی یاری را بیامزد. او فرمانده سلحشور و شجاعی بود. می گفت: «من تا دشمن را نابود نکنم عقب نخواهم آمد.» اما چون ارتش ایران تصمیم گرفتن جایی را نداشت پس از ضربه زدن به دشمن به مواضع خود بازمی گشت. این انسان شجاع بعداً فرمانده قرارگاه ارتش در غرب شد. به دلیل ضربه های فراوانی که به دشمن زده بود، صدام در سال ۶۱ مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان جایزه برای سر این فرمانده تعیین کرده بود.

خرمشهر و ...

خرمشهر سقوط کرده بود. علت اصلی سقوط در حقیقت نبود فرماندهی واحد بود. از شادگان به پایین در اختیار ژاندارمری بود و هر کسی هم وارد خرمشهر می شد تابع این فرماندهی نبود. هر کسی به شبیه و سبک خودش می جنگید. عراق از کارون عبور کرد تا آبادان را محاصره کند. شهید فلاحی برای ارائه گزارش به خدمت امام رسید. پیشنهاد شد که لشکر ۷۷ را از مشهد که یک تیپ آن در مرزهای افغانستان مستقر بود در اختیار بگیرد.

جابه جایی این لشکر نیاز به زمان داشت. از طرفی هم عراق در حال طرح ریزی برای عبور از رودخانه بهمنشیر بود تا آبادان را تصرف کند. شهید فلاحی از لشکر ۲۱ تقاضای یک گردان نیرو می کند تا در مقابل عراق در

منطقه عملیات تأخیری انجام بدهد تا سایر یگان ها در منطقه حاضر شوند. «گردان ۱۴۴» برای این کار انتخاب می شود. این گردان ۲۳ مهر در شوش عملیات انجام داده بود و تلفات نیرو داشت. چون برای بازسازی به عقب آمده بود مجدد مأموریت گرفت که در مقابل دشمن بایستد. فرمانده گردان ۱۴۴ در آن زمان سرگرد فرض الله شاهین راد بود که اکنون سرتیپ هستند. گردان مقداری تقویت شد. شهید فلاحی به شاهین راد می گوید: «من نیازمند ۴۸ ساعت زمان هستم.»

گردان ۱۴۴ وارد عمل شد و گردان ۱۵۳ نیز از مشهد با یک آتشباز توپخانه، یک گروهان مهندسی و گروهان زرهی راهی اهواز شد. این گردان به محض رسیدن، به آبادان رفت. برای همین به گردان ۱۴۴ دستور دادند به عقب بیاید. در آن زمان آقای فلاحی با دست به شانه شاهین راد می زند و می گوید: «تو دین خود را به اسلام و ایران ادا کردی می توانی از الان به خانه ات بروی چرا که آبادان را نجات دادی.» واقعا هم نجات داد.

چرا که گردان ۱۵۳ گردان قدرتمندی بود. در آن زمان، سرهنگ «کهنتری» فرمانده «گردان ۱۵۳» بود. اولین کاری که می کند یک گروهان را به جلوی خرمشهر آبادان می فرستد. در واقع خرمشهر کامل هم اشغال نشده بود. شرق خرمشهر در اختیار ایران بود. دو گروهان دیگرش نیز در خود آبادان مستقر بود. در آن زمان عراقی ها از رودخانه بهمنشیر عبور می کنند. فرمانده آبادان تیمسار حسینی سعدی بود که به این گردان دستور حرکت می دهد تا در مقابل دشمن عملیات انجام بدهد. تعدادی از نیروهای سپاه نیز در آبادان به این گردان ملحق می شوند و در آبادان عملیات انجام می دهند. این گردان با شکست دادن دشمن آن ها را تا چهار کیلومتر آن طرف تر از رودخانه بهمنشیر عقب می زند و در همان جا می ماند.

○ محمدرضا بختیاری

قانون فرزندخواندگی از دیدگاه یک وکیل

فرزندخواندگی (adoption) عبارت از یک عمل حقوقی است که موجب پیدایش رابطه‌ی فرزندى صوری بین دوشخص می‌شود یکی را «فرزند خواه» و دیگری را «فرزند» خوانده نامند و رابطه مزبور را «فرزند خواندگی» خوانند.

فرزند به کسی گفته می‌شود که از نسل دیگری باشد و بین آنها رابطه خونی و طبیعی وجود داشته و بین پدر و مادر او جز در موارد استثنایی رابطه زوجیت ایجاد شده باشد. ممکن است زن و شوهری فرزند غیر را به فرزندى بپذیرند که در این صورت قانون‌گذار چنین کودکی را در حکم فرزند این خانواده به شمار می‌آورد و آثاری برای این رابطه حقوقی مجازی می‌شناسد.

ممکن است بگویید چه تفاوتی میان فرزند واقعی و فرزند حکمی وجود دارد؟

تفاوت فرزند واقعی و فرزند حکمی یا ظاهری در این است که پیوند موجود بین فرزند حقیقی و پدر و مادر وی پیوندی طبیعی و ناگسستنی است و رابطه حقوقی بین آنها هرگز از بین نخواهد رفت، ولی پیوند بین فرزند و پدر و مادر خوانده به آن محکمی نیست و عواملی نظیر انحلال خانواده و غیره بسته به سیاست قانونگذار ممکن است رابطه حقوقی موجود را زایل کند.

سابقه تاریخی فرزندخواندگی به چه صورت است؟

فرزندخواندگی نهادی است که به اشکال گوناگون، در بین جوامع و تمدنهای متنوع تاریخی، نسبتاً سابقه طولانی دارد. محققان برای پیدایش آن علل متفاوتی ذکر کرده‌اند. بیشتر پژوهشگران بر این عقیده‌اند که فرزندخواندگی، ریشه در نیاز نظامی و اقتصادی داشته و گاهی عوامل روحی و معنوی یا عاطفی موجب پیدایش آن شده است؛ در حال حاضر نیز این نهاد براساس نیازهای معنوی خانواده و کودک بدون سرپرست استوار است.

در گذشته دور، رؤسای قبیله‌ها به منظور تقویت بنیه دفاعی و زیاد شدن قدرت قبیله‌ای و داشتن جمعیت فراوان، خانواده‌ها و اعضای قوم را به داشتن فرزند زیادتر تشویق می‌کردند و به افراد کثیرالاولاد، صله قابل توجهی می‌بخشیدند که بتدریج، داشتن فرزند وظیفه‌ای مقدس و سنتی حسنه شناخته شد و ارزش مذهبی پیدا کرد، به نحوی که افراد بدون فرزند



سرپرست و کاستن ناهنجاری‌های روانی زن و شوهری که از نعمت فرزنددارشدن محروم هستند، نقش و فایده چشمگیری دارد و از بار مسؤولیت دولت نیز کاسته خواهد شد. وقتی اطفال بدون سرپرست جذب خانواده شوند و در محیط مناسب رشد کنند، در آینده جوانانی متعادل و دور از ناهنجاری‌های روحی، فعالانه وارد جامعه می‌شوند که از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افرادی مفید و ارزنده خواهند بود؛ ضمن اینکه از مشکلات دولت نیز در زمینه نگاهداری اولیه و تربیت ادوار مختلف این گونه اطفال کاسته می‌شود. از همین رو پیش از ورود به بحث اصلی باید توضیح بدهم که مطالب تعاریف حقوقی،

«جواد مجیدی» از وکلای پایه یک دادگستری است. او در این شماره از ماهنامه شاهد جوان به قانون فرزندخواندگی اشاره دارد و پیش از ورود به مباحث قانونی این مساله به فواید فرزندخواندگی اشاره می‌کند.

او در گفت‌وگو با ماهنامه شاهد جوان بحث فرزندخواندگی را تحلیل کرده است. بخش نخست این گفت‌وگو در پیش رویتان قرار دارد و بخش دوم آن در شماره بعدی شاهد جوان منتشر خواهد شد.

فرزندخواندگی در شرایط کنونی و جوامع امروزی، برای استحکام و گرمی بخشیدن به کانون خانواده‌های بدون اولاد و سالم سازی جامعه و رفع مشکلات روحی اطفال بدون

در خود احساس کمبود می‌کردند و دچار مشکلات روحی می‌شدند. و متفکران برای حل این مشکل و جبران این کمبود، راه حلی اندیشیدند و چنین مرسوم شد: «افرادی که با وجود اشتیاق و علاقه فراوان به داشتن فرزند از این موهبت محروم بودند، فرزند خواندگانی انتخاب و جانشین فرزند واقعی کنند.» کم‌کم این طرز تفکر در ذهن مردم به عنوان سنت حسنه رسوخ کرد. از طرف دیگر در میان اقوام گذشته، خانواده براساس قدرت پدری یا پدر شاهی (patrin cat) استوار بود و رئیس خانواده قدرت فوق‌العاده‌ای داشت؛ به طوری که قادر بود به میل خود افراد و اعضای خانواده را تعیین و به هر ترتیبی که می‌خواست، خانواده خود را شکل می‌داد و حتی قادر بود اطفال و فرزندان واقعی و طبیعی خود را از خانواده اخراج و بیگانه‌ای را به فرزندی بپذیرد.

در رسم قدیم به منظور حفظ آیین دینی و مراسم و شعائر مذهبی و استقرار آداب خانوادگی و ایجاد نیرو و توانمندی لازم و همچنین برای نگاهداری و نگهداری اماکن متبرکه و تأمین قوای کافی در جهت تأمین این اهداف، فرزندخواندگی از اهمیت فراوانی برخوردار بود و کثرت و تعدد فرزندخواندگان سبب افزایش ارزش و اعتبار خانواده‌ها می‌گردید.

در میان رومیان قدیم نیز چنین مرسوم بود که بعد از فوت رئیس خانواده، پسر وی ریاست خانواده را عهده‌دار می‌گردید. به همین دلیل، داشتن فرزندان ذکور اهمیت فراوانی داشت؛ زیرا تصور مردم چنین بود که اگر مردی فوت شود و پسر نداشته باشد، کانون خانواده از هم پاشیده خواهد شد و نیز معتقد بودند دختر هر خانواده با ازدواج کردن باید آداب و آیین خانواده اصلی خود را ترک کند و الزاماً به آیین خانواده شوهر بپیوندد؛ بنابراین دختر قادر نبود آداب و سنن خانواده اصلی خود را حفظ کند؛ در نتیجه هر مرد رومی و رئیس خانواده، داشتن پسر را یک نیاز حتمی و امری ضروری می‌دانست و اگر پسری نداشت یا قادر نبود صاحب فرزند شود، بر حسب ضرورت، پسر شخص دیگری را به فرزندی می‌پذیرفت و برای به دست آوردن فرزندخوانده ناچار بود با یکی از رومیان دارای پسران متعدّد، توافق کند تا یکی از پسرانش را به وی بفروشد و از تمام حقوق خود نسبت به آن پسر صرفنظر کند. تشریفات چنین بود که طرفین و طفل در

دادگاه حضور می‌یافتند و پدر کودک در نزد قاضی سه مرتبه اظهار و اعلان می‌کرد پسر مرا به مرد حاضر در دادگاه فروختم و با این اعلان دیگر هیچ گونه حقی بر آن فرزند نداشت و سپس پدرخوانده تسلیم کودک را به عنوان پسرخوانده خود از وی می‌خواست و قاضی دادگاه سکوت پدر واقعی طفل را حمل بر رضایت وی بر این اقدام می‌کرد و کودک را به پدرخوانده تحویل می‌داد. با طی این تشریفات، رابطه طفل با خانواده اصلی به طور کامل زایل و قطع شده، رابطه حقوقی وی با پدرخوانده برقرار می‌گردید و در نتیجه، نام و مشخصات خانوادگی پدرخوانده بر فرزندخوانده نهاده می‌شد، ولی لقب خانوادگی قبلی وی به مشخصات خانوادگی جدید اضافه می‌گردید.

آقای مجیدی در سایر ادیان هم موضوع فرزندخواندگی آمده است؟

در حقوق مسیحیت، خانواده براساس ازدواج استوار بود و نهادی تحت عنوان فرزندخواندگی در مذاهب گوناگون دین مسیح پذیرفته نشده بود؛ لذا در حقوق مبتنی بر مذهب در کشورهای اروپایی از جمله در حقوق قدیم فرانسه فرزندخواندگی اعتماد و ارزش قدیم خود را از دست داده و یا بسیار ضعیف شده بود.

در ایران مساله فرزندخواندگی چگونه است؟

در ایران قبل از حمله اعراب و پیش از استقرار ضوابط اسلامی، فرزندخواندگی توأم با اعتقادات مذهبی مرسوم بود. زرتشتیان که بیشتر مردم ایران را تشکیل می‌دادند، بر این باور بودند که فرزند هر کس پل ورود او به بهشت است و افراد فاقد اولاد در روز قیامت و دنیای دیگر پلی ندارند تا از طریق آن وارد بهشت گردند؛ این گونه افراد عقیم و بدون فرزند می‌توانستند از راه فرزندخواندگی برای ورود به بهشت پل‌سازی نمایند. در ایران سه نوع فرزندخواندگی مرسوم بود: نخست: «فرزندخوانده انتخابی» و آن فرزندخوانده‌ای بود که پدر و مادر خوانده فاقد فرزند، در زمان حیات خود، او را به فرزندی می‌پذیرفتند. دوم: «فرزندخوانده قهری» زن ممتاز یا دختر منحصر متوفایی بود که آن متوفی برادر یا پسری نداشت که در این صورت آن زن یا دختر بدون اراده و به طور قهری فرزندخوانده متوفی محسوب می‌گردید. سوم: فرزندخوانده‌ای که ورثه

متوفای بدون اولاد بعد از فوتش برای او انتخاب می‌کردند.

در قرآن کریم هم اشاره‌ای به فرزند خواندگی شده است؟

در هنگام ظهور اسلام نیز فرزندخواندگی امری متداول و رایج بوده به گونه‌ای که مسلمانان برخی از یتیمان را به فرزندی گرفته و با ایشان همانند فرزندانشان رفتار می‌کردند. این امر با توجه به توصیه‌های مکرر اسلام نسبت به یتیمان و محبت ورزیدن به ایشان و نخوردن اموال آن‌ها امری مطلوب و پسندیده بوده است، با نزول آیات مربوط به فرزندخواندگی جاری شدن قوانین مربوط به فرزندان حقیقی در خصوص فرزندخوانده‌ها لغو شد.

آیاتی که در خصوص فرزندان خواندگی در زمان اسلام سخن می‌گویند به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف- آیاتی که در آن‌ها از انتساب فرزندان به غیر پدرانشان نهی می‌کنند: (... و مَا جَعَلَ اَدْعِيَاءَكُمْ اَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِاَفْوَاهِكُمْ وَاللّٰهُ يَقُولُ الْحَقُّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيْلَ. اَدْعُوهُمْ لِاَبْنَائِهِمْ هُوَ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ فَاِنْ لَمْ تَعْلَمُوْا اَبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا اَخْطَاْتُمْ بِهٖ وَ لٰكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوْبُكُمْ وَ كَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا). (احزاب، آیه ۵)

در تفسیر قمی در ذیل آیه «وَ مَا جَعَلَ اَدْعِيَاءَكُمْ اَبْنَاءَكُمْ» می‌گوید: پدرم از ابن ابی عمیر، از جمیل، از امام صادق (ع) برایم حدیث کرد، که فرمود: سبب نزول این آیه این بود که وقتی رسول خدا (ص) با خدیجه دختر خویلد ازدواج کرد، به منظور تجارت از مکه به عکاظ رفت و در آن جا زید را دید که در معرض فروش قرار گرفته، او را جوانی زیرک و تیزهوش و عفیف یافت، پس وی را خریداری کرد، و همین که به نبوت رسید، زید را به اسلام دعوت نمود، و زید مسلمان شد، از آن روز مردم به وی می‌گفتند: مولی محمد (ص)

در آیات یاد شده، کلمه «ادعیاء» جمع دعی، به معنی پسرخوانده است که در آیات یاد شده توصیه شده که فرزندخوانده‌ها به نام پدرانشان صدا زده شوند نه به نام پدر خوانده ایشان، و چنانچه نام پدران واقعی ایشان مجهول باشد، ایشان را با نام مولی (دوست یا برادر) صدا بزنند و چنانچه از روی خطاء نه عمد ایشان را با نام پدر خوانده هایشان صدا بزنند ایرادی ندارد.

روش ارائه یک مطلب بی عیب و نقص

محمدپیام بهرام پور نویسنده و از جمله مدرسان مهارت‌های ارتباطی، سخنرانی و فن بیان است. او در یکی از سخنرانی‌هایش در رابطه با شیوه‌های ارائه مطلب نکاتی را یادآور شده است که تعدادی از آنها را با هم مرور خواهیم کرد:

سراغ نرم افزاری مثل پاورپوینت یا پرزی می‌روند.

باید یادمان باشد که این نرم‌افزارها فقط یک ابزار هستند و قرار نیست که جلوی خلاقیت یا تفکر ما را بگیرند.

پیش از باز کردن نرم افزار باید حتماً باید نقشه ذهنی و مسیر صحبت ارائه مطلبمان را به صورت مکتوب آماده کرده باشیم و سپس به سراغ نرم‌افزارهای دیگر برویم.

۲- قطعی فرض کردن چیزی در ارائه مطلب

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های ضروری برای یک مدرس یا سخنرانی و ارائه دهنده مطلب این است که با ماهیت علوم انسانی به خوبی آشنایی داشته باشد و بداند که هیچگاه نمی‌توان قانون یا اصل قطعی را مطرح کرد.

اگر مدرسی بگوید «همیشه» باید به گونه‌ای خاص رفتار کنید و هیچوقت نباید کار خاصی را انجام دهید و ... بدون شک به ما خواهیم گفت که او یا دانش کافی ندارد یا تجربه او به اندازه‌ای نیست که این اصل را درک کرده باشد که در سخنرانی نمی‌توان به سادگی چیزی را نفی یا تأیید کرد و این موضوع به شرایط بسیار مختلفی از جمله شرایط، شخصیت سخنران و مخاطبان بستگی دارد.

۳- در نظر نگرفتن ویژگی‌های مخاطبان

مخاطب شناسی یکی از اصول اصلی در ارائه مطلب و سخنرانی است و هر کسی که حداقل شناختی از مهارت‌های ارائه مطلب داشته باشد می‌داند که باید همه ویژگی‌های مخاطبان را در هنگام ارائه مطلب و البته قبل از آن یعنی زمان طراحی ارائه مطلب در نظر گرفت.

از آنجایی که موضوع مخاطب شناسی بسیار گسترده است، فقط برای این که اهمیت این موضوع را نشان بدهم، فقط یک ویژگی از مخاطبان یعنی سن آنها را مورد بررسی قرار می‌دهم.

سن مخاطبان از آنجایی که نشان دهنده این است که افراد در کدام مقطع زندگی قرار دارند، کمک شایانی در شناخت نیازهای آنها به ما می‌کند. تقریباً می‌توان با دانستن میانگین سنی مخاطبان

در این سیستم انتقال اطلاعات این اجزا وجود دارند:

۱. ارائه کننده

۲. مخاطب (یا مخاطبان)

۳. پیام

۴. رسانه

۵. محیط ارائه

۶. عوامل منفی (پارازیت)

البته دسته بندی‌های مختلفی در این رابطه می‌توان ارائه کرد که اجزای ارتباطی انتقال و ارائه مطلب چه هستند که به نظرم از موضوع بحث خارج هستند و باعث می‌شوند که جنبه کاربردی در صحبت را شاهد نباشیم.

۱- آماده سازی اول محتوا با نرم افزاری مثل پاورپوینت!

یکی از اصلی‌ترین اشتباهاتی که سخنرانان در هنگام طراحی یک سخنرانی یا ارائه مطلب مرتکب می‌شوند این است که قبل از این که تصمیم بگیرند که چه چیزهایی می‌خواهند بگویند و چه سرفصل‌هایی مد نظرشان است، به

«ارائه» در لغت به معنای نشان دادن و نمایش دادن خواننده می‌شود و زمانی که صحبت از ارائه مطلب صحبت به میان می‌آید منظور این است که قصد داریم اطلاعاتی را به نمایش بگذاریم یا منتقل کنیم.

البته ارائه مطلب عموماً سخنرانی کردن نیست و حتی می‌تواند یک جلسه یک به یک باشد و مفهوم بزرگتری از سخنرانی و صحبت در جمع را شامل می‌شود.

اما آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که بدانیم «ارائه مطلب» و «سخنرانی» اشتراکاتی دارند و از آن مهم‌تر اکثر افراد اشتباهات یکسانی در این رابطه مرتکب می‌شوند که در ادامه قصد داریم هر کدام از این اشتباهات را مرور کنیم.

آیا مهارت ارائه مطلب قابل یادگیری است؟ جواب بله است. اما برای این توانایی باید به نکاتی توجه کنیم.

سیستم ارائه مطلب

زمانی که به ارائه مطلب به عنوان یک سیستم نگاه کنیم متوجه می‌شویم که



فلافل کم روغن



فاطمه عسگری

مواد لازم:
 نخود: ۲۵۰ گرم
 پیاز زرد: یک عدد کوچک
 جعفری یا گشنیز تازه: یک پیمانه
 سیر: سه حبه
 جوش شیرین: نصف قاشق چایخوری
 آرد: یک چهارم پیمانه
 زیره آسیاب شده: یک قاشق چایخوری
 تخم گشنیز آسیاب شده: دو قاشق چایخوری
 پودر چیلی: نصف قاشق چایخوری
 آب لیموی تازه: قاشق غذاخوری
 نمک و فلفل سیاه آسیاب شده: به میزان لازم
 روغن مایع: ۳ تا ۴ قاشق غذاخوری



مطبخ...

۱۹

شاهد جوان / شماره ۱۵۳

برای تهیه فلافل باید نخود را از شب قبل خیس کنید. صبح نخود را از آب بیرون بیاورید و کاملاً خشک کنید. ابتدا جعفری یا گشنیز را درشت خرد کنید و در غذاساز یا مخلوط کن بریزید. پیاز را هم درشت برش بزنید و به همراه حبه‌های سیر اضافه کنید. حالا آرد، جوش شیرین، تخم گشنیز آسیاب شده، زیره آسیاب شده، پودر چیلی و آب لیموی تازه را به مواد اضافه کنید. کمی نمک و فلفل سیاه تازه آسیاب شده هم به مواد بزنید. همه این مواد را با غذاساز یا هم مخلوط کنید تا مانند آنچه در ویدئو می بینید کاملاً ریز و یکدست شوند.
 مخلوط آماده شده را در یک کاسه بزرگ بریزید و کنار بگذارید. حالا نخود خیس خورده بدون آب را در غذاساز بریزید و خرد کنید. دقت کنید نخودها مانند پوره کاملاً له نشوند. اکنون نخود خرد شده را به مخلوط جعفری اضافه و کاملاً مخلوط کنید.

کف سینی فر را با کمی روغن مایع چرب کنید. فلافل‌ها را با دست شکل دهید و در سینی بچینید. کمی روغن مایع روی فلافل‌ها بریزید و سینی را به مدت ۱۰ دقیقه در فری با دمای ۲۰۰ درجه سانتی گراد یا ۴۰۰ درجه فارنهایت قرار دهید. بعد از ۱۰ دقیقه سینی را از فر بیرون بیاورید و فلافل‌ها را زیر و رو کنید و دوباره به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در فر قرار دهید تا فلافل‌ها طلایی شوند.

شناخت مناسبی از بسیاری از ویژگی‌های آنها به دست آورد. مثلاً اگر مخاطبان شما دانش آموزان دوره دبیرستان (از سن ۱۵ تا ۱۸ سالگی) باشند، بزرگترین نگرانی آنها انتخاب رشته و قبول شدن در دانشگاه مورد نظر خواهد بود و اگر دانشجویان ۱۹ تا ۲۴ ساله باشند، احتمالاً بزرگترین دغدغه آنها یافتن یک شغل مناسب و فرصت‌های کاری است. اگر مخاطبان سن بیشتری داشته باشند و دوران میان سالی را گذرانده باشند، به احتمال زیاد به فکر سروسامان دادن فرزندان خود و همچنین دوران بازنشستگی خواهند بود.

همچنین اگر قرار است که برای کودکان ۵ یا ۶ ساله صحبتی داشته باشیم لازم است که با انرژی و تعامل بسیار زیادی صحبت کنیم و حس شادابی و نشاط به آنها بدهیم. و در نقطه مقابل اگر برای افرادی که میانگین سنی آنها ۶۰ سال است صحبت می‌کنیم باید توجه کنیم که از تحرک بیش از حد بپرهیزیم چون گاهی ممکن است برخی از مخاطبان احساس کنند که به آنها بی‌احترامی شده است یا حتی بگویند که «عجب سخنران جلفی!». همچنین در هنگام صحبت با افرادی که سن زیادی دارند باید کمی سرعت کلاممان را کاهش دهیم.

بنابراین به صورت کلی می‌توانیم بگوییم که قبل از هر سخنرانی باید ببینیم که مخاطبان ما در چه مقطع سنی قرار دارند و چه شرایطی در آنها وجود دارد که باید در مورد آنها دقت داشت.

۴- تصور این که بحران‌ها حین ارائه مطلب رخ نمی‌دهد

یکی از بزرگترین اشتباهات در ارائه مطلب این است که ما تصور کنیم هیچ بحرانی حین ارائه رخ نمی‌دهد. اما ممکن است تعدادی از بحران‌های زیر پیش بیاید:

- دیر رسیدن مخاطب به جلسه ارائه مطلب
- ناتوانی به پاسخ دادن سوالات حضار
- قطع شدن سیستم صوتی
- همه‌په در سالن
- وجود افراد تخریب‌گر
- رفتن برق
- زمین خوردن سخنران حین ارائه مطلب
- کار نکردن پاورپوینت

به عنوان یک سخنران حرفه‌ای باید مد نظر داشته باشیم که حتماً یکی از این شرایط رخ خواهد داد و ما باید آماده این موضوع باشیم!

نماز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) در نظر بزرگان



قول حسن بن مثله جمکرانی چنین می نویسد.
امام زمان علیه السلام فرمود:

دو رکعت نماز تحیت مسجد بگزارند، در هر رکعتی یک بار الحمد و هفت بار قل هو الله احد بخواند و تسبیح رکوع و سجود را هفت بار بگویند؛ و دو رکعت نماز امام صاحب الزمان علیه السلام بگزارند بر این نسق: چون فاتحه خواند به ایاتک نُعَبِّدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ رسید، صد بار آن را بگوید، و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند؛ و رکعت دوم را نیز به همین طریق بگزارد و در رکوع و سجود هفت بار تسبیح بگوید، و چون نماز را تمام کرد، تهلیل بگوید و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را، و چون از تسبیح فارغ شد سر به سجده نهد و صد بار صلوات بر پیغمبر و الش - صلوات الله علیهم - بفرستد، و این نقل از لفظ مبارک امام علیه السلام است که فَمَنْ صَلَّيْهُمَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ یعنی هر که این دو رکعت نماز را بگزارد، گویی دو رکعت نماز در کعبه گزارده است.

نماز مسجد جمکران را مرحوم حاجی نوری - که از بزرگترین محدثان قرون اخیر است در کتابهای نجم الثاقب کلمه طیبه و جنه الماوی در ضمن حدیث تأسیس مسجد جمکران نقل کرده است، و قبل از ایشان هم جمعی از بزرگان آن را با اختلاف اندک روایت کرده اند که عبارتند از:

۱ - خبیر مرحوم محمد تقی ارباب قمی، از دانشمندان دوره ناصری (پدر مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد ارباب قمی)؛ ایشان حدیث مسجد جمکران را در کتاب تاریخ دارالایمان قم - که در سال (۱۲۹۵) قمری بنا به خواسته حاکم دارالایمان قم تحریر یافته است - بدون ذکر سند مرقوم داشته است.

در نقل ایشان، این مسجد به نام مسجد قدمگاه صاحب الزمان علیه السلام مطرح است.

۲ - محدث و مورخ عظیم الشان، مرحوم صفی الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی، حدیث تأسیس مسجد جمکران را در کتاب خلاصه البلدان که در سال (۱۷۹۶) قمری از تدوین آن فارغ گردیده، روایت نموده است؛

گرچه در نسخه چاپی، این حدیث نیامده، ولی طبق نقل الذریعه نام کتاب خلاصه البلدان فی اخبار قم و شرفها و ذکر بناء مسجد جمکران است، و صاحب کتاب انوار المشعشعین آن را از خلاصه البلدان نقل کرده است.

منبع: سایت مرکز تخصصی نماز

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول به جای آورد و بعد از تمام شدن نماز این دعا را بخواند؛ پس خداوند حاجت او را - هر چه که باشد - برآورده سازد مگر آنکه حاجت او در قطع کردن صله رجم باشد؛ دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَأَنَّ عَصِيَّتَكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ، اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ عَصِيْبَتِكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيْمَانُ بِكَ لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيْكَاً مِمَّا مِنْكَ بِهٍ عَلَيَّ لَأَمَّا مِنِّي بِهٍ عَلَيَّكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَيَّ غَيْرَ وَجْهٍ أَلْ مُكَابَرَهٍ، وَ الْخُرُوجِ عَنْ عُيُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِزُبُوبِي - ت- كَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلْتَنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنِّي تَعَذَّبْتَنِي فَبَدَّنْتَنِي، وَإِنِّي تَعَفُّوْا لِي وَتَرَحُّمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيْمٌ

و بعد از آن تا نفس او وفا کند یا کریم یا کریم را مکرر بگوید، بعد از آن بگوید:

يَا اِمْنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ؕ وَكُلِّ شَيْءٍ غٍ ؕ مِنْكَ خَائِفٌ حَذَرَ اَسْتَلْكَ بِاَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ غٍ ؕ وَخَوْفٌ كُلِّ شَيْءٍ ؕ مِنْكَ، اَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْطِيَنِي اَمَانًا لِنَفْسِي وَاَهْلِي وَاَوْلَادِي وَاَسَايِرٍ مَا اَنْعَمْتَ بِهٍ عَلَيَّ حَتَّى لَا اَخَافُ وَلَا اَحْزَنُ مِنْ شَيْءٍ ؕ اَبَدًا اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ ؕ قَدِيْرٌ، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ يَا كَافِي اِبْرَاهِيْمَ نَمْرُوْدَ وَاَيَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ اَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

و به جای فلان بن فلان، نام شخصی را که از ضرر او می ترسد و نام پدر او را بگوید، و از خداوند طلب کند که ضرر او را دفع نماید و کفایت کند. بعد از آن به سجده رود و حاجت خود را مسئلت نماید و به درگاه خداوند تضرع و زاری کند. هر مرد مؤمن و زن مؤمنه ای که این نماز را به جا آورد و این دعا را از روی اخلاص بخواند، درهای آسمان برای برآمدن حاجات او گشوده می شود و دعای او مستجاب می گردد، و این به سبب فضل و انعام خداوند تعالی بر ما و بر مردمان است.

ج - قطب راوندی رحمه الله در کتاب دعوات در ضمن نمازهای معصوم علیهم السلام می گوید: نماز مهدی - صلوات الله و سلامه علیه - دو رکعت است: در هر رکعتی حمد یک مرتبه و صد مرتبه ایاتک نُعَبِّدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ، و بعد از نماز، صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او (صلوات الله علیهم)، صاحب کتاب مونس الحزین در ضمن بیان داستان مسجد مقدس جمکران قم، از

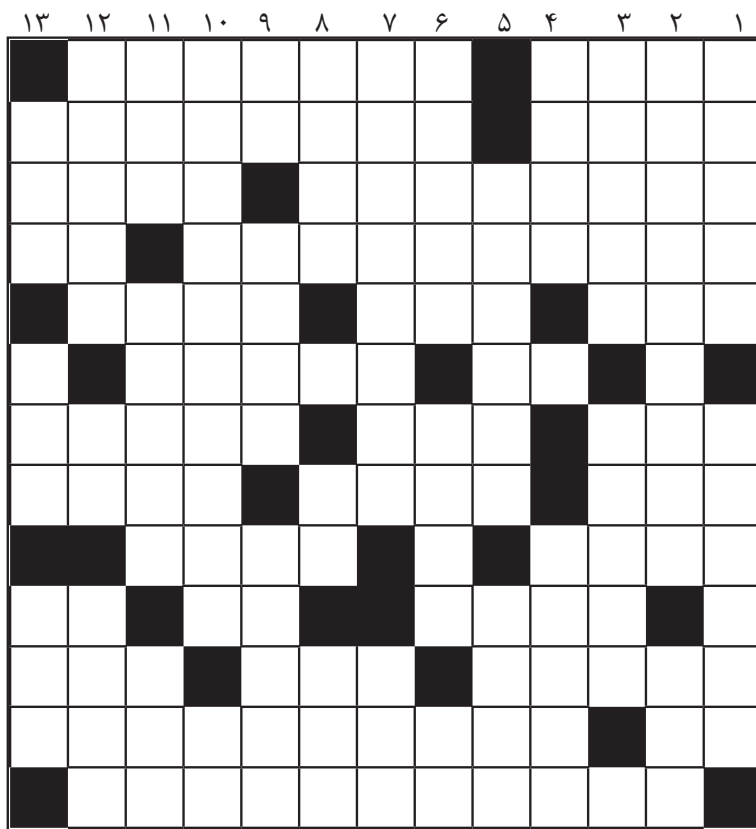
چون نماز بهترین عبادات و کلید حل مشکلات است، بر آن شدید که به مناسبت آغاز امامت و ولایت حضرت حجت بن الحسن (علیه السلام) کیفیت خواندن نماز آن حضرت را بیان کنیم. این نماز را علمای بزرگ شیعه در کتابهای خود روایت کرده اند که ما در اینجا به سه طریق آن را نقل می کنیم:

الف - سید بن طاووس می نویسد: نماز حضرت قائم علیه السلام دو رکعت است.

در هر رکعت فاتحه کتاب را تا آیه ایاتک نُعَبِّدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ می خوانی، سپس این آیه را صد مرتبه تکرار کرده، نگاه سوره را تمام می کنی و بعد سوره توحید را می خوانی و بعد از نماز دعای اللهم عظم البلاء... را قرائت می نمایم.

ب - شیخ طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان در کتاب کنوز النجاه روایت کرده است از احمد بن الدربی از خدامه ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری که او گفته است:

از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان - علیه الصلوة والسلام - توقیعی بیرون آمد که اگر کسی را به سوی حق تعالی حاجتی باشد، باید بعد از نصف شب جمعه غسل کند و به مکان نماز خود برود و دو رکعت نماز گزارد: در رکعت اول سوره حمد را بخواند و چون به ایاتک نُعَبِّدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ می رسد، صد مرتبه آن را تکرار نماید و بعد از آنکه صد مرتبه تمام شود، بقیه سوره حمد را بخواند؛ پس از تمام شدن سوره حمد سوره قل هو الله احد را یک مرتبه بخواند و رکوع و دو سجده به جا آورد و سبحان ربی العظیم و بحمده را هفت مرتبه در رکوع بگوید و سبحان ربی الاعلی و بحمده رادر هر یک از دو سجده هفت مرتبه بگوید و بعد از آن



افقی:

- ۱- سر کوه باقله، موش و گربه
- ۲- جانوره مکنده، از دروازه بانان پرپولیس
- ۳- سروری سنیزی، بریم به ترکی
- ۴- از رئیس جمهوران آمریکا، پهلوان و مبارز
- ۵- تمام، نوعی انگل خونخوار، نام خودمانی کبوتر
- ۶- نوعی ویتامین، حرف سوم انگلیسی، نژادی از سگ
- ۷- طولانی‌ترین رشته کوه جهان، کشتی جنگی، کهنه‌وقدیمی
- ۸- گیاه‌خوار، منسوب به هنر، خوش‌بُمنی
- ۹- ادب کردن، نوعی سبزی برای سالاد
- ۱۰- سپیری که زئوس و آتنا از آن استفاده می‌کردند، علامت مفعول صریح، کاغذ خرید
- ۱۱- محل نمایش فیلم، سیاه‌مایل به سبزی و سرخ‌مایل به سیاهی گردیدن، نوعی گویش فارسی
- ۱۲- صدای گاو، نخبه‌سالاری
- ۱۳- نام‌یک خواننده

عمودی:

- ۱- از مناطق جنگی خوزستان، نوعی بیماری
 - ۲- فیلمی جنگی به کارگردانی سیف‌الله داد، نوعی گل
 - ۳- یگ گیاه زینتی، توی دهان است
 - ۴- افشای اطلاعات ناخواسته امنیتی در اینترنت، مریض
 - ۵- یک نوع نان محلی ویژه کردستان، ابزار رفت و روب
 - ۶- توضیح دادن، مونس، حرف ربط
 - ۷- رئیس‌جمهور جمهوری خواه آمریکا، از جوانان اهل بهشت
- ۸- بازسازی، حرف بیست و پنجم الفبای فارسی، اول، به چوب دستی زدن
 - ۹- تعجب زنانه، کارران، پدران اولیه کلیسا بود
 - ۱۰- فیلمی به نویسندگی و کارگردانی محمدبزرگ‌نیا، ناشنوا
 - ۱۱- آب روان، از شبکه‌های اجتماعی، برداشت محصول
 - ۱۲- نام‌ماه اول از ماههای رومی که به ماههای یولیوسی نیز معروفند، درون، از جهت درآمد، نوعی فلز، غرض



ویژگی‌های تدوین سبک زندگی ایرانی - اسلامی

ایرانی بهره گرفت و به سنت‌های دینی وفادار بود و در عین حال هم می‌توان از محسنات و مزایای دنیای امروز استفاده کرد. این البته موضوعی است که در گفتن بسیار آسان و در تبیین بسیار دشوار است.

در طراحی الگو برای سبک زندگی باید «شناخت عوامل موثر بر سبک زندگی در دنیای امروز» نیز مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گیرد. شیوه زندگی آدمی در هر زمانی متأثر از عوامل گوناگون است. در زمان‌های دور، افعال و اقوال بزرگان یک روستا می‌توانست بر شیوه زندگی اهالی روستا تأثیر بگذارد. در زمان‌هایی دیگر نقش حاکمان یا چهره‌های شاخص دینی و سیاسی در این زمینه تأثیر داشت.

امروزه در جامعه ما افزون بر نهادهای دینی و سیاسی، و گروه‌های مرجعی چون ورزشکاران و هنرمندان، عوامل دیگری هم در تعیین سبک زندگی افراد جامعه تأثیر دارند که عبارت‌اند از: ابزارهای ارتباطی و اطلاع‌رسانی از قبیل اینترنت و ماهواره و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی. انقلابی که در فناوری اطلاعات پدید آمده تا اندازه‌ای توانسته عوامل سنتی موثر بر شکل‌گیری سبک زندگی را تحت الشعاع قرار دهد.

بنابراین کسانی که درصدد طراحی الگوی برای سبک زندگی افراد جامعه امروز ایران هستند باید مجموعه عوامل سنتی و جدیدی که در انتخاب سبک زندگی تأثیر دارند را به خوبی بشناسند و با ظرفیت‌ها، ظرافت‌ها و

آشنا هستند، بیش از دیگران خود را نشان می‌دهد.

این دوگانگی و تردید و دودلی‌های هویتی را گاه به خوبی می‌توان در مراسم و آیین‌های ملی یا دینی و مذهبی و حتی نوع پوشش والدین و فرزندان دید. بنابراین، اگر قرار است درباره شیوه زیستن ایرانیان امروز الگوی ارائه شود بایستی به طور جدی به شرایط جامعه ما از منظر نسبت این جامعه با سنت و مدرنیته توجه جدی شود.

در اینجا بهتر است به دو نکته اشاره شود:

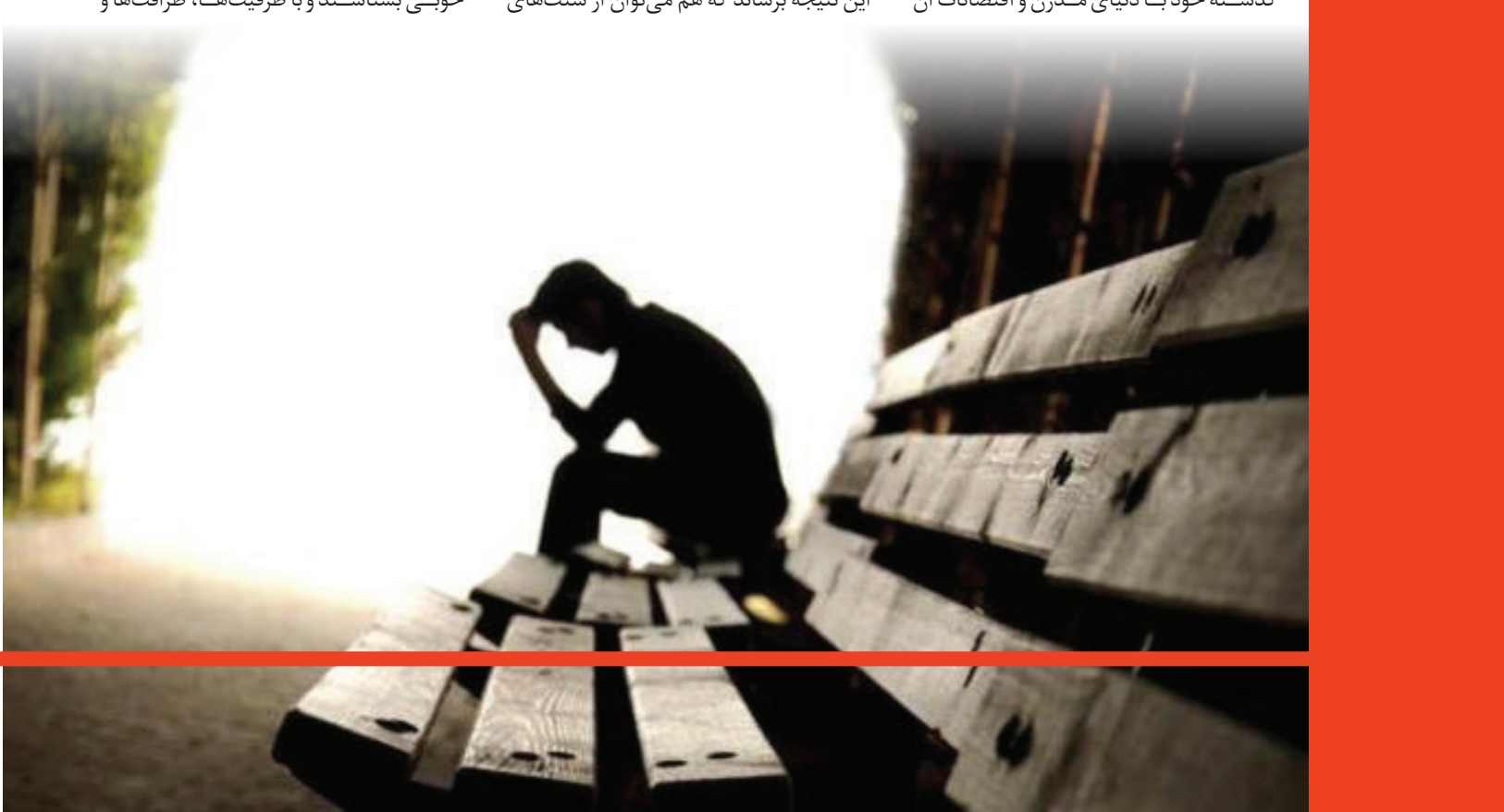
یکی این که اشاره به سنت یا مدرنیته در بحث حاضر فعلاً نگاهی ارزش داورانه نیست.

دوم این که وقتی قرار است الگوی ایرانی - اسلامی سبک زندگی طراحی شود بایستی نسبت دو چیز با مدرنیته، مدرنیسم یا تجدد روشن شود و در طراحی این الگو به طور جدی مد نظر قرار گیرد: یکی نسبت سنت‌های ملی با مدرنیته و دیگر نسبت اسلام با مدرنیته. طبیعتاً دست‌اندرکاران چنین طرحی خواسته یا ناخواسته باید به دنبال خوانشی از این دو موضوع باشند که بتواند جامعه امروز ایران را به این نتیجه برساند که هم می‌توان از سنت‌های

اگر قرار است درباره شیوه زیستن ایرانیان امروز الگویی ارائه شود بایستی به طور جدی به شرایط جامعه ما از منظر نسبت این جامعه با سنت و مدرنیته توجه جدی شود.

طرحی که برای سبک زندگی ایرانی - اسلامی نوشته می‌شود طبیعتاً باید ناظر به شرایط موجود جامعه ایران به عنوان یک جامعه در حال گذار باشد. جامعه ایران جامعه‌ای است که امروزه در عین حضور پررنگ سنت‌های دینی و ملی در جای جای آن، در عین حال با دنیای جدید نیز در ارتباط است و این ارتباط طبیعتاً در نوع نگرش او به زندگی و شیوه زیستن‌اش نیز تأثیر می‌گذارد. جامعه امروز ما نه یک جامعه کاملاً سنتی مانند یکصد یا دویست سال قبل است و نه یک جامعه که همه اقتضانات مدرنیته را به طور نسبتاً کامل پذیرفته باشد.

از این رو، بخش‌هایی از این جامعه هنوز تکلیف خود را با سنت مشخص نکرده و بخش‌هایی از آن تکلیف خود را با مدرنیته معلوم نکرده و بخش‌هایی هم با هر دو. این امر به خصوص در میان نسل جوان، که از طرفی در یک جامعه سنتی بالیده‌اند و از سوی دیگر بیش از نسل گذشته خود با دنیای مدرن و اقتضانات آن





نقاط ضعف و قوت آنها آشنا شوند. غفلت یا تغافل از این عوامل، به مثابه وارد شدن به میدان رقابت با حریفی است که آگاهی درستی از او نداریم.

نکته دیگر توجه به «جریان‌ها و فرایندهای تاثیرگذار بر زیست - بوم انسان عصر حاضر» است. انسان امروز با فرایندهایی چون جهانی شدن مواجه است که تمام احوال و شیوین زندگی او را تحت تاثیر قرار داده است. از آنجا که شهروندان جامعه ایران هم به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر این جریان‌ها قرار دارند هنگام تدوین الگوی سبک زندگی برای آنها باید به این جریان‌ها و فرایندها نیز، از منظر تاثیرگذاری آنها بر شیوه زندگی، توجه شود. در واقع باید مخاطب الگوی سبک زندگی را «انسان ایرانی» ساکن در «دهکده جهانی» با همه مختصات آن دانست که گرچه تاثیرگذاری اش بر این فرایندها ممکن است اندک باشد ولی تاثیرپذیری اش قطعاً زیاد است.

استفاده از تجارب دیگران:

پیش از ما، و بیش از ما، در دیگر جوامع جهان نیز مسئله سبک زندگی به عنوان یک موضوع مهم مدنظر قرار گرفته و درباره آن آثار گوناگونی نوشته شده و نشست‌های علمی گوناگونی برگزار شده است. همچنین هر یک از کشورهای دیگر در این زمینه تجربه‌های موفق و ناموفق عملی داشته و دارند. از این رو شرط عقل آن است که ما نیز از نقاط قوت و ضعف تاملات نظری و تجربیات عملی دیگر کشورها و فرهنگ‌ها در باب سبک زندگی آگاهی یافته و با توجه به شرایط فرهنگی، تمدنی، عقیدتی و سیاسی و اجتماعی خود از آنها درس‌های لازم را فراگیریم.

تحولات دنیای امروز آنچنان سیر شتابنده ای دارد که اگر جامعه ای بخواهد در زمینه‌هایی که دیگران راه‌های پیموده دارند خود از صفر شروع نماید، مصداق بارز این خواهد بود که «یک زمان غافل شدم صد سال را هم دور شد».

توجیه پذیری

ارائه هر گونه الگویی برای سبک زندگی در صورتی می تواند قرین موفقیت باشد که در مرحله طراحی و تدوین از نظر علمی قابل توجیه باشد و در مرحله اجرا نیز برای مردم جامعه توجیه پذیر باشد. آدمی هنگامی انگیزه لازم را برای عمل به یک برنامه پیدا می کند که در مجموع انجام آن را برای خود

این امر به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیراتی جدی را بر روی سبک زندگی نهادهای مختلف جامعه، از جمله خانواده، از خود باقی خواهد گذاشت. بنابراین، موضوعاتی از این دست باید در هنگام تدوین الگوی سبک زندگی جامعه ایرانی مورد توجه جدی قرار گیرد.

تمرکز بیشتر بر تعمیق باورهای دینی

چنانچه در طراحی الگوی سبک زندگی، خواسته یا ناخواسته بیشترین تمرکز بر روی تغییر رفتارها و ظواهر زندگی انسان باشد و از زمینه‌سازی برای درونی شدن باورهای دینی غفلت شود، مشکلات عدیده ای پیش می‌آید که از آن جمله است نیاز به بهره‌گیری از اجبارها و فشارهای بیرونی برای تقید افراد جامعه به سبک زندگی پیشنهادی و از سوی دیگر مهیا شدن فضای ریا، دروغ و تملق و دورویی در جامعه که این امر خلاف اهداف بنیادین سبک زندگی اسلامی است.

باید توجه داشت که اگر انسان‌ها از داخل عوض شدند بیرون‌شان هم عوض می‌شود ولی تغییر بیرونی و ظاهری لزوماً به معنای تغییر باطنی و درونی نیست. نگاهی به دستورات دینی نشان می‌دهد که هر چند اسلام در شیوه زندگی و تربیتی انسان‌ها نکاتی را درباره ظواهر زندگی از قبیل نوع خوراک یا پوشاک بیان کرده ولی به نظر می‌رسد در مجموع بیش از هر چیز تغییر درونی انسان‌ها را مد نظر داشته است (تفکیک بین «اسلام» و «ایمان» یکی از مویذات این مطلب است. «قل لم نومنوا و لکن قولوا اسلمنا، و لما یدخل الایمان فی قلوبکم (سوره حجرات). روشن است که وقتی بینش و نگرش انسان عوض شد سبک و سلوک زیستن او هم تغییر می‌کند.

سودمند بدانند. مقدمه این امر هم آن است که به خوبی و با روش مناسب نسبت به آن برنامه توجیه و اقناع شود. از این رو کلان - برنامه ای چون الگوی سبک زندگی چنانچه از توجیه پذیری کافی برای نخبگان و گروه‌های مرجع جامعه از یک طرف، و برای خود آحاد جامعه از طرف دیگر، برخوردار نباشد نمی‌توان به کامیابی آن امید بست.

آینده نگری

یک برنامه اجتماعی و فرهنگی مثل الگوی سبک زندگی در معرض آفتی به نام «نزدیک بینی» و بی توجهی به آینده قرار دارد. به این معنا که تدوین کنندگان آن برنامه فقط، با بیشتر، وضعیت فعلی مخاطبان خود را در نظر بگیرند و از آینده غافل شوند. پیامد چنین آفتی آن است که با توجه به شتاب تحولات در سطح زندگی افراد جامعه، الگوی ارائه شده نهایتاً در یک مقطع زمانی مشخص می‌تواند کارایی داشته باشد و به مجرد این که تغییراتی در بینش، کنش و منش جامعه پدید آمد، الگوی ارائه شده کاربرد خود را از دست خواهد داد یا کم اثر خواهد شد و در واقع، میدان را به حریف واگذار خواهد کرد.

از این رو در تدوین نقشه راه سبک زندگی بایستی با رصد کردن دقیق و همه جانبه شرایط فعلی جامعه ایران و جامعه جهانی، با نگاهی آینده نگرانه و آینده پژوهانه، وضعیت‌های احتمالی آینده را پیش بینی کرد و آن را در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ کرد. به عنوان مثال، نگاهی به سیر تحولات مربوط به نقش آفرینی زنان در جامعه ما و دیگر جوامع نشان می‌دهد که به احتمال زیاد در آینده حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ما بیش از گذشته خواهد شد.



○ حجت‌الاسلام سیدمجتبی فلاح، کارشناس مهدویت

آرزوهای منتظرانه به روایت زیارت جامعه امام هادی (ع)

چند فراز به آن پرداخته شده؛ از جمله آنجا که می‌گوییم «و یَكْرِ فِي رَجَعَتِكُمْ؛ خدا ما را از کسانی قرار دهد که در رجعت شما به جهان بازگشتند»، به عبارت دیگر، ما از خدا می‌خواهیم ما در زمره بازگشت کنندگان در زمان رجعت اهل بیت (ع) باشیم.

در این فقره در واقع زائر آرزوی خود را اعلام می‌کند که در زمان رجعت اهل بیت (ع) او نیز به دنیا برگردد و البته لازمه چنین آرزویی قرار گرفتن در زمره خالص‌ترین شیعیان است. فراز دیگری از زیارت می‌فرماید «و يُشْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ» زائر از خدا می‌خواهد که در دوره عافیت اهل بیت علیهم السلام مفتخر شود. «شرف» در این عبارت به معنای برتری و قرار داشتن در جایگاه بالا است و «عافیت» یعنی سلامتی از جرح و ناپسندی؛ این درخواست زائر از خداوند است که در دوره رجعت او را از هر چیز ناپسندی دور و در زمان سلامتی ائمه (ع) او را در جایگاهی قرار دهد که از سرکشی طغیانگران سالم بماند، چرا که این سلامتی و عافیت فقط در دوران دولت مهدوی محقق می‌شود.

فراز دیگری که رجعت در زیارت جامعه کبیره مد نظر قرار گرفته، این است: «و يُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ؛ از خدا می‌خواهیم که ما را در زمره شما محشور فرماید»؛ این فراز از دعا برگرفته از آیات قرآنی است که مردم را در روز قیامت به دو قسمت تقسیم می‌کند: گروهی که به سوی جهنم می‌روند؛ سوره مبارکه زمر، آیه ۷۱ که می‌فرماید: «وَسَيَقِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا» و گروه دیگر دسته پرهیزگاران که به سوی بهشت می‌روند «وَسَيَقِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا» (سوره زمر، آیه ۷۳).

در تبیین این دو آیه درمی‌یابیم که این دو آیه درباره «بعث اکبر» یعنی رستاخیز اکبر است که در قیامت رخ می‌دهد. ولی در رستاخیز اصغر که هنگام رجعت است زائر از خدا می‌خواهد که در گروه امامان (ع) و اولیای او قرار گرفته و با آنها محشور شود نه با دشمنان آنان.

همچنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام می‌کند خداوند مومنان را برمی‌انگیزد و آنها لبیک گویند رو به سوی امام (عج) می‌آورند و گروه گروه به امام خود می‌پیوندند. در این زمان است که مخالفان

فرمان براند. همچنین، قرآن درباره ذی‌القرنین در آیه ۸۴ سوره مبارکه کهف می‌فرماید: «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَاتَّبِعْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا؛ همانا ما در زمین به او (ذوالقرنین) قدرت دادیم و از هر چیزی وسیله‌ای به او عطا کردیم.»

درباره وجود مبارک امام عصر (ع) نیز قرآن در سوره مبارکه حج آیه ۴۱ می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ آنان کسانی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» ذیل این آیه روایاتی از اهل بیت علیهم السلام وارد شده که مراد از این آیه حضرت مهدی علیه السلام و یاران ایشان هستند که خداوند به آنها مکت می‌دهد.

با در نظر گرفتن این آیات مشخص می‌شود که مراد از «تمکین» آن است که خدای متعال روی زمین به امام مهدی علیه السلام (به شکل خاص) و اهل بیت علیهم السلام (به طور عام) ویژگی‌ای می‌دهد و ایشان را در جایگاهی سترگ قرار می‌دهد که قدرت بر همه چیز داشته باشند و سلطنتی به ایشان ارزانی می‌کند که بالاتر از هر سلطنتی باشد و یا اینکه خدای متعال آن بزرگواران (ع) را در جایگاه‌هایی تثبیت می‌کند که هیچ کس در آن طمع نکند و پیش از آن هم کسی در آن جایگاه قرار نگرفته باشد.

بحث دیگر در این رابطه موضوع «رجعت» در زیارت شریفه جامعه کبیره است که در

در موارد متعددی از این زیارت شریف به ظهور حضرت حجت (ع) اشاره شده است؛ از جمله در فرازی که زائر خطاب به امامی که به زیارت ایشان مشرف شده می‌گوید: «وَيُطَهِّرُكُمْ لِعَدْلِهِ؛ خداوند شما را برای عدالتش آشکار نماید...» آنچه از این فراز فهمیده می‌شود این است که دولت عدل مهدوی برای برقراری و تحقق عدالت برپا می‌شود.

برخی بر این باورند که آن دولتی که در اینجا از آن سخن به میان آمده و عدل گسترده می‌کند و انتقام ستمدیدگان را از ستمکاران می‌گیرد، دولت حضرت مهدی (عج) است. این دولت تمام دستورات الهی را برپا کرده و منکرات را از بین می‌برد؛ خداوند متعال آشکارا در این دولت عبادت می‌شود و هیچ یک از نمادهای شرک در این دولت خودنمایی نخواهد کرد. باز در ادامه همین عبارت شریف این نکته گوشزد می‌شود که «وَيُمَكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ؛ خداوند شما را در «تمکن در زمین»، قدرت یافتن در آن است. به عبارت دیگر، انسان روی زمین قدرتی پیدا می‌کند که بتواند مقتدرانه در آن زندگی کند. همچنان که قرآن کریم درباره حضرت یوسف (ع) می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ...؛ و ما این چنین یوسف را به تمکین و اقتدار رسانیدیم» (سوره یوسف، آیه ۲۱) و یا در آیه ۵۶ از همین سوره مبارکه می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ...؛ و این چنین ما یوسف را در زمین (مصر) بدین منزلت رسانیدیم که هر جا خواهد جای گزیند و

وصف حضرت مهدی (عج) در کلام امیر (ع)

حضرت امیر (ع) مجدداً به توصیف حضرت مهدی (عج) پرداختند و فرمودند: «پناه دهندگی او از همه فراگیرتر، علم او از همه فزون تر و صله رحم او از همه بهتر و بیشتر است. خدایا، ظهور او را بیرون شدن از اندوه قرار ده و به سبب او پراکندگی امت اسلام را گرد آور، پس اگر توفیق درک حضور او را یافتی و خدای سبحان خیر تورا فراهم آورد مصمم و استوار باش و از او رو برمتابان و اگر به حضور او راه یافتی از او مگذر.»
در اینجا حضرت (ع) با دست اشاره به سینه خود نموده و فرمودند: «آه چه شوقی به دیدار او دارم.»^(۱)

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵

* برگرفته از «زبور نورا» (هزار و یک نکته از زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه)

مردی خدمت امیرالمومنین علی (ع) آمد و عرض کرد: ای امیرالمومنین علی (ع) به ما از مهدی آل محمد (ص) خبر ده؟
حضرت (ع) فرمودند: «آنگاه که روندگان بروند، زمان ها بگذرد و مومنان کمیاب شوند و فراهم آمدگان نابود شوند در آن زمان خواهد آمد.»
عرض کرد: ای امیرالمومنین او از کدام قبیله است؟
امام (ع) فرمودند: «از بنی هاشم است... او هیچ هراسی ندارد...
او کارآمد و چیره دست و پیروز است، شیر دروگر دشمنان و زخم افکن و نام آور است.
او شیرینی از شمشیرهای خداست، سرور بخشنده است.
اندیشه او در عالی ترین جایگاه سیادت بنده آمده است و مجدد ریشه دار او را در گرانبهارترین اصالت ها جای یافته است...»

به تردید می افتند و توهین کنندگان نسبت به اهل بیت (ع) رسالت، نابود می شوند و چه بسا افرادی که هلاک شده و مقربان نجات می یابند.» این روایت در کتاب کافی از مرحوم کلینی، جلد ۳، صفحه ۱۳۱ آمده است.

در فراز دیگری از زیارت جامعه کبیره امام هادی (ع) «وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ» از خدا می خواهیم در زمره کسانی باشیم که در دوره اهل بیت علیهم السلام فرمانروایی می کنند. با توجه به اینکه فعل «یملک» مبنی بر مجهول است این معنا را به ذهن می رسانند که شخص زائر از خداوند می خواهد او را در گروه کسانی قرار دهد که از سوی ائمه (ع) به پادشاهی برسند، این درخواست با عبارت دیگری نیز در زیارت شریف جامعه ذکر شده «وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ» که می تواند اشاره به همین مطلب باشد.

آمدن تورا از زوم می کنیم...

توصیه های غذایی و پیشگیرانه در فصل بهار

فصل بهار بهترین و معتدل ترین فصل در میان فصول چهارگانه است. مزاج بهار گرم و تر است و برای دمووی مزاجان که دارای طبع گرم و تر هستند، مفید نیست. در فصل زمستان به علت سرما، مواد زاید در بدن منجمد شده و باقی می ماند و در فصل بهار که هوا کم کم گرم می شود، این مواد زائد به تدریج ذوب شده و به حرکت در می آیند. به همین دلیل بیماری های قدیمی قد علم می کنند و اگر عضوی از بدن ضعیف باشد، مواد زائد به آن حمله کرده و در آن تجمع پیدا می کنند. گاهی نیز مواد اضافی به سمت پوست هجوم می آورند تا بلکه از آنجا راهی برای خروج بیابند. به همین دلیل بروز دمل ها و جوش های پوستی در این فصل شدت می یابد.

نکاتی درباره پرهیزهای غذایی در فصل بهار

در فصل بهار و تابستان گوشت پرندها مانند بک و بلدرچین مصرف شود و خوردن گوشت گوسفند کاهش یابد، همچنین باید دانست که مصرف گوشت گاو و گوساله مساوی با بیماری است. مصرف زیاد گوشت باعث افزایش گرمی و رطوبت در بدن می شود و چون مزاج فصل بهار هم گرم و تر است، مصرف بیش از حد گوشت باعث ایجاد بیماری در بدن می شود. همچنین بهتر است در فصل بهار از خوردن غذاهای شور و غلیظ مانند کله پاچه، گوشت گاو، خامه و ماست ترش پرهیز کرد. غذاهای کنسروی، مانده و پر خوری نیز در این فصل بسیار مضر است.

توصیه های غذایی در بهار

علمای طب سنتی عقیده دارند که در فصل بهار باید به تلطیف غذا پرداخت. غذاهایی

که خون رقیق در بدن تولید می کنند، اغلب طبیعت گرم دارند و مصرف غذاهای با طبیعت گرم در این فصل مناسب نیست بلکه باید غذاهای غلیظ و با طبیعت سرد مصرف شود، تا هیجان و رقت اخلاط و مواد را تعدیل کند. همچنین گرسنگی باعث تحریک بیشتر اخلاط می شود. پس کم کردن مقدار غذا نیز در بهار صحیح نیست. اما منظور از تلطیف غذا این است که غذایی خورده شود که هر چند از لحاظ مقدار زیاد است اما ارزش غذایی کمی دارد؛ مثل میوه ها و سبزیجات.

بنابراین باید به طبیعت فرصت داد که مواد اضافه را آماده کرده و از بدن دفع کند. مصرف خوراکی های لطیف مثل گوشت پرندها و تخم مرغ آب پز عسلی و نوشیدن شربت های خنک مثل شربت غوره، انار و سکنجبین در این فصل توصیه می شود.

تدابیر فصل بهار

فصل بهار خارش، آلرژی و جوش بیشتر است. خون دماغ و خونریزی از لثه بیشتر دیده می شود. خواب آلودگی ها و بی حالی نشانه افزایش غلظت خون است. در بهار بیشتر دیده می شود.

تمام مواد غذایی که باعث افزایش رطوبت و گرمی در بدن می کند. در فصل بهار باید پرهیز شود و به قول طب نوین مواد غذایی با کالری بالا و به قول طب سنتی غذاهایی که ارزش غذایی بالایی دارند باید پرهیز شود. گرم شدن هوا قدرت هاضمه را ضعیف می کند و یعنی معده افراد نمی تواند آبگوشت یا چلوخورد را هضم کند. هضم بد غذا اخلاط نامناسب را در بدن می سازد. مصرف گوشت، شیرینی و آجیل را در فصل بهار باید کاهش پیدا کند. مصرف غذا باید کم شود و غذای ساده با هضم راحت مصرف شود.

غذاهای سردی بخش بخورید

از غذاهای سردی بخش همچون انواع ماهی، لبنیات، خوراکی ها

و خورش های سبزی دار، انواع سالاد و بخصوص آتش استفاده کنید. آتش جو، آتش آبغوره، آتش دوغ، آتش ماست، آتش الو، آتش گوجه سبز و آتش تمبهندی از جمله غذاهای سبک، خنک و ملینی است که جلا دهنده کبد بوده و سموم را از طریق افزایش مدفوع و ادرار دفع کرده و چربی، فند و فشار خون بالا را کاهش می دهد و از همه مهم تر اثرات رنج آور گرمی خوراکی ها را خنثی می کند.

از عرقیات و سبزیجات بهاری استفاده کنید

میوه ها را در حجم کم و به دفعات در روز مصرف کنید تا بدن فرصت کافی برای جذب ریزمغذی ها و دفع سموم داشته باشد. میوه هایی چون خیار، گوجه سبز و آلو طبع سردی داشته و دفع کننده سموم کبد است.

سبزیجات برگ سبز، جوانه ها و همچنین نخود، لوبیا، بادمجان، کلم، کرفس، کاهو و سبزی های کوهی به دلیل فیبر بالا بیوست ناشی از مصرف تنقلات نوروژی را دفع، آب بدن را تامین و اشتها را کنترل می کند. در ضمن عرقیاتی چون کاسنی و شاتره شست و شودهنده کبد و تصفیه کننده خون است.

ورزش، خلق شما را باز می کند

به دلیل آن که در ایام نوروز بیشتر افراد استراحت می کنند و اغلب باشگاه های ورزشی تعطیل است، کاهش فعالیت های بدنی موجب رخوت و سستی ما می شود. بنابراین توصیه می شود با خانواده همراه



شوید و به مناطق کوهستانی و تفریحی رفته و علاوه بر لذت بردن از زیبایی های طبیعت، یک تا دو ساعت پیاده روی کنید تا خون در بدنتان به جریان درآید و با اکسیژن گیری بیشتر، حس شادابی و سرزندگی در شما ایجاد شود.

کم خوری کنید

کم خوری در فصل بهار، توصیه خوبی است. به طور کلی، با گرم تر شدن هوا و عبور از زمستان، اخلاط بدن کم کم حالتی سفت و منجمد پیدا می کنند. مزاج، حرارت و میزان رطوبت بدن در بهار به گونه ای تغییر می کند که شناسن ابتلا به جوش، دمل و حساسیت را افزایش می دهد بنابراین، بهتر است در فصل بهار و با کاهش قدرت هضم و جذب در سیستم گوارش، ورودی بدن کم شود.

کم خوری در بهار باعث می شود بدن ما بتواند خودش را راحت تر با شرایط تطبیق بدهد و دچار مشکلات کمتری شود. از طرف دیگر، ورودی خوراکی هایی با مزاج گرم به بدن در

فصل بهار باید به حداقل ممکن برسد. بهتر است در فصل بهار از مصرف ادویه های فراوان همراه غذا که معمولاً دارای مزاج گرمی هستند، پرهیز کنید.

سیستم ایمنی بدن را بالا ببرید

یک روش کاهش واکنش سیستم ایمنی بدن به مواد حساسیت زاست که در این راستا بررسی شدت بیماری و دارو درمانی به عهده پزشک می باشد. روش دوم که بهترین راه برای مهار آلرژی است پرهیز از آلرژن ها یا همان عوامل حساسیت زاست. گرچه پرهیز از تماس با مواد حساسیت زا دشوار است اما با روش هایی که در ادامه بیان می شوند می توان تا حدودی واکنش های آلرژیک را کنترل کرد.

• در کسانی که به گرده گیاهان آلرژی دارند، بستن پنجره ها و اجتناب از فضای باز به ویژه در هنگام صبح و شب که گرده گیاهان در هوا پراکنده می باشند، کمک کننده است. اگر برای رفتن به مدرسه، دانشگاه و محل کار و انجام کارهای روزانه به ناچار باید از محیط

بسته خارج شوید برای کاهش تماس با آلرژن ها حتماً از ماسک و عینک آفتابی استفاده کنید. در هنگام رانندگی نیز پنجره های اتومبیل خود را بسته نگه دارید. تا جایی که می توانید فعالیت های خود را به اواسط روز موکول کنید تا کمتر در معرض آلرژن ها باشید.

• خانه را مرتب گردگیری کنید و از جارو کشیدن فرش و مبلمان برای گرفتن گرد و خاک روی آنها غافل نشوید.

• هر از چند گاه تمام ملحفه های تخت خود را بشویید و مقابل آفتاب خشک کنید.

• با کفش وارد خانه نشوید و یک جاکفشی بسته را به نگهداری از کفش ها اختصاص دهید.

• پس از پایان کار روزانه، بدن (خصوصاً موها) و لباس هایتان را بشویید تا امکان حضور گرده های حساسیت زا در محل خواب و زندگی تان به حداقل برسد.

• سعی کنید تا رطوبت محیط پیرامون خود را افزایش دهید. میزان رطوبت هوای خانه و محیط کار خود را می توانید با استفاده از یک دستگاه بخور افزایش دهید. به ویژه استفاده از دستگاه بخور در هنگام

شب می تواند خواب راحت تری را برای شما به همراه داشته باشد چرا که راحت تر تنفس می کنید.

• دوش گرفتن روزانه با آب گرم و هر بار به مدت ۱۰ دقیقه و یا استفاده از سونای بخار به شما در کاهش عوارض آلرژی کمک می کند، بخار آب گرم برای باز شدن مجرای بینی مفید است.

• در منزل، ماشین و محل کارتان از دستگاه های تهویه هوا استفاده کنید و هوای تازه را تمیز نگه دارید.

• در فصل بهار مصرف غذاهای تند و ادویه دار را به حداقل برسانید.

• اگر سیگار می کشید یادتان باشد که این عادت نامناسب علائم آلرژی فصلی را در شما دو چندان می کند، بنابراین از سیگار و محیط های آلوده به دود سیگار دوری کنید.



معجزه‌های سلامت بخش تخم بلدرچین

بیش از ۶۰ درصد از چربی موجود در تخم بلدرچین را همین کلسترول HDL تشکیل می‌دهد. با این حال، افرادی که به بیماری کلسترول خون مبتلا هستند، نباید مقدار زیادی از تخم بلدرچین را به رژیم غذایی شان اضافه کنند، چون هر وعده مصرفی از تخم بلدرچین حاوی ۱/۶ گرم چربی اشباع است.

تحریک رشد

تخم بلدرچین مانند تخم مرغ، پروتئین سالم و مطلوبی را به بدن می‌رساند که وجودش برای فرآیندهای مختلف در بدن ضروری است. پروتئین‌ها در بدن به ترکیبات ریزتری تجزیه می‌شوند و دوباره برای شکل‌گیری سلول‌های جدید، بافت‌ها، عضله‌ها، استخوان‌ها و رگ‌های خونی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پروتئین موجود در تخم بلدرچین می‌تواند منبع مناسبی برای رشد طبیعی و مطلوب در بدن باشد.

کاهش فشار خون

وجود پتاسیم در تخم بلدرچین، قابلیت این خوراکی را برای کاهش فشار خون نشان می‌دهد. پتاسیم که یکی از مواد معدنی مهم است، به عنوان وازودیلاتور عمل می‌کند و در نتیجه فشار بیش از حد بر روی شریان‌های اصلی خون و دیگر رگ‌های خونی را کاهش می‌دهد. نکته مهم دیگر این است که پتاسیم

تخم بلدرچین آشنایی ندارید، ادامه این مطلب را از دست ندهید.

تقویت بینایی

مقدار قابل توجهی از ویتامین A در تخم بلدرچین وجود دارد و این یعنی مصرف تخم بلدرچین به طور منظم برای محافظت از بینایی مفید است. فعالیت آنتی‌اکسیدانی ویتامین A می‌تواند به کاهش خطر ابتلا به دژنراسیون ماکولا کمک کند و مانع از ابتلا به آب مروارید شود. در نتیجه شما می‌توانید با مصرف تخم بلدرچین، بینایی خودتان را تقویت کنید.

متعادل سازی سطح کلسترول

تخم بلدرچین حاوی مقدار مناسبی از اسیدهای چرب است و در نتیجه می‌تواند اثرات مثبتی برای تقویت قلب داشته باشد. کلسترول خوب خون یا HDL، نوع مفید کلسترول است که وجودش در بدن برای مقابله با اثرات منفی ناشی از کلسترول بد خون یا LDL ضرورت دارد. خوش بختانه،

تخم بلدرچین یکی از سالم‌ترین تخم‌ها به شمار می‌رود که بسیاری از افراد از مزایای آن اطلاعی ندارند. پژوهشگران دریافته‌اند ارزش غذایی این تخم‌های کوچک بسیار زیاد است تا جایی که بسیاری از آن‌ها توصیه می‌کنند از این تخم‌ها که از نظر اقتصادی نیز به صرفه هستند به طور مرتب استفاده شود. در این مطلب با فایده‌های شگفت‌انگیز و خواص تخم بلدرچین آشنا می‌شویم.

تخم بلدرچین و هزار و یک خاصیت

وجود پتاسیم در تخم بلدرچین، قابلیت این خوراکی را برای کاهش فشار خون نشان می‌دهد. پتاسیم که یکی از مواد معدنی مهم است، به عنوان وازودیلاتور عمل می‌کند و در نتیجه فشار بیش از حد بر روی شریان‌های اصلی خون و دیگر رگ‌های خونی را کاهش می‌دهد.

تخم بلدرچین، مجموعه غنی‌ای از ماده‌های مغذی مهم را به بدن می‌رساند و بنابراین، گزینه مناسب و ایمنی برای اضافه شدن به رژیم غذایی محسوب می‌شود. اگر با فواید



موجود در تخم بلدرچین نسبت از تخم مرغ هم بیشتر است.

پاک سازی بدن

پاک سازی و سم زدایی از بدن، یکی از مهم ترین فرآیندهای بدن است که خصوصاً در جهان امروزی از اهمیت بالایی برخوردار است، چون بیشتر ما هر روز با سموم، آلاینده ها و فلزات سنگین در تماس هستیم. مطالعات علمی نشان داده اند که اضافه کردن تخم بلدرچین به رژیم غذایی می تواند به دفع سموم مختلف از جریان خون کمک کند و همچنین به کاهش اندازه مثانه و سنگ های کلیه کمک برساند.

پیشگیری از ابتلا به بیماری های مزمن

آنتی اکسیدان ها از مهم ترین ترکیبات برای سلامت انسان ها هستند، چون بدن ما دائماً در حال مقابله با رادیکال های آزادی است که می توانند باعث ابتلا به بیماری های مزمن و سرطان شوند. با این ها، تخم بلدرچین حاوی مقدار قابل توجهی از ویتامین C و A است که هر دو می توانند به خنثی سازی رادیکال های آزاد و محافظت از سلامت عمومی بدن کمک کنند.

درمان آلرژی

تخم بلدرچین سرشار از پروتئین اووموکوئید (ovomucoid) است که در بدن انسان به عنوان آنتی آلرژی طبیعی عمل می کند. بنابراین، اگر شما به مشکلاتی مانند گرفتگی بینی، التهاب و دیگر علائم واکنش های آلرژیک مبتلا هستید، مصرف تخم بلدرچین می تواند وضعیت شما را به حالت طبیعی بازگرداند.

تقویت متابولیسم

ویتامین B موجود در تخم بلدرچین، فعالیت های متابولیک بدن از جمله فعالیت های آنزیمی و هورمونی را تقویت می کند. پس اثرگذاری مثبت تخم بلدرچین بر عملکرد ارگان های داخلی بدن و فرآیندهای درونی بدن، اهمیت این خوراکی را برای شما بیشتر می کند.

بالا بردن سطح انرژی

مواد معدنی و ریزمغذی های موجود در تخم بلدرچین، در کنار پروتئین موجود در این خوراکی که به ۶ گرم در هر وعده مصرفی می رسد، تخم بلدرچین را به یکی از بهترین انتخاب ها برای تقویت انرژی و خلق و خوی در

اولین ساعات صبح تبدیل می کند.

فواید تخم بلدرچین برای پوست و مو

تخم بلدرچین باعث بهبود رنگ پوست و تقویت مو می شود. به همین دلیل از زرده تخم مرغ بلدرچین برای ماسک صورت و مراقبت از مو استفاده می کنند. این تخم مرغ دارای ریبوفلاوین و ویتامین B2 است و پوست را درخشان و سالم نگه میدارد. ماسک سفیده تخم بلدرچین همراه عسل (برای پوستهای چرب و زرده با عسل برای پوستهای خشک) باعث طراوت و شادابی و رفع چین و چروک و لکه های پوست می شود.

فواید گوشت بلدرچین

پروتئین یک ماده مهم است که باید در غذای روزانه ما وجود داشته باشد. این ماده برای رشد و سلامت بدن بسیار ضروری است. پروتئین، هم در غذاهای گیاهی و هم در غذاهای حیوانی وجود دارد؛ اما دانشمندان علم تغذیه عقیده دارند که پروتئین حیوانی بهتر از پروتئین گیاهی است.

گوشت طیور به عنوان یک منبع پروتئین حیوانی اهمیت زیادی دارد؛ به همین دلیل در کشورهای مختلف، سرمایه گذاری زیادی روی صنعت پرورش طیور از جمله بلدرچین شده است. میزان پروتئین موجود در گوشت این پرنده (بلدرچین) از پروتئین گوشت سایر پرندگان و نشخوارکنندگان معمولی ۱۰-۵ درصد بیش تر است.

وجود عناصر معدنی کمیاب و ویتامین های مختلف در گوشت این پرنده، باعث شده است که گوشت آن برای درمان بعضی از بیماری ها، مانند آسم، تشنج، فشارخون، ضعف اعصاب و ناراحتی های روانی و بی خوابی مفید باشد. گوشت بلدرچین منبع خوب نیاسین، فسفر، مس، تیامین، ریبوفلاوین، ویتامین B6، روی، آهن و سلنیوم است.

نکاتی در مورد خرید بلدرچین و نحوه نگهداری آن

گوشت خام بلدرچین در یخچال به مدت ۲ روز، و گوشت پخته آن حداکثر ۳ روز قابل نگهداری است. برای خرید گوشت بلدرچین اول از تاریخ انقضای آن اطمینان حاصل کنید. گوشت تازه بلدرچین باید بدون بو، کاملاً تمیز و عاری از هر گونه بقایای پر باشد.

بهتر است در اولین فرصت ممکن پس از خرید، آماده مصرف شود. گوشت خام بلدرچین در یخچال به مدت ۲ روز، و گوشت پخته آن حداکثر ۳ روز قابل نگهداری است. بدین

منظور آن را در بسته ای پلاستیکی یا فویل پیچیده و در سردترین قسمت یخچال نگه داری کنید.

اگر قصد پختن بلدرچین را تا ۲ روز پس از خرید ندارید، آن را منجمد کنید. به این منظور بهتر است آن را با همان بسته بندی هنگام خرید در فویل پیچیده یا این که در کیسه فریزر گذاشته و هوای داخل آن را کاملاً خارج کنید. گوشت منجمد بلدرچین، در فریزر به مدت ۳ ماه قابل نگه داری است.

روش رفع انجماد گوشت منجمد بلدرچین

هیچگاه بلدرچین منجمد را در درجه حرارت اتاق جهت رفع انجماد نگذارید. بهتر است آن را در یخچال گذاشته تا در طول شب رفع انجماد شود؛ هم چنین می توانید با غوطه ور کردن آن در آب سرد، رفع انجماد کنید. بدین منظور پرنده را با همان بسته بندی منجمد شده یا با قرار دادن در بسته ای مقاوم نسبت به آب، داخل آب سرد قرار دهید و هر ۳۰ دقیقه یکبار آب را عوض کنید. بلدرچین ظرف مدت یک ساعت یا کمتر رفع انجماد می شود.

خواص درمانی گوشت بلدرچین

- برای دوران بارداری، سنبلین رشد، مناسب برای شیر خواران و کودکان است زیرا دارای بافتی نرم و هضم راحت است.
- مستحکم شدن استخوان ها و عضلات
- افزایش مقاومت بدن و تنظیم سیکل خواب از جمله مهمترین فواید گوشت بلدرچین می باشند.
- سنگ کلیه و مثانه را نابود می سازد.
- دفع مواد رادیو اکتیو و سرطان زا و فلزات سنگین حاصل از آلودگی هوا
- سرشار از امگا ۳
- گوشت بلدرچین برای فعالیت های فکری و ورزشکاران مفید است.
- سرشار از املاح معدنی به خصوص کلسیم، آهن و فسفر
- موثر و مفید برای بیماران کم خونی
- موثر و مفید برای افزایش ضریب هوشی و رشد کودکان
- غنی از ویتامین های A، B، C، آهن و اسیدهای آمینه ضروری و میکروالمان ها
- تنظیم کننده عملکرد قلب و عروق، دستگاه عصبی و دستگاه گوارش، جلوگیری از تنگی نفس یا آسم و مفید و موثر برای معلولین
- فاقد کلسترل مضر، تقویت کننده و مقوی برای قوای جنسی و جسمی، افزایش و بالا بردن تمایلات جنسی از جمله خواص گوشت بلدرچین محسوب می گردند.

عمارت کلاه فرنگی - موزه پارس

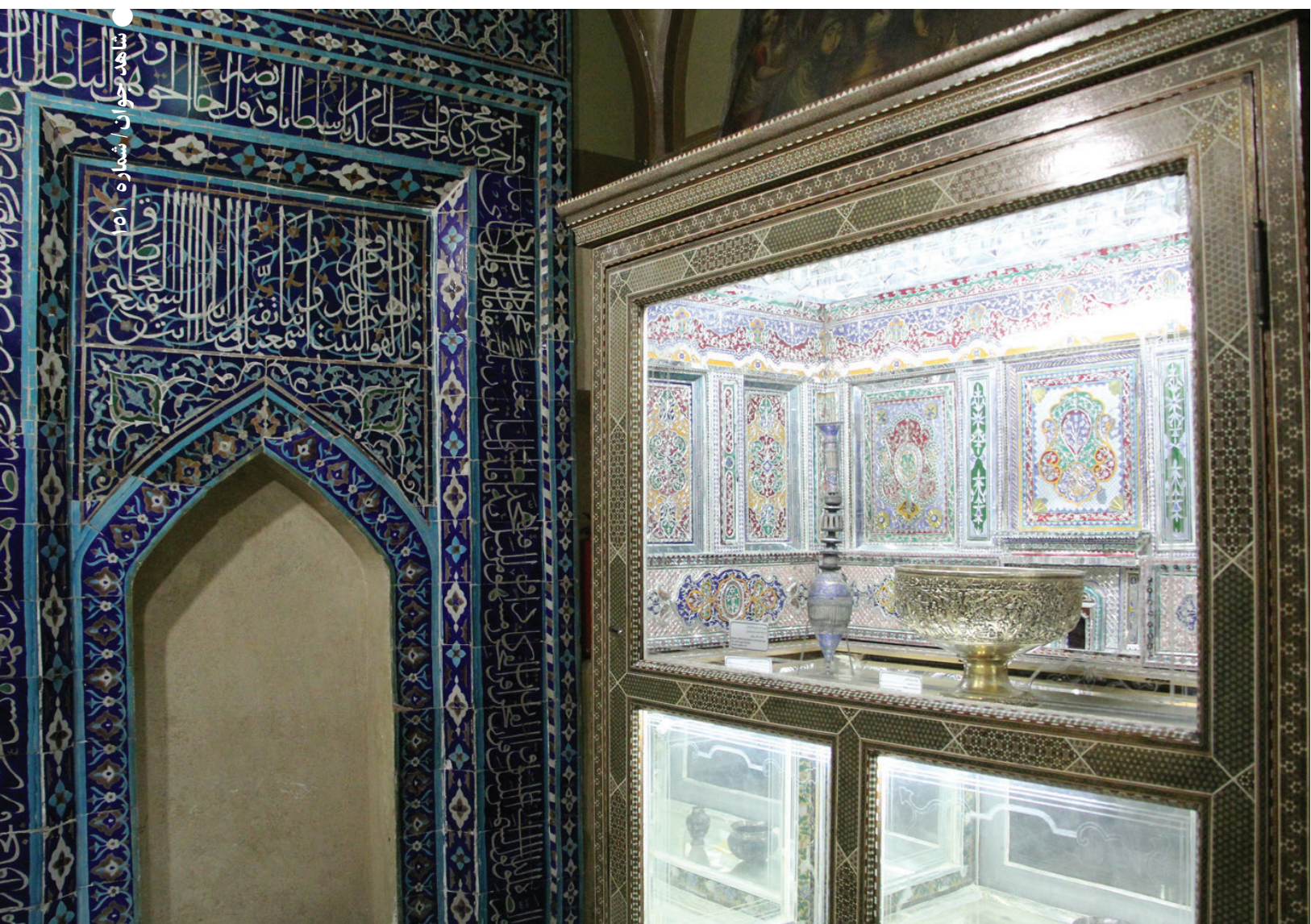
باغ نظر، باغ موزه، باغ شاهزاده، عمارت کلاه فرنگی، آرامگاه وکیل، عمارت چهارفصل یا باغ حکومتی نام یکی از ابنیه‌های تاریخی دوره زندیه در شیراز است. کریم خان زند در میان باغ نظر، عمارت هشت ضلعی (هشت و نیم هشت) زیبایی ساخت که به روزگار او این عمارت باشکوه محل پذیرایی از میهمانان، سفیران خارجی و انجام مراسم رسمی و اعیاد گوناگون بوده است. نام دیگر آن را باغ حکومتی گفته‌اند. نمای بیرونی عمارت کلاه فرنگی به صورت هشت ضلعی است با تزئینات کاشی نگاره‌های گل و مرغ و در بالای عمارت اسیرها و لچکیهای کاشیکاری شده بنا را مزین کرده‌اند. چهار آب نما در چهار سوی ساختمان وجود داشته که آب نمای شمالی آن در مسیر خیابان زند قرار گرفته و تخریب شده است. فضاهای درونی بنا شامل یک بخش مرکزی و چهار شاه نشین جانبی است. یک آب نمای یک پارچه از سنگ مرمر در کف فضا طراوت فضای داخلی را موجب گردیده است.

پس از مرگ کریم خان وی را در اینجا به خاک سپردند و آغا محمد خان قاجار در سال ۱۲۰۶ شمسی به دلیل کینه توزی دستور نبش قبر وی را داد و استخوان‌های وی را به کاخ گلستان منتقل کردند. و مجدداً در زمان رضا شاه استخوان‌ها نبش قبر گردید و به این مکان عودت داده شد. این عمارت در سال ۱۳۱۵ هجری شمسی به همت انجمن آثار ملی ایران و با کوشش و تلاش شادروانان علی اصغر حکمت شیرازی، علی سامی و فریدون تولی با تغییر کاربری به عنوان اولین موزه شهرستان‌های کشور با نام موزه پارس مشغول به فعالیت شد.

آثار موجود در موزه پارس به سه دوره پیش از تاریخ، دوره تاریخی و دوره اسلامی تقسیم می‌شود. موزه پارس به عنوان قدیمی ترین موزه استان فارس آثار ارزشمندی از اشیای فلزی، سفالی، انواع سکه‌ها و مهرها و... از هزاره چهارم پیش از میلاد تا دوره معاصر را در خود جای داده است. مجموعه ۳۰ جلد قرآن به خط یحیی الجمالی الصوفی که در قرن ۸ هجری قمری در زمان شاه ابواسحاق اینجو و به دستور خاتون نوشته شده است همراه با مجموعه‌ای از نقاشی‌های آب رنگ لطفعلی صورتگر شیرازی در این موزه قرار دارد.

تابلوی معروف (کریم خان در حال کشیدن قلیان) هم در این موزه قرار دارد. در این تابلو درباریان زند مثل شیخ علی خان، صادق خان، زکی خان و لطفعلی خان زند نیز به تصویر کشیده شده‌اند. این تابلو اثر جعفر نقاش دوره زنده است. همچنین آثار نقاشان معروف دوره زندیه مثل آقا صادق، میرزا بابا نقاشباشی و جعفر به همراه آثاری از نقاشان معاصر مثل صدرالدین شایسته و میر مصور (شاگردان کمال الملک) به چشم می‌خورد.

شمشیر کریم خان زند نیز در این موزه نگهداری می‌شود. در ضلع غربی محوطه باغ، سنگ مدور و استوانه ای شکل، معروف به لوح تاریخ، نگهداری می‌شود. روی این سنگ سه کتیبه با خطوط ثلث نسخ پهلوی و خط نستعلیق مربوط به سه دوره تاریخی سلجوقی، صفوی و قاجاریه حک شده است. در بالای دروازه قرآن دو نسخه قرآن دستنویس به خط ثلث عالی منسوب به ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ تیموری معروف به قرآن هفده من قرار داشت که در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی دو قرآن خطی موجود در آن به موزه پارس انتقال یافت که همچنان در این موزه نگهداری می‌شوند.



○ حسین شایسته طلب

پیش‌بینی‌ها برای فیلم‌های کن ۲۰۱۸



آخرین روزها به فهرست فیلم‌های بخش رقابتی جشنواره کن اضافه شد و در نهایت دو جایزه بهترین فیلمنامه و بازیگر مرد (شهاب حسینی) را به خود اختصاص داد و در ادامه نیز برنده اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی جوایز اسکار شد.

«پسر زیبا» به کارگردانی «فلیکس فن‌گرونینگن» فیلمساز بلژیکی، «زن سوزان» ساخته «جیک اسکات»، «نانسی» ساخته «کریستینا چوئی»، «مورد علاقه» به کارگردانی «یورگن لانتیموس»، «پاترلو» از «مایک لی»، «مردی که دون کیشوت را کشت» به کارگردانی «تری گیلیام»، «غیرمنتظره» ساخته «کارول مورلی»، «گاو سفید» از «رالف فینس»، مستند «مارادونا» به کارگردانی «آسیف کاپادیا»، «یک ملت، یک شاه» ساخته «پیر شولر» کارگردان فرانسوی، «در جنگ» از «استفن بریز»، «برادران سیسترز» جدیدترین ساخته «ژاک اودیارد» کارگردان برنده نخل طلا، «غیرداستانی» ساخته «اولویه آسیاس»، «دختران آفتاب» به کارگردانی «اوا هاسون»، «امین» ساخته دیگر فیلمساز فرانسوی «فیلیپ فاکون»، «مایا» از «میا هنسن-لاو»، «جاده‌ها» به کارگردانی «سباستین شیپر»، «اینگمار برگمن، میراث یک نابغه تعیین‌کننده» از «مارگارت فن تروتا»، «تابستان» ساخته «کریل سربرنیکوف»، «آکوارلا» به کارگردانی «ویکتور کاساکوفسکی»، «دنباس» از «سرگی لازنیتسا»، «آنها» جدیدترین ساخته «پائولو سورنتینو» درباره زندگی «سیلویو برلوسکونی»، «Lazzaro Felice» ساخته «آلیس روراچر»، «درام انتقامی «داگمن» از «متنو گارونه»، «جنگ سرد» به کارگردانی «پاول پالیکوفسکی»، «غروب آفتاب» به کارگردانی «لازلو نمس» از مجارستان، «خانه‌ای که جک ساخت» جدیدترین ساخته «لارس فن‌تریه» کارگردان جنجالی اهل دانمارک، «روما» از «الفونسو کوران» کارگردان مطرح مکزیکی، «خاکستر خالص‌ترین سفید است» ساخته «ژیا ژانگ» که کارگردان سرشنای سینمای چین، «سایه» از «ژانگ ییمو»، «دید» ساخته «ناثومی کاواسه»، «مغازه‌داران» به کارگردانی «هیروکازو کوریدا»، «ولدنی» ساخته «محمد بن عطیبا» از تونس و «درخت گلابی وحشی» جدیدترین ساخته «نوری بیلگه جیلان» کارگردان مطرح ترکیه‌ای از مهم‌ترین فیلم‌هایی هستند که

مشغول آماده‌سازی فیلم «Radegund» است و همه در انتظار آماده‌سازی به موقع این فیلم برای رونمایی در کن پیش‌رو هستند. داستان این فیلم تاریخی درباره فردی مخالف جنگ و خدمت نظامی با بازی «آگست دیل» در جریان جنگ جهانی دوم است.

علاقه‌مندان سینما امیدوارند «ژان لوک گدار» که ۵۰ سال پیش در کنار «کلود لوش» پایه‌گذار اصلی تعطیلی جشنواره کن بود با فیلم جدیدش «کتاب تصویر» دوباره به کن بیاید.

«زاویه دولان» فیلمساز فرانسوی که دو فیلم قبلی‌اش «مامی» و «این تنها پایان جهان» است در بخش رقابتی کن حضور داشت امسال فیلم «مرگ و زندگی جان اف. داناون» را آماده نمایش دارد اما ظاهراً این فیلم قرار است در یکی از جشنواره‌های سینمایی پائیز اولین نمایش خود را تجربه کند.

فیلم اسپانیایی زبان «همه می‌دانند» جدیدترین ساخته اصر فرهادی نیز یکی از گزینه‌های اصلی حضور در جشنواره کن است و تاریخ اکران این فیلم نیز در فرانسه ۹ می ۲۰۱۸ (۱۹ اردیبهشت) اعلام شده که همزمان با آغاز جشنواره کن ۲۰۱۸ است. فیلم «فروشنده» ساخته قبلی فرهادی در

هفتادویکمین دوره جشنواره فیلم کن - ۸ تا ۱۸ می (۱۸ تا ۲۸ اردیبهشت) - درست در برهه‌ی زمانی برگزار می‌شود که سینمای جهان دوران پرتلاطم و سیاسی را تحت تاثیر جنبش‌های #MeToo و Time's Up علیه سوءاستفاده و تبعیض جنسی تجربه می‌کند و موفقیت فیلم «پلنگ سیاه» (اولین فیلم ابرقهرمانی و پرهزینه با بازیگران تماماً سیاه پوست) در گیشه سینمای آمریکا و جهان نیز بحث‌های پیرامون تنوع نژادی در سینما را بیش از پیش مطرح کرده است.

باید منتظر ماند و دید آیا جشنواره کن واکنشی به این روند تغییرات در سینمای جهان در زمینه برابری جنسیتی در بخش اصلی و نوعی نگاه خواهد داشت و در تاریخ مرد-محور خود در ۷۰ ساله گذشته تغییری ایجاد می‌کند یا خیر. برای ایجاد تحول در جشنواره کن امسال زمان مناسبی است چرا که مقارن با پنجاهمین سالگرد ناآرامی‌های مدنی در فرانسه است که جشنواره کن را در سال ۱۹۶۸ تعطیل کرد.

نشریه سینمایی اسکرین در گزارشی به مهم‌ترین فیلم‌هایی پرداخته که امسال شانس زیادی برای رونمایی در جشنواره کن دارند:

«ترنس مالیک» هفت سال پس از کسب نخل طلای کن با فیلم «درخت زندگی»،



شانس رونمایی در جشنواره کن ۲۰۱۸ را دارا هستند. هفتادویکمین جشنواره فیلم کن از تاریخ ۸ تا ۱۸ می (۱۸ تا ۲۸ اردیبهشت) در جنوب فرانسه برگزار می‌شود.

جشنواره کن را بهتر بشناسیم

جشنواره کن، جشنواره‌ای سالانه است که در کن فرانسه برگزار می‌شود. جشنواره کن یکی از بزرگترین و باشکوه‌ترین رویدادهای سینمایی جهان و محلی برای پیش‌نمایش فیلم‌های جدید از تمامی ژانرها از جمله مستند به‌شمار می‌آید.

جشنواره کن از اولین سال‌های تأسیس اش در سال ۱۹۴۶ به‌گواه اکثر سینما دوستان و منتقدان سینمایی، معتبرترین جشنواره اروپایی و یکی از معتبرترین جشنواره‌های جهان است. فیلم‌های جشنواره کن هر ساله در سطح برترین فیلم‌های سینمای جهان از لحاظ سینمایی و نه سرگرمی (برخلاف اسکار) قرار دارند. نام فیلم‌هایی که در جشنواره کن برنده جایزه می‌شوند در تاریخ سینما ماندگار خواهد شد. حضور بزرگترین کارگردانان و ستارگان کهکشان سینما در جشنواره کن، به این رویداد فرهنگی جهانی اعتبار زیادی بخشیده است.

فیلم‌هایی که در جشنواره کن نمایش داده می‌شوند کمتر در بقیه جشنواره‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند و اصولاً فروش زیادی هم در گیشه نخواهند داشت. ولی جایزه جشنواره کن از لحاظ هنری ارزشی والاتر از سایر جوایز بین‌المللی دارد. به عبارت دیگر بعد معنوی جشنواره کن بالاتر از بعد مادی آن است. در هر سال دهها کارگردان بزرگ که آثارشان را غیر از جشنواره کن نمی‌توانید در جشنواره‌های دیگری پیدا کنید در این جشنواره حضور دارند.

جشنواره کن، بهترین مکان برای تهیه کنندگان

جشنواره کن از هفت بخش اصلی تشکیل شده است و جشنواره‌ای کاملاً اختصاصی است و فقط اهالی سینما آن هم با کارت دعوت ویژه حق حضور در آن را دارند. به علاوه رسانه‌های دنیا، جشنواره کن بهترین نقطه برای تهیه کنندگان دنیا است که از طریق آن می‌توانند فیلم‌های خود را به بزرگترین کمپانی‌های دنیا نشان دهند.

هدف از برگزاری جشنواره کن چیست؟

وب‌سایت رسمی جشنواره کن این رویداد را جشنی برای تجلیل از هنر سینما توصیف کرده است. پس می‌توان گفت که در معتبرترین جشنواره فیلم جهان در وهله نخست فیلم‌ها و مستندهای ژانرهای مختلف سینما از کشورهای متفاوت به نمایش درمی‌آیند.

برخی از بزرگترین آثار سینمایی جهان برای نخستین نمایش جهانی خود، جشنواره کن را انتخاب می‌کنند و بسیاری از این آثار پس از نمایش در کن پیروزمندانه تا انتهای فصل جوایز سینمایی پیش می‌روند.

تاریخچه جشنواره فیلم کن به اواخر دهه ۳۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که «ژان زای»، وزیر آموزش ملی دولت فرانسه با حمایت آمریکا و انگلیس تصمیم گرفت در واکنش به نفوذ دولت‌های فاشیست آلمان و ایتالیا در انتخاب فیلم‌های جشنواره ونیز، جشنواره ای سینمایی راه اندازی کنند.

در ژوئن ۱۹۳۹ بود که «لویز لومیر»، از بنیانگذاران صنعت فیلم هالیوود پذیرفت تا اولین رییس جشنواره فیلم کن نام بگیرد که قرار بود از اول تا ۳۰ سپتامبر برگزار شود. اما حمله آلمان به لهستان و متعاقب آن اعلام جنگ فرانسه و انگلیس علیه آلمان موجب شد تا اولین دوره جشنواره کن پیش از آنکه آغاز شود پایان یابد.

کن شهری واقع در فرنج‌ریورا در جنوب فرانسه و مکانی تجملاتی است که هر سال بسیاری از چهره‌های پولدار و سرشناس را به خود جلب می‌کند. البته مهم‌ترین جاذبه این شهر هم جشنواره بین‌المللی فیلم کن است. تمامی هتل‌های این ساحل بی‌نظیر از یک سال قبل برای جشنواره کن رزرو کامل می‌شود.

نخل طلای جشنواره کن

از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۴ جایزه‌ای تحت عنوان "جایزه بزرگ جشنواره کن" به برنده بهترین فیلم این رویداد سینمایی اعطاء می‌شد اما در سال ۱۹۶۵ هیئت داروان جشنواره فیلم کن پیشنهاد دادند جایزه بزرگ جشنواره کن هر سال با طراحی جدید از یکی از هنرمندان معاصر ساخته شود.

در اواخر سال ۱۹۵۴ هیئت مدیره جشنواره کن گروهی از جواهرسازان را برای طراحی "نخل" دعوت کردند و در نهایت «لوچینه لازون» طراحی نخل طلای جشنواره کن را انجام داد. دریافت نخل طلا بالاترین افتخاری است که در جشنواره کن نصیب یک فیلمساز می‌شود. در حقیقت هر سال در جشنواره کن دو نخل طلا اهداء می‌شود؛ یکی برای بهترین فیلم بلند و یکی برای بهترین فیلم کوتاه، اما معمولاً وقتی کسی به این جایزه جشنواره کن اشاره می‌کند منظور همان نخل طلای بهترین فیلم بلند است.

نخل طلایی جشنواره کن از طلای ۲۴ عیار ساخته شده است و به بالشی از جنس کریستال تکیه دارد.

اولین جایزه نخل طلای جشنواره کن در سال ۱۹۵۵ به «دلبرت مان» کارگردان آمریکایی برای فیلم «مارتی» اعطاء شد و تا سال ۱۹۶۴ نخل طلا جایزه اصلی این رویداد سینمایی بود تا اینکه بدلیل برخی مشکلات مرتبط با کپی‌رایت، جایزه بزرگ دوباره جای نخل طلا را گرفت.

در سال ۱۹۷۵ جایزه نخل طلا دوباره به عنوان جایزه اصلی جشنواره کن معرفی شد و تا به امروز جایزه سمبولیک این رویداد سینمایی باقی مانده است.

«سردار سامرا» به روایت همسرش

«زبان» سلاحش بود

یکی دیگر از ویژگی‌های فرماندهی حاج حمید این بود که با خودش اسلحه‌ای حمل نمی‌کرد. شاید برای افرادی این سوال باشد که چگونه این موضوع شدنی است؟! باید گفت که زبان حاج حمید سلاح او بود. خودش نیز در مستندی که از او به یادگار مانده است به این مساله اشاره دارد. حاج حمید بر اساس آداب اسلامی و قرآنی رفتار کرد. ایمان و عمل صالح او موجب شده بود تا هنگامی که صحبت می‌کند بر نیروهایش اثرگذار باشد. نیروها نیز هنگامی که متوجه می‌شدند که فرمانده‌شان با یک سربند که به یک چوب دستی بسته شده است و در خط مقدم نبرد دارد شجاع می‌شدند و همراه فرمانده‌شان به مقابله با دشمن می‌پرداختند.

سه روایت از روزه‌داری «سردار سامرا»

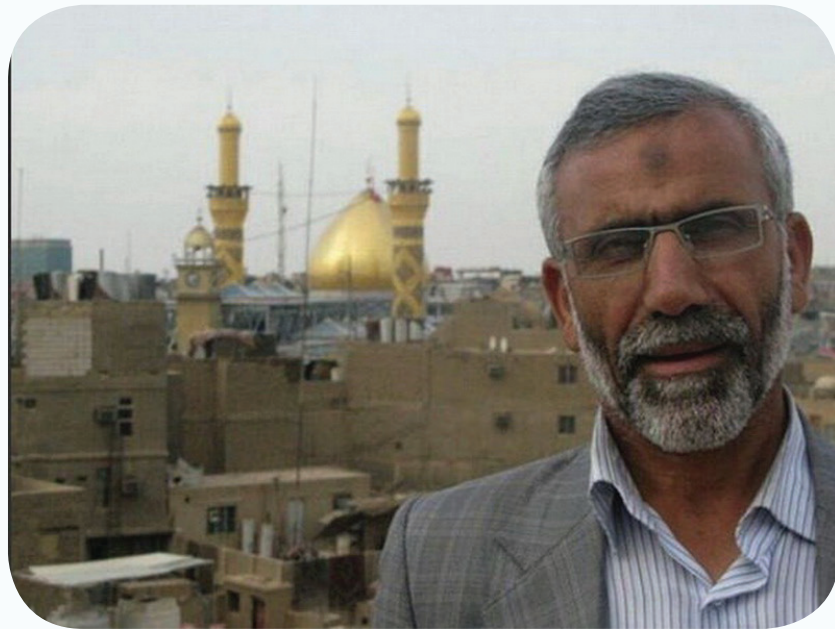
روایت نخست

در یکی از سال‌ها روز آخر ماه رمضان یکی از دوستان حاج حمید ما را برای افطار دعوت کرده بود. نزدیک اذان مغرب به سمت خانه دوست حاج حمید حرکت کردیم. هنوز به مقصد نرسیده بودیم که صدای اذان از رادیوی ماشین شنیده شد. ما هم تقریباً نزدیک خانه می‌زبان شده بودیم. حاج حمید گفت یک بطری آب و یک بسته خرما در داشبوردها ماشین موجود است در بیاورید و بخورید چون احتمال می‌رود فردا عید اعلام شود شما روزه‌تان را باز کرده باشید وگرنه فطریه‌مان گردن این بنده خدا می‌افتد.

از قضا سفره افطار بودیم که از تلویزیون اعلام کردن ماه دیده شد و فردا عید است. بنده خدا تعداد زیادی مهمان دعوت کرده بود حاج حمید به دوستشون گفتن ما سر راه افطار کردیم. حاج حمید هیچوقت راضی به زحمت انداختن دیگران نبودند.

روایت دوم

همچنین یاد می‌آید همراه با او به خانه یکی از دوستان در شهرک محلاتی رفته بودیم. همسر یکی از همزمان حاج حمید که از دوستان قدیمی من بود کنار من نشست و مشغول صحبت بودیم. میوه و شیرینی و شکلات روی میز چیده شده بود. پسر خانواده با سینی چای وارد اتاق شد و به حاج حمید تعارف کرد. حاج حمید گفت: سال‌هاست که چای نمی‌خورم.

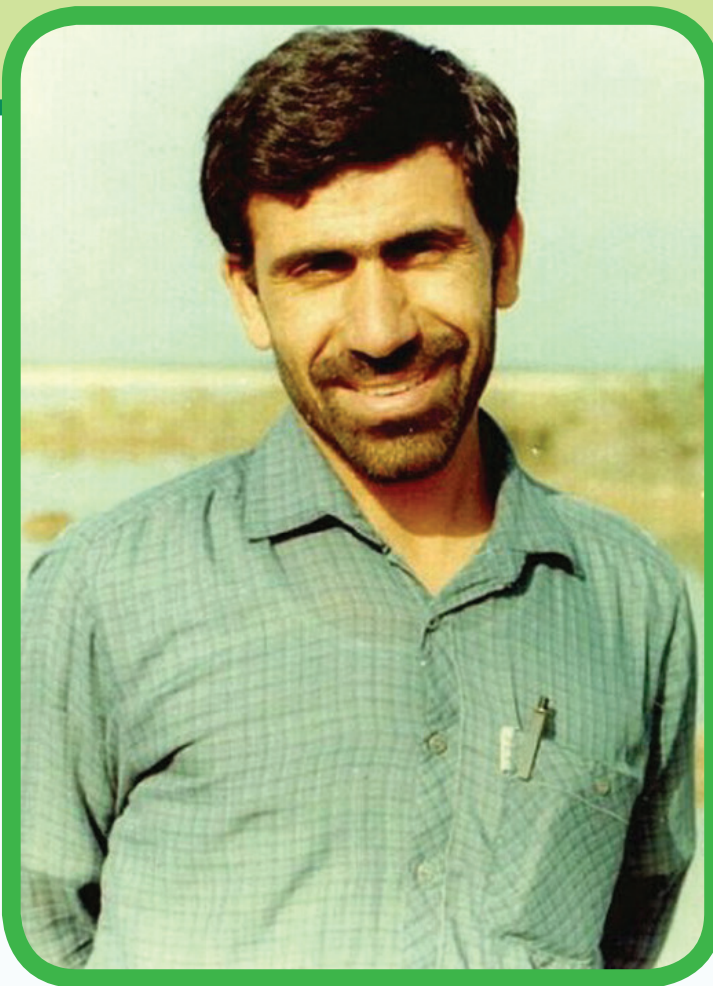


۳۱ سال روزه‌داری

پروین مرادی همسر شهید حاج حمید روایت می‌کند: ۳۱ سال روزه‌دار بود. دلیل این روزه‌داری نیز به سال ۶۲ باز می‌گردد که پدرش در عملیات خیبر به شهادت رسید. پدر ایشان وصیت کرده بودند که روزه‌های قضایش را حاج حمید بر عهده بگیرد. پس از آن سال ۶۴ نیز برادر حاج حمید به شهادت می‌رسد. حاجی روزه‌های برادرش را نیز ادا می‌کند تا اینکه پس از پایان روزه‌های قضا، حاج حمید تا هنگام شهادت این کار را انجام می‌دهد.

یکی از همزمان حاج حمید تقوی‌فر می‌گوید: چه در دوران دفاع مقدس و چه بعد از آن هرگاه وقت وعده ناهار می‌رسید خودش سفره را پهن می‌کرد و هنگام خوردن به گونه‌ای که ما متوجه نشویم مشغول انجام کاری می‌شد. از همین رو یاد می‌آید که تا کنون وعده ناهار را با یکدیگر خورده باشیم. این روزه‌داری تأثیری بر عملکرد جسمانی و فرماندهی‌اش نداشت و همواره ماموریت‌هایی که به او محول می‌شد را به خوبی انجام می‌داد.

۳۱ سال روزه‌داری و فرماندهی بی سلاح در خط مقدم از جمله شاخصه‌های رفتاری و مدیریتی حاج حمید تقوی‌فر بود که موجب می‌شد از سایر فرماندهان متمایز باشد. حاج حمید تقوی‌فر از جمله فرماندهان اطلاعات و عملیات دوران دفاع مقدس است که مأموریت‌های برون مرزی متعددی را در طول حیاتش انجام داده است. با آغاز تحرکات گروه تروریستی داعش در منطقه، سرلشکر حاج قاسم سلیمانی او را به عنوان فرمانده محور سامرا معرفی می‌کند. این فرمانده مجاهدی نستوه و سراسر اخلاص و بیزار از پست و مقام دنیوی بود که سرانجام در ششم دی‌ماه ۱۳۹۳ پس از ماه صفر در منطقه عزیزبلد در سامرا در حالی که پیشرو تمام نیروهایش بود پس از آزادسازی کیلومترها مناطق مسکونی از چنگال داعش در زیر آتش رگبار ان حرامیان با اصابت دو گلوله به پهلویش در میدان جنگ به شهادت رسید. پیکر این فرمانده در گلزار شهدای اهواز در جوار مزار پدر شهیدش به خاک سپرده شده است.



خطر می‌فتد و مسئولیتش بر عهده ماست.»

وقتی نارنجک هم نتوانست حاج حمید را شهید کند

گروه‌ها و سازمان‌های بسیاری چه در داخل کشور و چه از خارج کشور قصد ترور حاج حمید را داشتند. سال ۷۲ ساکن یکی از محله‌ها بودیم. یک شب سرد زمستانی بود. حاج حمید برای دیدن اخبار به سالن پذیرایی رفته بود و بعد از دیدن اخبار از شدت خستگی همان جا به خواب رفته بود. من و بچه‌ها که امتحانات ثلث اول را می‌گذراندند در اتاق انتهایی خانه بودیم.

ناگهان صدای انفجاری بلند شد که همه ما را از جا پراند. ما به سرعت از اتاق خارج شدیم تا به سمت حاج حمید برویم که دیدیم حاج حمید هم از اتاق پذیرایی خارج شده و به طرف ما می‌آیند همه

جا تاریک بود. حاج حمید فکر کرده بود که برای ما اتفاقی افتاده است و مدام از ما می‌پرسید: «شما حالتان خوب است؟» اما دیدیم که دود غلیظی از اتاق پذیرایی بیرون می‌آمد. همه همسایه‌های محله‌مان به کوچه آمده بودند و به دنبال علت آن انفجار بودند. بعضی از همسایه‌ها هم از پشت بام به داخل حیاط خانه‌مان آمده بودند تا حال ما را جویا شوند.

فردای آن شب، پلیس و سپاه به خانه ما آمدند و محل حادثه را بررسی کردند و مشخص شد که یک گروه قصد ترور حاج حمید را داشتند و یک نارنجک دستی از پنجره سالن پذیرایی به سوی حاج حمید انداخته بودند که خوشبختانه حاج حمید آسیبی ندیده بود. فقط پتویی که زیر آن خوابیده بود به شدت سوخته بود و در و دیوارهای سالن پذیرایی پر از ترکش‌های نارنجک شده بود.

از شب بعد سپاه یک سرباز مسلح برای حفاظت از حاج حمید جلوی خانه گذاشت اما حاج حمید راضی به این کار نمی‌شد و هر بار آن سرباز را رد می‌کرد اما سپاه دورادور مراقب او بود تا اینکه حاج حمید مجبور شد برای تأمین امنیت بیشتر به تهران منتقل شود.

کرد نیز بسیار به ما یاری رساند و همین ایده‌هایش باعث تعجب ما شد. تعجب ما از هوش و تلاشی که ایشان داشتند بود. این موشک‌ها بعد از شهادت حاج حمید به نام «تقوی ۱ و ۲» نامگذاری شدند.

تروریست بالای سرم ایستاده بود

زمان جنگ بود و حاج حمید به دلیل مشغله کاری آن شب خانه نبود. من هم دو تا از دوستانم را که به خانه ما در کیانپارس اهواز برای دیدنم آمده بودند نگه داشتم. شب بود و همه ما در خانه خواب بودیم که ناگهان به طور اتفاقی از خواب بیدار شدم و شخصی را بالای سرم دیدم که مرا نگاه می‌کرد.

از جا پریدم و فریاد زدم: «تو کی هستی؟» آن شخص غریبه پا به فرار گذاشت و از خانه خارج شد و رفت. دوستانم هم که با فریاد من از خواب بیدار شده و آن مرد غریبه را دیدند شروع به جیغ کشیدن کردند. فردا صبح وقتی حاج حمید را در محل کار دیدم ماجرا را برایش تعریف کردم. او بسیار ناراحت شد و ارزیابی کرد: «احتمالاً خانه ما توسط جاسوسان شناسایی شده است. این خیلی خطرناک است دیگر هیچ یک از دوستان را به خانه نبر زیرا جان آنها هم به

میوه تعارف کردند. حاج حمید یک پرتغال برداشت و پوست کند و بعد تکه‌های پرتغال را تقسیم کرد و جلوی من و بچه‌ها گذاشت. در آخر شیرینی و شکلات تعارف کردند. حاج حمید یک شکلات برداشت. زمان خدا حافظی دوست حاج حمید و همسرش تعارف کردند که برای ناهار بمانیم. گفتیم ان شاءالله یه فرصت دیگر. حاج حمید هیچ وقت نمی‌گفت روزه است و آنقدر طبیعی رفتار می‌کرد که کسی متوجه نمیشد روزه است.

روایت سوم

یک روز غروب حاج حمید طبق عادت همیشگی برای خواندن نماز مغرب عشاء به مسجد محل رفت. سفره افطار را انداخته بودیم و منتظر آمدن حاج حمید

از مسجد بودیم که صدایش رو شنیدم که چندبار تکرار کرد: یا الله، یا الله. در را باز کردم حاج حمید به همراه چند نفر که بنظر خانواده بودن وارد شدند. او مهمان‌ها را سر سفره نشاند و به آشپزخانه آمد و خریدهایی را که دستش بود به من داد و گفت: این بندگان خدا از روستا آمده‌اند پیش یزشک و امشب جایی را ندارند بروند، گفتم خدا را خوش نمی‌آید رهایشان کنم برای همین به خانه دعوتشان کردم.

موشک‌های «تقوا ۱ و ۲»

پس از شهادت سردار شهید حاج حمید تقوی‌فر، حجت‌الاسلام سیدحامد جزایری فرمانده تیپ سرایای خراسانی و از مجاهدان عراقی و گروهی از نیروهای مقاومت اسلامی به منزل ما آمدند. در این دیدار او به همراه یکی دیگر از فرماندهان در رابطه با ساخت چند موشک با ما صحبت کرد.

سیدحامد جزایری برای ما روایت می‌کرد که وقتی می‌خواستیم این موشک‌ها را طراحی کنیم و بسازیم امکاناتمان بسیار کم بود اما ابومریم (سردار شهید حاج حمید تقوی‌فر) در این راستا به ما کمک کرد. در طراحی ایده‌هایی که در ساخت موشک ارائه

○ محمد حسین قلی‌پور

در باره به وقت شام

عوامل فیلم:

نویسنده و کارگردان: ابراهیم حاتمی‌کیا
بازیگران: بابک حمیدیان، هادی حجازی‌فر، پیر داغر، خالد السید، رامی عطا الله و محمد شعبان
محصول موسسه فرهنگی رسانه‌ای اوج

خلاصه داستان:

یونس - با بازی هادی حجازی‌فر - به همراه علی - با بازی بابک حمیدیان - فرزندش مامور می‌شوند تعدادی از مردم باقیمانده شهر تدمر را با هواپیمای مسافربری به دمشق برسانند. در این پرواز علاوه بر مردم تعدادی از اسرای داعشی هم حضور

حاتمی‌کیا واکنش به اتفاقات روز جامعه است و خوشبختانه بر خلاف بسیاری از فیلمسازان سیاست زده، این کار را از طریق ساخت فیلم که زبان اصلی کارگردان است انجام می‌دهد. او در "چ" با وجود بستر جنگی تاریخی حرفی تازه برای گفتن دارد و به مهمترین مسئله کشور در آن روزها که مذاکرات میان ایران و کشورهای پنج به علاوه یک است واکنش نشان می‌دهد.

در ادامه همین مسیر در "بادیگارد"، به تغییر ارزش‌های انقلاب می‌پردازد و با تمرکز بر مفهوم محافظ در برابر بادیگارد به نگاه مسئولین در میزان اهمیت به غرب می‌پردازد. بعد از صحبت‌های حاتمی‌کیا در جشنواره سی و چهارم خطاب به

ها به کمک فیلم آمده و کار را برای تدوین و موسیقی تسهیل نموده است. دوربین در بیشتر صحنه‌ها رخ‌نمایی نمی‌کند و خود را در اختیار فیلم می‌گذارد. تنها می‌توان شاید استفاده‌های مکرر از هلی‌شات را به عنوان نقص کار در نظر گرفت. به عنوان نمونه در صحنه اعدام اسیران مقابل دوربین ابطلحه چند بار رفت و برگشت‌های متوالی از نماهای دور و نزدیک دیده می‌شود که چیزی برای ارائه ندارد. این‌گونه نقص می‌توانست در تدوین از میان برود که متأسفانه این‌گونه نشده است.

موسیقی کارن همایون‌فر گرچه مانند همکاری قبلی با حاتمی‌کیا ترنم نمی‌شود و شان روایتگری ندارد، اما کارکرد حرفه‌ای تری برای خود برگزیده است و با باقی ماندن در سطح تم و تبدیل نشدن به یک ملودی، تمام تلاش خود را برای انتقال حس صحنه انجام داده و باید گفت از این



آزمون سربلند بیرون آمده است. استفاده از چند زبان در یک اثر و دیالوگ‌گویی بازیگران به این روش کار راحتی نیست. در این اثر تمامی بازیگران اصلی به دو زبان عربی و انگلیسی صحبت می‌کنند. البته برای بابک حمیدیان و هادی حجازی‌فر در برخی پلان‌ها دیالوگ‌هایی به زبان فارسی هم وجود دارد. اگر چه بازیگران فیلم مانند سایر آثار حاتمی‌کیا به سرمنزل مقصود نرسیده‌اند و نقشی ماندگار ثبت نکرده‌اند

همکارانش با مضمون هشدار نسبت به خطر داعش و عبور از ایکس‌ری برای ورود به سالن، ساخت فیلمی درباره داعش از وی دور از ذهن نبود. به نظر می‌رسد پیچیدن رایحه مقاومت و دفاع در کشور بار دیگر احساسات او را برانگیخته و انگیزه کافی برای ساخت چنین اثری را برای او به ارمغان آورده است. "به وقت شام" در زمینه‌های فنی قدمی به جلو برای سینمای ایران و حاتمی‌کیاست. از بین موارد فنی صدا بیش از سایر بخش

دارند. با شورش اسرا کنترل هواپیما به دست داعشی‌ها می‌افتد.

نقد فیلم

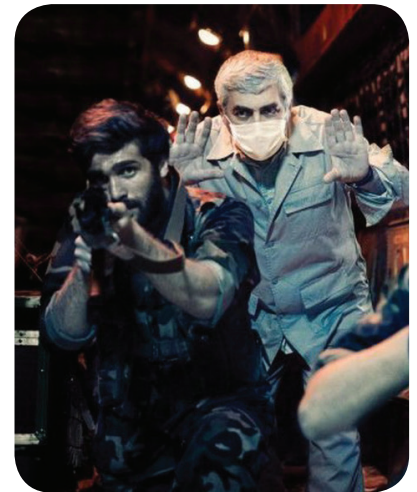
ابراهیم حاتمی‌کیا پس از فراز و فرودهای گرایش‌های فکری و حرکت سینوسی بین سینمای دفاع مقدس و اجتماعی از جشنواره سی و دوم به مسیر اصلی فیلمسازیش بازگشته و پس از ساخت "چ" و "بادیگارد" به سراغ "به وقت شام" آمده است. یکی از ویژگی‌های اصلی

اما گلیم خود را از آب بیرون کشیده و توانسته‌اند بیننده را با خود همراه کنند. در این بین بازی پیر داغر بیش از سایرین به دل می‌نشیند و حجازی‌فر کم فروغ‌تر از همیشه ظاهر می‌شود. شاید بتوان بازی در نقشی که سالها از سن واقعی او بزرگتر است و عدم تسلط او به لهجه شامی را دو دلیل اصلی برای این نقص برشمرد. اگر وظیفه اصلی یک کارگردان در فیلم را خلق جهان داستان بدانیم و این مسئله را شاخصی برای موفقیت یک فیلمساز تلقی نماییم باید بپذیریم برگ برنده به وقت شام "کارگردانی آن است. حاتمی کیا توانسته است بیننده ایرانی را تا تدمر سوریه ببرد و او را نگران مردم اسیر در جنگال حیوانات انسان نمایی به نام داعش کند. بیننده مظلومیت سوریه را این بار نه از دریچه گنگ رسانه‌ها می‌نگرد و غصه او را غصه خود و قصه او را قصه خود می‌پندارد و خود را با دختر مسیحی

بخش از فعالیت خود با لکنت مواجه است که باید ریشه آن را در فیلمنامه جستجو کرد. نمایش اختلافات پدر و پسری میان یونس و علی که بیشتر از تفاوت در تسلط آنها به زبان خارجی- پدر عربی و پسر انگلیسی- آغاز و با کشیدن دست علی در سکانس آخر هواپیما به پایان می‌رسد، مسئله حضور علی در جنگ علیه داعش را به اثبات خویش محدود می‌کند. از طرفی هم خبری از روحیه سلحشوری و مقاومت یونس به عنوان نسل اول انقلاب مشاهده نمی‌شود و فیلم مهم‌ترین و شاید تنها کارکرد حضور او را مذاکره با شیخ سعدی می‌انگارد. گویی پدر غیر از مذاکره هیچ کارکرد دیگری ندارد و پس از شوق رسیدنش به فرودگاه انفعال بر او سیطره می‌یابد. به نظر می‌رسد فیلم در پاسخ به اصلی‌ترین پاسخ خود باز می‌ماند و این مسئله را حل شده تلقی می‌نماید و بیشتر

به عنوان قربانی برای خدایان جنگ و خشونت معرفی می‌کند که در سرنوشتی تراژیک می‌بایست سر از بدنشان جدا شود. به وقت شام "علی را گلا دیاتوری انگار می‌کند میان حیوانات که همه چیز برای شهید شدنش مهیاست. چیزی شبیه به صحنه‌های مبارزه گلا دیاتورها با درنده خویانی که چیزی جز درندگی نیاموخته‌اند و قرار است فقط ابزاری باشند برای تلذذ اربابان جنگ.

امروزه سینما مهم‌ترین رسانه‌ای است که می‌توان از طریق آن مفاهیم بنیادین و ارزش‌های یک جامعه را خلق یا تغییر داد. هفت سال از شکل‌گیری پدیده داعش می‌گذرد و کشور ما به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل ریشه کن شدن آن در میدان جنگ، در عرصه فرهنگی نتوانسته دستاوردی برای ارائه داشته باشد. جالب‌تر آن که تا قبل از "به وقت شام" اساسا تلاشی برای ثبت رشادتها



کاپیتان یا بلال و یونس و علی همراه می‌کند. این همراهی را که گاهی لنگان است و اغلب چابک می‌توان شاخصی دانست که کارگردانی نه چندان سهل چنین پروژه‌ای را موفق جلوه می‌دهد. با وجود تمام ویژگی‌های مثبت مذکور "به وقت شام" به سختی می‌تواند پیام خود را از جرگه هم‌قطارانش بیشتر ببرد و در کارکردی استراتژیک چرایی حضور نیروهای ایرانی در سرزمین شام را به درستی ارائه نماید. فیلم در نمایش این

به اتفاقات می‌پردازد تا شخصیت‌ها. علاوه بر این دیالوگ‌ها از قدرت کافی برخوردار نیستند. تنها قرائت آیاتی از کلام الله مجید است که گاهی گفت و شنیدی مایه دار در پلان‌ها خلق می‌کند که آن هم با تکرار، رمق خود را از دست می‌دهد. "به وقت شام" به درستی مهم‌ترین عامل در آتش افروزی‌های منطقه را دخالت بیگانگان برمی‌شمرد و آن را ثمره صحنه آرای‌های غربی عربی می‌داند. فیلم در سکانس نمادین اسیران را در معبد پالمیرا

و جانفشانی‌های جوانان غیور جهان وطنیمان صورت نگرفته است. امید است این فیلم بتواند به عنوان اثری پیشرو در آغاز نهضتی جدید در عرصه سینما عمل کند تا بینندگان شاهد آثار بیشتری با این مضمون بر پرده نقره‌ای باشند. چیزی شبیه خدمتی که سال‌هاست هالیوود برای امریکایی‌ها انجام می‌دهد و از کوچکترین دستاویزی برای اثبات حق نداشته خود بهره می‌برد.



تولید نانوذراتی از عصاره چای سبز برای ذخیره سازی گاز هیدروژن

دی اکسید تیتانیوم و سیلیکا می توان ظرفیت ذخیره سازی هیدروژن توسط نانوذرات سنتز شده را به مقدار قابل توجهی افزایش داد. غلامی بیشترین مصرف هیدروژن را در صنایع نفت و پالایش گاز عنوان کرد و گفت: این گاز عمدتاً به عنوان یک خوراک جانبی، ماده شیمیایی حدواسط و یا حتی به عنوان یک ماده شیمیایی خاص مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین در سراسر دنیا، طراحی وسایل نقلیه ای که از هیدروژن به عنوان سوخت استفاده می کنند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

این تحقیقات از سوی طاهره غلامی دانشجوی دکترای و پروفیسور مسعود صلواتی نیاسری عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان و همکارانشان اجرایی و نتایج آن در مجله Renewable Energy با ضریب تاثیر ۴/۸۲۵ منتشر شد.

می شود، به عنوان عامل رسوب دهنده به جای رسوب دهنده های متداول شیمیایی استفاده شد.

غلامی یکی از مزیت های دیگر کاربرد عصاره گیاه چای سبز را جایگزینی برای سورفاکتانت های تجاری چون آنیونی، کاتیونی و پلیمری دانست و یادآور شد: استفاده از این روش منجر به تولید نانوذراتی یکنواخت و ریز، با درجه تخلخل بالا و مناسب برای استفاده در صنایع انرژی شد.

این محقق با بیان اینکه جهان به سوی جایگزینی هیدروژن به عنوان سوخت پاک به جای سوخت فسیلی در حرکت است، اضافه کرد: در بخش دوم این تحقیقات، قابلیت نانوذرات سنتز شده در ذخیره سازی هیدروژن مورد ارزیابی قرار گرفت و به تایید رسید. به گفته وی، نتایج آزمایش های صورت گرفته نشان می دهد با استفاده از نانوذرات گرافن،

با توجه به دو مشکل عمده آلودگی های محیطی ناشی از سوخت های فسیلی و کمبود این منابع انرژی در سال های آینده، تهیه نانوساختارهایی که بتوانند در زمینه تولید انرژی های جایگزین به کار روند، اهمیت زیادی یافته است.

در این راستا محققان دانشگاه کاشان با استفاده از روش های شیمی سبز نانوذراتی را برای ذخیره سازی گاز هیدروژن تولید کردند.

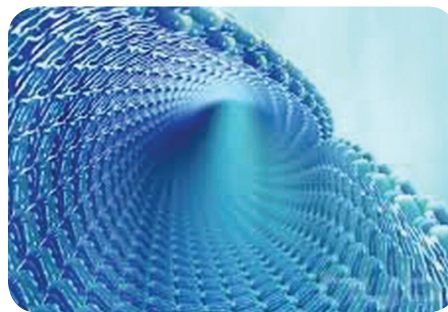
طاهره غلامی، دانشجوی دکترای شیمی دانشگاه کاشان و از محققان این پژوهش، هدف این طرح را تهیه نانوذراتی برای ذخیره هیدروژن و افزایش ظرفیت آنها در ذخیره سازی دانست و افزود: مهمترین بخش در نظر گرفته شده در این طرح، تهیه نانوذرات نیکل آلومینات/نیکل اکسید ($\text{NiO} / \text{NiAl}_2\text{O}_4$) با روش شیمی سبز بوده است.

وی اضافه کرد: برای این منظور از عصاره گیاه چای سبز، که به وفور نیز در طبیعت یافت

این ملات با ترکیب گچ، سیمان سفید، ابروان کننده و نانو ذرات سیلیس ایجاد شده و به عنوان اولین اختراع نانویی دانشگاه شهرکرد، یکی از جدیدترین مواد کاربردی در صنعت مهندسی مواد است که سه مشکل اصلی گچ یعنی زمان گیرش سریع، مقاومت پایین و جذب آب بالا را برطرف کرده است. زمان گیرش این محصول سه برابر، مقاومت آن پنج برابر و جذب آب آن نصف گچ معمولی است.

این محصول مشخصاتی همچون سنگ پیدا می کند، ایجاد آستر سفید روی دیوار مقاوم در برابر ضربه و خراش، تولید قطعات گچی مقاوم در برابر رطوبت و ساخت دیوارهای گچی سبک مقاوم در برابر زلزله برخی از موارد کاربرد این اختراع نانویی هستند.

بر اساس اعلام روابط عمومی وزارت علوم، اختراع مذکور تاییدیه ستاد ویژه توسعه فناوری نانو به شماره م-ف/۹۵/۱۲۰۰ و سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران به شماره ۱۳۹۶۱۷۸ را داراست.



پژوهشگران دانشگاه شهرکرد موفق به تولید ملات و قطعات پیش ساخته گچی فرآوری شده با کمک نانو سیلیس شدند.

دکتر علی حیدری، عضو هیئت علمی گروه عمران و عضو مرکز پژوهشی نانوفناوری دانشگاه شهرکرد با همکاری معصومه هاشم پور و آرزو اسعد سامانی از پژوهشگران پژوهشکده فناوری نانو دانشگاه شهرکرد در تولید ملات و قطعات پیش ساخته گچی فرآوری شده با کمک نانو سیلیس همکاری داشته اند.

تولید ملات و قطعات پیش ساخته گچی فرآوری شده با نانو



ساخت نانوسامانه انتقال دار و به سلول های سرطانی

بودن آن را تایید می کنند. نتایج به دست آمده از آزمایش SEM نیز تاییدی بر موفق آمیز بودن سنتز Fe_3O_4 در ابعاد نانو هست.

محققان دانشکده علوم پایه دانشگاه تربیت مدرس موفق به ساخت نانوسامانه انتقال دارو برای رسانش هدفمند داروی دوکسوروبیسین به سلول های سرطانی و نیز توانایی ردیابی آن شدند.

محیط خون) و pH برابر ۵ (شبیه سازی محیط داخل تومور) انجام شد. نتایج به دست آمده توسط آزمایش UV-Vis نشان می دهد میزان رهایش در محیط اسیدی نسبت به محیط خنثی بهتر بوده و میزان رهایش تا ۸۰ درصد رسیده است. در نهایت برای ارزیابی سمیت نانو سامانه آزمایش MTT بر روی آن صورت گرفته است که نتایج از غیر سمی بودن نانوسامانه ساخته شده خبر می دهد.

برای اثبات عامل دار شدن نانوذرات توسط پلیمر و گرافن کوانتوم دات طیف VSM گرفته شده است که کاهش خاصیت مغناطیسی در مرحله بعد از عامل دار کردن نشان از موفقیت آمیز بودن عامل دار کردن نانوذرات دارد. همچنین وجود پیک $C=C$ در طیف FT-IR مربوط به نانوسامانه نشان از وجود گرافن کوانتوم دات در نانوسامانه نهایی است.

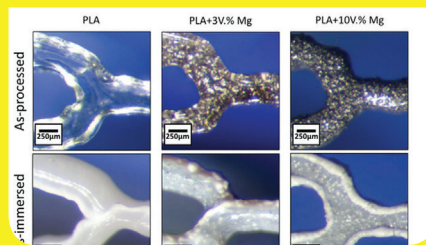
برای ساخت این نانوسامانه ابتدا نانوذرات غیر سمی Fe_3O_4 به روش هم رسوبی تهیه شد و سپس به منظور بهبود پایداری، سطح آن به وسیله پلیمر هیدروفیل و زیست سازگار پلی اتیلن گلاکول عامل دار شد و در نهایت برای دادن خواص ویژه نوری و نیز افزایش ظرفیت بارگذاری دارو، گرافن کوانتوم دات بر سطح نانوذره عامل دار شده نشانده شد.

این پژوهش در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد خدیجه نجفی در رشته شیمی گرایش شیمی فیزیک با راهنمایی دکتر سهیلا جوادیان فرزانه عضو هیات علمی دانشکده علوم پایه دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است.

برای بررسی کارایی نانوسامانه ساخته شده، پس از بررسی نسبت های مختلف از دارو و سامانه، نسبت ۱ به ۱ از دارو و نانوسامانه انتخاب و سپس آزمایش رهایش برای این نسبت بهینه در pH برابر ۷ (شبیه سازی

برای بررسی خواص سطحی، اندازه و مورفولوژی نانوذره سنتزی و نانو سامانه ساخته شده بر روی آن آزمایش هایی از قبیل، XRD، VSM و DLS گرفته شده است. طیف های XRD و VSM به ترتیب موفقیت آمیز بودن سنتز (ماهیت آن) و ابر پارامغناطیس

ساخت استنت های زیست تخریب پذیر سفارشی در دانشگاه تهران



استنت های مشابهی استفاده می شود. زمینه پلی الکتیک اسید با کسر حجمی متفاوت پودر منیزیم تولید و در شرایط برون تنی آزمایش شدند. با اضافه شدن منیزیم در کسر حجمی متفاوت زیست تخریب پذیری پلی الکتیک اسید/ منیزیم طی غوطه وری در محلول شبیه ساز مایعات بدن کنترل شد. علاوه بر تنظیم زمان زیست تخریب پذیری، منیزیم می تواند منجر به افزایش استحکام مکانیکی، کاهش التهاب با کاهش اسیدیته و افزایش سرعت بازیابی بافت شود.

محققان دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه تهران موفق به ابداع و معرفی نسل جدید استنت های کامپوزیتی زیست تخریب پذیر برای رگ های قلبی شدند.

بر اساس یافته های این پژوهش می توان استنت هایی مناسب با زمان بهبود بیمار (کودکان با بهبود سریع تر و افراد سالمند با بهبود کندتر) تولید کرد. بزرگ ترین مشکل استنت های زیست تخریب پذیر فعلی عدم وابستگی به نیازهای خاص بیمار است.

احسان حسن پور، دانشجوی کارشناسی ارشد با راهنمایی دکتر علیرضا صادقی و دکتر مجید بنی اسدی از اعضای هیات علمی دانشکده مهندسی مکانیک، کامپوزیت ها را تولید و استنت های ساخته شده را مشخصه یابی کردند.

سکته قلبی با بیش از ۱۹ میلیون مرگ در سال، بزرگ ترین عامل مرگ در جهان محسوب می شود. از مهم ترین عوامل سکته قلبی می توان به تنگی رگ های تاجی در اثر تشکیل پالک اشاره کرد.

استنت که لوله ای مشبک است با قرارگیری در منطقه تعیین شده طی فرایند آنژیوپلاستی با باز نگاه داشتن رگ، جریان خون را به رگ های تاجی باز می گرداند. حضور استنت در درون رگ بعد از دوران بازیابی و بهبود الزامی نیست. استنت های زیست تخریب پذیر می توانند پس از دوره درمان و بازیابی رگ جذب بدن شده و حذف شوند. بزرگ ترین مشکل استنت های زیست تخریب پذیر فعلی عدم وابستگی به نیازهای خاص هر بیمار است، به شکلی که در کودکان، دوره درمان کوتاه و در سالمندان، دوره درمان طولانی از

بر اساس اعلام روابط عمومی دانشگاه تهران، این تحقیق با همکاری دانشگاه پاریس ۱۳ فرانسه و با حمایت مرکز همکاری های بین المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مدت یک سال انجام پذیرفته است.

منبع: ایسنا

روزهای خوب یک آزاده

اول مهرماه ۱۳۵۹ ما در منطقه "تنگه ترشابه" که حدفاصل قشرشیرین و سرپل ذهاب بودیم که این منطقه عملیاتی به تازگی از دست "مهاجمین" باز پس گیری شده بود و ما هم به خاطر تقویت سیستم دفاعی به آن منطقه اعزام شده بودیم که به اسارت نیروهای عراقی درآمدیم.

اسارت چه حسی برای شما داشت؟

قطعا هیچکس حس خوبی نسبت به اسارت ندارد و تا آن زمان به اسارت فکر هم نمی کردیم و از طرفی بعث عراق را حقیرتر از آن می دانستیم که بتواند به خاک کشور ما تجاوز کند و بخواهد قسمتی از خاک ما را تصرف کند اما متأسفانه عراق با پشتیبانی قدرت های بین المللی این کار را کرد.

مدت اسارت شما چندسال طول کشید و اسارتتان در چه اردوگاه هایی سپری شد؟

مدت ۱۰ سال اسارت طول کشید که در استخبارات بغداد و اردوگاه های موصل ۱، و موصل ۲ سپری شد. البته ۶ ماه زندان بغداد بودم زیرا خودم را به عنوان نیروی شخصی معرفی کرده بودم بنابراین مرا به اردوگاه نبردند. اما به دلیل اعتصاب غذاهایی که داشتم مبنی بر اینکه اگر ما اسیر جنگی هستیم باید طبق قوانین اسارت، به اردوگاه های جنگی فرستاده شویم بعد از ۶ ماه مرا به موصل ۱ فرستادند.

تلخ ترین و شیرین ترین خاطره اردوگاهی خود را هم بیان بفرمایید؟

خاطره شیرین که در اردوگاه داشتیم فتح خرمشهر و راندن نیروهای عراقی از خاک کشورمان بود که برای من به یادماندنی ترین خاطره است و تلخ ترین خاطره و غم بارترین خاطره شنیدن خبر ارتحال حضرت امام (ره) بود.

از فعالیت هایی هم که در اردوگاه داشتید قدری بیان بفرمایید؟

من در زمینه کارهای فرهنگی در اردوگاه فعال بودم و اگر اغراق نکرده باشم صوت خوبی داشتم و خواندن قرآن و ادعیه در آسایشگاه ها برعهده من بود. قرائت قرآن به صورت صوت و لحن از برنامه هایم بود و گاهی هم یادگیری زبان های انگلیسی، فرانسه. جا دارد از اساتیدی نام ببریم که از محضرشان در اسارت دانش می آموختیم. در بحث صوت و لحن آقای دکتر ابراهیم کلاتر و آقای دکتر فحلهی بسیار زحمت کشیدند. شیوه



ما در قصرشیرین ساکن بودیم که از سال ۱۳۵۸ عراق شروع به انجام عملیات های ایدایی در مناطق مرزی کرد. در سال ۱۳۵۹ این حرکات شدت بیشتری گرفته بود و توسط گروه های مسلحی که ما آن زمان به آنان لفظ "مهاجم" اطلاق می کردیم. این گروه ها از سوی عراق حمایت و تغذیه مالی می شدند و آنها هم عملیات های ایدایی را بر علیه جمهوری اسلامی انجام می دادند. بسیاری از رفقای ما در آن زمان بخاطر دفاع از مرزها به شهادت رسیدند و همین انگیزه ای شد برای من که ما هم در آن سن و سال کم در حد توان از آب و خاک میهن مان دفاع کنیم اما پیوستن به سپاه تنها معیار و ملاک نبود. برای همین من با خودروهایی ارتشی که داخل قصر شیرین تردد می کردند اصرار می کردم می گفتم که مرا به سربازی ببرید ولی چون ۱۸ سال هم نداشتم برای سربازی هم نمی بردند. برای همین با تلاش بسیار توانستم وارد سپاه شوم و آن جا مشغول به خدمت شدم. چند ماهی در سپاه مشغول بودم که نبرد به صورت رسمی در جبهه ها شروع شد و من در روزهای اول جنگ به اسارت دشمن درآمدم.

اسارتتان به چه صورت اتفاق افتاد؟

امین توانا متولد ۱۳۴۱ از خطه غیورمردان کرد و از خطه زیبای کرمانشاه و کارشناس حقوق است.

نوجوانی وی مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی است و جزو کسانی است که در رفاندوم سرنوشت ساز میهن به "جمهوری اسلامی" آری می گوید.

امین توانا همراه مردم شهر قصرشیرین که از سال ۱۳۵۸ از حرکات مخفیانه دشمن بعثی به خاک کشورمان اطلاع یافته بودند از همان آغازین روزهای تجاوز دشمن، نبرد را آغاز کرده و با آغاز رسمی جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ در جنگی نابرابر به اسارت نیروهای بعثی درمی آید.

وی اسارت را برای خود نقطه عطفی و آغاز تولدی دوباره می داند بنابراین از پای ننشسته و در فعالیت های فرهنگی اردوگاه و صرف و نحو عربی و همچنین صوت و لحن قرآن را به اسرا آموزش می دهد.

وی هم اینک نیز نماینده آزادگان در استان کرمانشاه است. بنابراین پای صحبت های این آزاده گرانقدر می نشینیم تا از روزهای حماسه و دفاع مقدس برایمان بگوید.

آشنایی شما با جبهه و دفاع مقدس چگونه شکل گرفت؟

آموزش در اسارت اینگونه بود که ما ابتدا قرآن را در محضر این اساتید تلمذ می کردیم و سپس آموخته های خود را به دیگران انتقال می دادیم. بنده در مقاطعی هم عربی را فرا می گرفتم و هم آموزش می دادم که در طول اسارت بالای ۵۰ دوره صرف و ۱۴ یا ۱۵ دوره نحو عربی را تدریس کردم که البته چون این کلاس ها مخفیانه برگزار می شد گاهی اوقات کلاس را با تعداد اندک شاگرد می گذراندیم.

به نظر شما چه نیرویی باعث استقامت ۱۰ ساله شما در اردوگاه های عراق بود؟

درخصوص پاسخ به این سوال باید خاطره ای را عرض کنم. این جمله را من از طرف حاج آقا ابوترابی عرض می کنم. ما دوستی داشتیم به نام "حاج آقا دوات ساز" که ما نزد ایشان زبان انگلیسی را فرا می گرفتیم. ایشان مترجم صلیب سرخ بود. او می گوید: یکبار یکی از نیروهای صلیب سرخ گفت: ما به تمام اردوگاه های و زندانهای سیاسی در کشورهای نظیر آمریکای لاتین و یا سایر اسرای عراقی در ایران سر می زنیم؛ اسرا از ما لباس و غذا و وسایل تفریحی می خواهند اما در اردوگاه های ایرانی علاوه بر این که نشاط بسیاری در این اسرا هست، خواسته های شان از ما کتاب قرآن، نهج البلاغه، کتاب های زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی و حتی روسی است. این نتیجه یک روحیه مضاعف در بین اسرای ایرانی بود و آن نیروی

صلیب سرخ دلیل این روحیه را از حاج آقا ابوترابی سوال می کنند. حاج آقا هم سوال را به خود آن نیروی صلیبی برمی گرداند و می گوید: به نظر شما دلیل چیست؟ و حاج آقا خود این جواب را می دهد: که تنها دلیل برای استقامت و پایداری نیروهای عراقی "معنویت" در اسراست. یعنی هرچه معنویت در فرد بالاتر است بنابراین نیروی صبر و استقامت بیشتر می شود.

در میان صحبت هایتان به حاج آقا ابوترابی اشاره کردید. آشنایی شما و ایشان از چه زمانی بود؟

بنده سعادت داشتیم که در دو مقطع زمانی در آسایشگاه خدمت ایشان باشم. یک بار در موصل ۱ بعد از عملیات فتح المبین بود که حاج آقا ابوترابی را به همراه تعداد دیگری از اسرا به اردوگاه ما آوردند که با آمدن ایشان به اردوگاه ما یک نقطه عطفی در اسارت ما بود و باعث تقویت روحیه اسرا شد و یکبار هم در سال ۱۳۶۴ که در موصل ۲.

از ویژگی حاج آقا ابوترابی هم برای خوانندگان بفرمایید؟

سفارش ایشان تعامل با دشمن بود. البته تعامل نه به معنای سازش با دشمن بلکه سیاستی که با آن به اهداف خودمان برسیم. حاج آقا ابوترابی در تعریف نمی گنجد. حاج آقا ابوترابی در اسارت برای ما همچون پد بیضا حضرت موسی بود. معجزه ای که در تمامی زندگی ما تاثیر مثبت و شگرفی

گذاشت. اخلاق و منش ایشان در اسرا و در احترامی که به تمامی اسرا داشتند از دیدگاهی که مولا علی (ع) به مالک اشتر می فرماید: ای مالک تو برجایی که حاکم می شوی، آنان یا برادران دینی تو هستند و یا انسان هایی که در آفرینش با تو برابرند. عمل حاج آقا ابوترابی از علمش بیشتر بود و در عمل از علم خودش پیشی گرفته بود و این دلیل محبوبیت ایشان در میان اسرا بود.

به عنوان نماینده آزادگان در استان کرمانشاه اهم فعالیت های استانی خودتان را هم توضیح دهید؟

استان کرمانشاه ۱۸۰۰ آزاده دارد که رقمی حدود ۴۰-۵۰ نفر از آنان به شهادت رسیده اند. سعی می کنیم برای حفظ انسجام آزادگان آنها را در برنامه های مختلف دورهم جمع کنیم. بیشتر فعالیت های ما در جهت برگزاری جلسات قرآن و اردوهای داخل استانی است ولی سعی داریم که سطح کارکردمان را بالا ببریم.

باتوجه به زلزله اخیر کرمانشاه وضعیت اینتارگران در استان چگونه است؟

در مجموع می توان گفت با مساعدت و کمک موسسه پیام آزادگان و همچنین ارتباط با دوستان آزاده ای که در فضای مجازی در ارتباط هستیم، انصافا رضایت بخش بوده و قابل قبول است.

○ وضعیت کنونی اردوگاه موصل



چگونه سلولیت را بر طرف کنیم؟

سلولیت یا تجمع بافت چربی در زیر پوست بدن که باعث فرورفتگی و برآمدگی می‌شود یکی از مشکلاتی است که می‌توان با کمک ورزش یا روش‌های دیگر آن را بر طرف کرد. سلولیت به توده‌های چربی گفته می‌شود که در قسمت‌های مختلف بدن جمع می‌شوند و باعث برآمدگی و یا فرورفتگی بر پوست می‌شود. می‌توان با روش‌های مختلف سلولیت را بر طرف کرد.

۱. خوردن غذای سالم
خوردن غذای سالم نقش بسزایی در

شده است. در این بررسی‌ها تاثیر ریکاوری فعال و غیر فعال در ورزشکاران استقامتی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. به طور کلی محققان این دانشگاه دریافته‌اند که بهتر است ورزشکارانی که ورزش‌های شدید انجام می‌دهند در زمان ریکاوری فعالیت با شدت متوسط داشته باشند.

ورزشکاران می‌توانند از فعالیت‌هایی مانند پیاده روی شدید و یا دوچرخه‌سواری آرام برای ریکاوری استفاده کنند و در این فعالیت‌ها ۵۰ درصد شدت ورزش عادی خود را داشته باشند. محققان دریافته‌اند که اگر ریکاوری فعال باشد، باعث می‌شود که تمرکز لاکتات در خون بعد از ورزش کاهش پیدا کند. این مساله باعث می‌شود که ریکاوری بهتر انجام شود.

سایت shape- مترجم مریم امینی

پیاده روی روزانه افسردگی را کاهش می‌دهد

بر نشانه‌های افسردگی تاثیرگذار باشد. ورزش همچنین کیفیت زندگی افرادی که مبتلا به افسردگی هستند را نیز افزایش می‌دهد.

با وجود تاثیرات مثبت ورزش برای بیماران مبتلا به افسردگی یکی از چالش‌ها برای این بیماران این است که نمی‌توانند انگیزه برای ورزش پیدا کنند. یکی از نشانه‌های افسردگی خستگی و سطح انرژی پایین است. بنابراین در این شرایط بیماران سخت می‌توانند شروع به فعالیت فیزیکی کنند. ثبت نام کردن در ورزش‌های گروهی و یا کلاس‌های ورزشی می‌تواند یکی از راه‌های افزایش انگیزه بیماران مبتلا به افسردگی باشد.

منبع: My fitness pal

مترجم: مریم امینی

مطالعات انجام شده توسط محققان آمریکایی نشان داده است که پیاده روی روزانه باعث کاهش نشانه‌های افسردگی می‌شود.

مطالعاتی که در مجله آمریکایی روانشناسی منتشر شده است، نشان داده افرادی که بیش از چهار ساعت در هفته پیاده روی می‌کنند، ۴۴ درصد نشانه‌های افسردگی کمتری دارند. در این مطالعات ۲۲ هزار نفر مورد بررسی قرار گرفتند. مطالعات مختلف نشان داده است که ورزش به اندازه داروهای ضد افسردگی تاثیرگذار است.

یکی از محققان دانشگاه میشیگان در این باره می‌گوید: هنوز کاملاً دلیل این که ورزش نشانه‌های افسردگی را کاهش می‌دهد، مشخص نیست اما ورزش تغییراتی در مغز ایجاد می‌کند که می‌تواند



مطالعات اخیر نشان داده است که در ورزش‌های شدید و قدرتی ریکاوری فعال بهتر از ریکاوری غیر فعال است. محققان انجمن ورزش آمریکا اخیراً دریافته‌اند افرادی که ورزش شدید و قدرتی انجام می‌دهند بهتر است که در روزهای ریکاوری فعال باشند. برای این ورزشکاران ریکاوری فعال تاثیرگذارتر از ریکاوری غیر فعال خواهد بود.

این مطالعات در دانشگاه کلورادو انجام

ورزشکاران قدرتی ریکاوری فعال داشته باشند

توصیه‌های ورزشی برای بیماران ASL



چند بار با وزنه سبک ورزش قدرتی انجام دهند. بهتر است که ورزش قدرتی را در روزهایی که ورزش هوازی انجام می‌دهید در برنامه خود نداشته باشید. ورزش قدرتی باعث افزایش حجم عضلات می‌شود و از پیشرفت بیماری می‌کاهد.

۵. این بیماران می‌توانند حرکات کششی انجام دهند. انجام حرکات کششی یک یا دو بار در روز به کاهش درد عضلات کمک می‌کند و از محدودیت‌های حرکتی می‌کاهد. بعد از ورزش بهتر است که حرکات کششی انجام شود.

۶. به بدن خود توجه کنید و بیش از حد به بدن فشار نیاورید. قبل از این که بدن شما خسته شود، استراحت کنید. اگر حالتان خوب نیست ورزش نکنید. اگر احساس کردید که عضلاتان درد می‌کند ورزش را متوقف کنید و اگر درد زیادتر شد به پزشک مراجعه کنید.

۷. با پزشک خود مشورت کنید و در صورتی که نیاز به لوازم جانبی خاصی برای ورزش کردن دارید آنها را تهیه کنید تا تعادل شما به هنگام ورزش برقرار باشد.

منبع: ASL NEWS - مترجم، مریم امینی

بیماران مبتلا به ASL به دلیل تحلیل رفتن عضلات بدن محدودیت حرکت پیدا می‌کنند و این امر باعث می‌شود که نتوانند ورزش کنند. با این حال راه‌هایی وجود دارد که این بیماران می‌توانند فعالیت فیزیکی داشته باشند و از فواید آن بهره ببرند.

بیماران مبتلا به ASL می‌توانند با کمک توصیه‌های زیر ورزش کنند:

۱. قبل از شروع با پزشک خود مشورت کنید و مطمئن شوید که چه نوع ورزشی را در چه مدت زمانی می‌توانید انجام دهید.

۲. هدف از ورزش کردن بیماران ASL افزایش کارایی عضلات و کاهش سرعت تحلیل رفتن آنها است. ضمناً این بیماران می‌توانند با ورزش کردن توانایی هوازی و استقامت خود را افزایش دهند.

۳. اگر هنوز تعادل بدن شما برقرار است می‌توانید پیاده روی کنید یا چند بار در هفته به مدت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه دوچرخه‌سواری کنید. البته این فعالیت نباید فشاری به شما وارد کند و در صورتی که احساس فشار کردید می‌توانید میزان ورزش را به ۱۰ دقیقه کاهش دهید.

۴. این بیماران می‌توانند در طول هفته



بر طرف کردن سلولیت دارد. غذا نباید نمک زیادی داشته باشد. بهتر است که از غذاهایی که دارای فیبر هستند بیشتر مصرف کرد، زیرا این نوع غذاها باعث خارج شدن سموم از بدن می‌شوند.

۲. نوشیدن آب زیاد اگر که بدن رطوبت کافی داشته باشد، پوست سلامت بیشتری دارد. زمانی که پوست سالم باشد کمتر سلولیت مشخص می‌شود.

۳. ورزش مداوم از آنجایی که سلولیت به دلیل تجمع چربی ایجاد می‌شود می‌توان با انجام ورزش‌های هوازی مانند پیاده روی، دویدن، شنا چند بار در هفته سلولیت را بر طرف کرد. بهتر است به هنگام ورزش لباس‌هایی که جذب بدن هستند را بر تن کنید. این لباس‌ها باعث می‌شود که جریان خون افزایش پیدا کند.

۴. ماساژ ماساژ باعث افزایش جریان خون می‌شود که در بر طرف کردن سلولیت تاثیرگذار است. همچنین ماساژ سموم را از بدن خارج می‌کند.

راه‌های دیگری همچون استفاده از کرم‌ها و سرم‌های مختلف نیز می‌تواند به درمان سلولیت کمک کند.

منبع: سایت MNT مترجم مریم امینی

○ مهرداد میرزایی

سرنوشت پدیده‌های جام‌های جهانی چه شد؟

مارادونا" خاتمه یافت. تیم فرانسه نیز بازی فوق العاده ای مقابل ایتالیا انجام داد و سپس چرخ برزیل را از کار انداخت اما در دیدار نیمه نهایی مقابل آلمان تن به شکست داد.

۱۹۹۰ کامرون

کامرون با درخشش در این جام و سرگروهی در گروهی که آرژانتین هم در آن حضور داشت لقب شیرهای رام نشدنی به خود گرفت. به استثنای کاستاریکا که در نخستین حضور خود در جام جهانی به جمع ۱۶ تیم نهایی راه یافت، مرحله گروهی رقابت‌ها همانطور که انتظار می‌رفت، به پایان رسید.

روژه میلا، سالواتوره اسکویلاچی و سر جیو گوی کوچه‌آ دروازه‌بان آرژانتین بازیکنانی بودند که در این رقابت‌ها با بازی‌های درخشان خود تحسین همگان را برانگیختند. میلا با گلزنی در برابر رومانی در سن ۲۸ سالگی به عنوان مسن‌ترین گلزن تاریخ جام جهانی لقب گرفت (اورکورد خود را در جام جهانی ۱۹۹۴ بهبود بخشید). شیرهای سیاه در حالی که در مرحله یک چهارم نهایی تا دقیقه ۸۰ با نتیجه ۲ بر یک از انگلیس پیش بودند، نتیجه را به این تیم واگذار کردند و از راهیابی به جمع چهار تیم برتر باز ماندند. بازی خوب کامرون و مصر در جام جهانی بی پاسخ نماند و دو سهمیه قاره سیاه را در جام جهانی بعد افزایش داد.

دیدار نهایی در پایان بین آلمان و آرژانتین برگزار شد که دیداری سرد و کسل کننده بود. در دقایق پایانی مسابقه داور یک پنالتی به سود آلمانی‌ها گرفت که با اعتراض شدید بازیکنان آرژانتین روبرو شد. آندریاس برمه این پنالتی را به گل تبدیل کرد تا تیمش به قهرمانی برسد.

این تیم با مربیگری "فرانس بکن باوئر" که در سال ۱۹۷۴ به عنوان بازیکن قهرمان جام جهانی شده بود، با حضور بازیکنان بزرگی مانند ماتیبوس، برمه، فولر، کلینزمن، کوهلر و هاسلر شایستگی کسب عنوان قهرمانی را داشت و با سه عنوان قهرمانی به همراه ایتالیا و برزیل، پرافتخارترین تیم جام جهانی لقب گرفت.

۱۹۹۴ عربستان

صعود آمریکا و عربستان به دور دوم از شگفتی‌های این جام بود. عربستان با گلزنی "سعید الوبیران" در برابر بلژیک که می‌توان آن را بهترین گل جام جهانی نام برد به این مهم دست یافت.

روسیه با وجود کسب رکورد پنج گل زده به وسیله یک نفر (اولگ سلانکو) در دیدار با کامرون نتوانست به دور بعد صعود کند. همچنین روژه میلای کامرونی ۴۲ ساله با زدن یک گل به روسیه عنوان مسن‌ترین گلزن جام جهانی را بار دیگر از آن خود کرد (وی در جام جهانی گذشته نیز



این تیم حتی در آستانه حذف پرتغال هم بود ولی در نهایت حذف شد ولی نمایش آبرومندانه کره شمالی تا سال‌ها در یاد و خاطره فوتبال دوستان ماند.

۱۹۸۶ مراکش

در مرحله نخست این مسابقات دیدار فوق العاده و خاصی برگزار نشد اما مراکش اولین تیم آفریقایی بود که توانست به مرحله دوم جام جهانی قدم بگذارد. مراکش در یک هشتم نهایی به آلمان برخورد کرد و با یک گل مغلوب این تیم قدرتمند شد.

سیزدهمین جام روی دستان بازیکنان تیم فوتبال آرژانتین قرار گرفت و با بلند آوازی ستاره درخشان و بی نظیر این تیم یعنی "دیگو آرماندو

گروه‌های مرگ جام جهانی همیشه در عین جذابیت بالا نتایج بعضاً شگفت آوری داشتند. در هر دوره جام جهانی نتایج آن طور که همه انتظار دارند رقم نمی‌خورد و تیم‌هایی که کمتر روی آنها حساب باز می‌شد توانستند شگفتی بیافرینند. مرور اتفاقات کمتر پیش بینی نشده در جام جهانی همیشه جذابیت‌های خاصی دارد. شاید به همین خاطر فوتبال محبوب‌ترین ورزش جهان است.

۱۹۶۶ کره شمالی

کره شمالی نماینده آسیا در این دوره عملکرد بسیار خوبی داشت و توانست لقب توفان زرد آسیا را به خود اختصاص دهد. کسی اصلاً فکرش را نمی‌کرد ایتالیا به دست کره شمالی حذف شود.





با زدن گل در ۳۸ سالگی این عنوان را به خود اختصاص داده بود.

۱۹۹۸ کرواسی

شانزدهمین دوره جام جهانی برای نخستین بار با حضور ۳۲ تیم و با انجام ۶۴ بازی به بزرگترین دوره این مسابقات تبدیل شد و هشت گروه چهار تیمی در ۱۰ ورزشگاه به میدان رفتند. فرانسه پس از مکزیک و ایتالیا، سومین کشوری بود که برای دومین بار میزبان جام جهانی می‌شد.

در نیمه نهایی میزبان به مصاف تیم شگفتی‌ساز این دوره یعنی کرواسی رفت که در نخستین حضور خود در جام جهانی پس از فروپاشی یوگسلاوی سابق توانسته بود آلمان مدعی را در یک چهارم نهایی ۳ بر صفر شکست دهد.

این تیم به رهبری "میروسلاو بلاژویچ" و با گلزنی "داور شوکر" توانست تا این مرحله پیش بیاید. در دقایق نخست نیمه دوم باز هم این بازیکن کرواسی را یک بر صفر پیش انداخت اما "لیلیان تورام" که در آن زمان عنوان بهترین دفاع راست جهان را به خود اختصاص داده بود، اولین و دومین گل خود را وارد دروازه کروات‌ها کرد تا میزبان راهی فینال شود. در آن سو هم برزیل در رقابت‌های حذفی شیلی و دانمارک و در نیمه نهایی هلند را مغلوب کرده بود.

در دیدار رده‌بندی نیز این کروات‌ها بودند که هلند را ۲ بر ۱ شکست دادند و به مقام سوم جهان نایل شدند. تیم ملی فوتبال فرانسه میزبان مسابقات که تحت رهبری "امه ژاکه" بدون شکست تا فینال پیش رفته بود، در این مرحله نیز در ورزشگاه ۸۰ هزار نفری استادوفرانس، برزیل را ۳ بر صفر مغلوب کرد و به قهرمانی رسید.

۲۰۰۲ ترکیه و کره جنوبی

کره میزبان این دوره را می‌توان شگفتی‌ساز تاریخ جام‌های جهانی دانست که البته با کمک داور تا نیمه نهایی پیش رفت و جنجالی‌ترین بازی‌های تاریخ جام جهانی را رقم زد. این تیم آسیایی در گروه سخت آمریکا، پرتغال و لهستان قرار گرفت اما به عنوان صدرنشین با هفت امتیاز به همراه آمریکا صعود کرد. همگان خاطرات تلخی از تیم کره جنوبی در آن جام دارند. حذف تیم‌های ایتالیا و اسپانیا به دست کره و کمک داور، باعث شد خیلی‌ها به انتقاد از رسوایی داوری در این دوره بپردازند. البته کره توانست در نهایت چهارم شود.

تیم ملی ترکیه را نیز باید شگفتی‌ساز دیگر جام جهانی دانست. این تیم با نسل طلایی بازیکنانش در جام جهانی عملکرد بسیار خوبی داشت و در نهایت در رده سوم هم قرار گرفت. دو دیدار ترکیه برابر برزیل در این رقابت‌ها از جمله دیدارهای حساس و ماندگار جام جهانی کره و

ژاپن محسوب می‌شود.

۲۰۰۶ استرالیا و غنا

صعود استرالیا را به دور بعدی این رقابت‌ها در جام جهانی می‌توان به عنوان شگفتی قلمداد کرد. جایی که کرواسی با تمام آمیدی که در این رقابت‌ها داشت در همان مرحله گروهی حذف شد. استرالیا که پس از ۳۲ سال به جام جهانی برگشته بود تبدیل به اولین تیم قاره اقیانوسیه شد که به دور دوم صعود کرده است. تساوی ۲ بر ۲ مقابل کرواسی در روز آخر برای صعود آنها کافی بود.

در این دیدار جنجالی، "گراهام پل" داور انگلیسی سه بار به "یوسپ سیمونچ" کارت زرد نشان داد تا این که سرانجام او را اخراج کند. برزیل در این گروه سه برد به دست آورد و با تفاضل گل مثبت شش به دور بعد رسید.

تیم همیشه مدعی ایتالیا با شکست فرانسه در ضربات پنالتی، به لطف تلاش تیمی و گلزنی ۱۰ بازیکنش، برای چهارمین بار جام قهرمانی را به خانه برد. بازی فینال بعد از این که با تساوی یک بر یک در وقت قانونی تمام شد، در ضربات پنالتی با نتیجه ۵ بر ۳ به سود لاجوردی پوشان خاتمه یافت.

البته آلمان هم ناکام نماند و با گل‌های "میروسلاو کلوze" سوم شد تا مردم این سرزمین را غرق در جشن و شادمانی کند. آلمان در رده بندی پرتغال را ۳ بر ۱ در هم کوبید.

صعود غنا از گروهی که شامل چک، ایتالیا و آمریکا بود، از شگفتی‌های آن جام است. آمریکایی‌ها که چهار سال قبل به یک چهارم نهایی رسیده بودند تنها یک امتیاز کسب کردند که در بازی خوشونت‌آمیز مقابل ایتالیا حاصل شد. "دانیله دروسی" به دلیل خطا در این بازی چهار جلسه محروم شد اما ایتالیا در نهایت صدرنشینی گروه را به دست آورد.

۲۰۱۰ غنا

جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰ نوزدهمین دوره جام جهانی فوتبال بود که در کشور آفریقای جنوبی برگزار شد. این دوره نخستین بار بود که جام

جهانی در یک کشور عضو کنفدراسیون فوتبال آفریقا میزبانی شد. مراسم افتتاحیه جام در ۱۰ ژوئن با حضور بسیاری از ستارگان فوتبال و موسیقی به صورت غیررسمی افتتاح شد. در این مراسم بسیاری از ستارگان موسیقی آفریقای جنوبی و دنیا با اجراهای خود در حضور ۳۰ هزار تماشاگر حاضر در ورزشگاه اورلاندو به طور غیررسمی جام جهانی نوزدهم فوتبال را افتتاح کردند.

در یکی از گروه‌های جام جهانی آلمان، استرالیا، صبرستان و غنا حضور داشتند. نماینده آفریقا با تفاضل گل بهتر نسبت به استرالیا توانست به یک هشتم نهایی صعود کند. آلمان نیز تیم اول شد. یکی از بازی‌های زیبای جام نیز دیدار غنا و اروگوئه بود که این دیدار با زرنگی لوئیس سوارس و بدشانسی تیم ملی غنا باعث شد تا با برتری اروگوئه به پایان برسد. غنا در این سال با درخشش مونتاری و آساموا ژیان به عنوان شگفتی‌ساز معرفی شد.

۲۰۱۴ کاستاریکا

تیم ملی فوتبال کاستاریکا توانست به عنوان شگفتی‌ساز این رقابت‌ها مطرح شود. در برزیل چه کسی فکرش را می‌کرد که کاستاریکا از گروه مرگ که ایتالیا، انگلیس و اروگوئه بودند به عنوان سرگروه صعود کند؟ قبل از بازی‌های این گروه همه روی صعود ایتالیا و انگلیس حساب باز کرده بودند ولی در نهایت این دو تیم صعود نکردند و کاستاریکا موفق شد به عنوان تیم نخست راهی مرحله بعدی جام جهانی شود. تنها چهره شناخته شده این تیم برایان روئیز بود که در خط حمله به واسطه بازی برای فولام در لیگ جزیره توانسته بود نامی برای خود دست و پا کند.

۲۰۱۸

قطعا در این دوره هم شگفتی رخ خواهد داد. تیم ملی ایران، مراکش، یا تیم‌های دیگری که الان شاید کسی روی موفقیت آنها حساب باز نکند، می‌توانند با درخشش در روسیه شگفتی‌ساز شوند.

○ آرش محمدیان
کارشناس مسائل خاورمیانه

آیا سوریه به عنوان کشوری متحد پایان یافته است؟

یک از این طرف‌ها در حال تقویت موضع خود در مناطق تحت کنترل شان هستند. با نگاه به نقشه تحولات میدانی سوریه می‌بینیم که این کشور اکنون بین سه گروه اصلی تقسیم شده است و همین امر به ویژه با تحرکات غرب و متحدان عربشان باعث شده که تصور کردن سوریه‌ای متحد همانند گذشته تقریباً غیر ممکن و یا دست کم بسیار سخت به نظر برسد.

اکنون ارتش و دولت سوریه بخش عمده خاک این کشور را تحت کنترل دارند که البته باید گفت، این بخش مهمترین قسمت‌های سوریه از جمله دمشق، پایتخت و نوار ساحلی غرب این کشور که بخش استراتژیک سوریه نیز محسوب می‌شود را در خود جای داده است.

ارتش سوریه اکنون با کمک ایران و روسیه بر بخش‌های مهم سوریه که اصطلاحاً از آن به عنوان "سوریه مفید" یاد می‌شود سیطره یافته است و اگر از چند منطقه تحت کنترل شورشیان سوریه در حماه و شمال شرق دمشق بگذریم، باید گفت بخش غربی و میانی این کشور که بیش از سه چهارم کشور را شامل می‌شود، به طور کامل در کنترل دولت است. با این حال همانطور که پیشتر گفته شد، سوریه الان با سوریه قبل از ۲۰۱۱ بسیار فاصله دارد و بخش‌هایی از آن همچنان در اشغال تروریست‌های داخلی و یا اشغالگران خارجی است که به نظر می‌رسد بنای رفتن از این کشور جنگ زده را ندارند.

طرف دومی که بیشترین مناطق خاک سوریه را اکنون در اختیار خود دارد، ائتلافی موسوم به "نیروهای سوریه دموکراتیک" است که ستون فقرات آن را نیروهای کرد سوریه تشکیل می‌دهند و هم‌پیمانانی از اعراب، مسیحی‌ها و دیگر اقوام سوریه شمال این کشور آنها را همراهی می‌کنند. این ائتلاف که تحت حمایت مستقیم آمریکا و پشتیبانی هوایی و زمینی ارتش این کشور قرار دارد، اکنون بخش عمده نوار شمالی و شرقی سوریه از جمله مناطق وسیعی از استان‌های دیرالزور، رقه، حلب و حسکه را در اختیار دارد و در مجموع می‌توان گفت نزدیک به یک چهارم خاک سوریه اکنون در اختیار این گروه شبه‌نظامی است.

ائتلاف سوریه دموکراتیک بارها اعلام کرده با ارتش سوریه دشمنی ندارد اما در عین حال تاکید دارد که قصد ندارد مناطقی را که از اشغال داعش یا دیگر گروه‌های مخالف

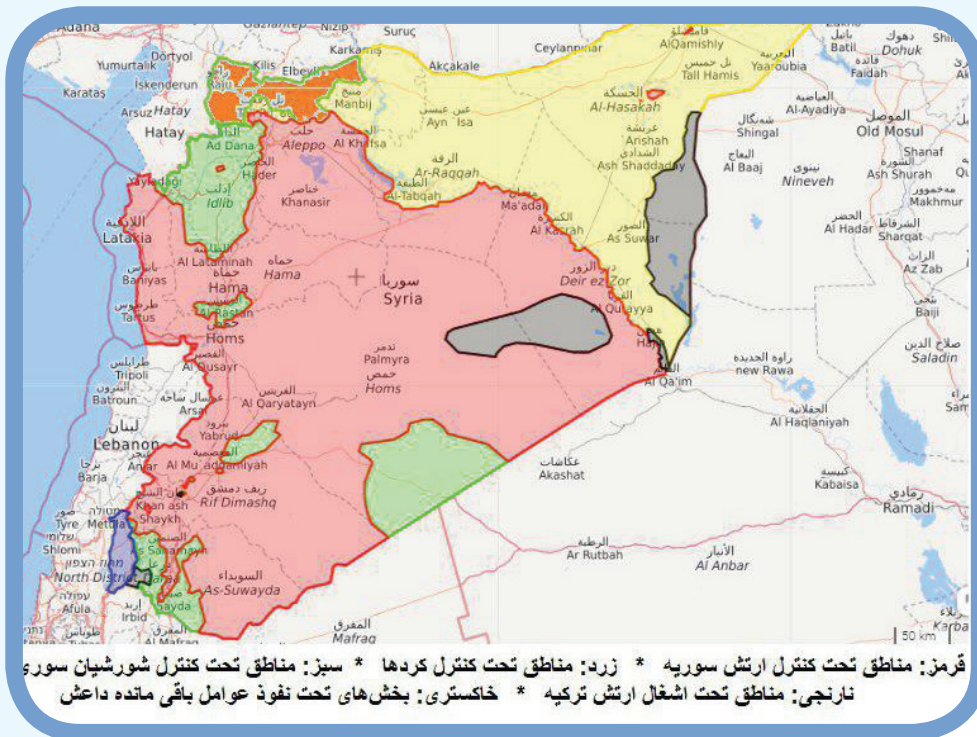
گرچه حملات غرب به سوریه عملاً نتیجه‌ای نداشت و بنا بر اعلام مسئولان روسی و سوریه بیشتر موشک‌های شلیک شده از سوی مهاجمان رهگیری و نابود شده، اما همین تحرک نظامی شتابزده هم وزن سنگین پیروزی‌های اخیر دولت و ارتش سوریه به ویژه کنترل بر غوطه شرقی، در معادلات این کشور را به خوبی نشان می‌دهد.

البته آمریکا و متحدانش هم با این تجاوز نظامی آشکار که مغایر با تمامی قوانین بین‌المللی بود نشان دادند که حاضر نیستند کوتاه بیایند و در آینده در مقابل پیشروی‌های ارتش سوریه به هر حربه‌ای دست می‌زنند. همین جانبداری بی‌چون و چرای غرب از تروریست‌هاست که آینده معادلات در سوریه را مبهم کرده و باعث می‌شود نتوان آنگونه که باید سوریه‌ای متحد و یکپارچه را برای سال‌های آتی متصور شد. در حقیقت باید گفت آزادسازی غوطه شرقی دمشق نقشه تحولات میدانی جنگ در سوریه را تقریباً کامل کرد؛ به این معنا که اکنون جز در چند منطقه، صاف‌بندی گروه‌های درگیر مشخص شده است و هر

با کنترل کامل ارتش سوریه و هم‌پیمانانش بر غوطه شرقی دمشق و ادامه عملیات برای بیرون راندن آنها از بخش‌های جنوبی پایتخت، مهمترین پایگاه‌های گروه‌های شورشی و تروریست مخالف دولت سوریه در اطراف پایتخت برچیده شد و اکنون می‌توان گفت شهر دمشق که در شش سال گذشته همواره مورد تهدید تروریست‌ها بود و با از سر گذراندن صدها عملیات تروریستی، هزاران شهید تقدیم کرده بود، امن شده است. امنیتی که البته به نظر می‌رسد با توجه به اقدامات آمریکا، تعمیم دادن آن به دیگر بخش‌های سوریه به ویژه مناطق نفت‌خیز شرق این کشور کاری دشوار خواهد بود.

اهمیت پیروزی‌ها در غوطه شرقی تا آن حد زیاد است که آمریکایی‌ها و متحدانشان را به تکاپو انداخت و در نهایت با بهانه استفاده از گاز سمی و سلاح شیمیایی در غوطه، زمینه دخالت نظامی در سوریه را فراهم کردند و بر اساس همین ادعا نیز در بیست و پنجم فروردین امسال سه مرکز تحقیقاتی و نظامی سوریه را هدف حملات موشکی خود قرار دادند.





سوری خارج کرده، به دولت سوریه واگذار کند. این ائتلاف که به طور عمده نظرات و طرح‌های آمریکا در سوریه را پیاده می‌کند، خواهان تشکیل کشوری فدرال است که هر منطقه در اداره خود تا حدودی آزادی عمل داشته باشد، پیشنهادی که دولت سوریه گفته با کلیت آن مخالفتی ندارد و آماده است بر سر آن مذاکره کند.

همانطور که گفته شد، گرچه کردها با دولت و ارتش سوریه سر جنگیدن ندارند و در بسیاری مواقع از جمله اخیرا در جبهه عفرین، دوشادوش هم علیه متجاوز خارجی جنگیده‌اند، اما از آنجایی که این نیروها که در قالب ائتلاف "سوریه دموکراتیک" فعالیت می‌کنند تمام بودجه و تجهیزات نظامی خود را از آمریکا دریافت می‌کنند، برای بقا در کارزار سوریه راهی جز تبعیت از آمریکا ندارند و همین موضوع باعث می‌شود نتوان به دوستی آنها با ارتش سوریه چندان دل خوش بود.

آمریکا که تاکنون میلیاردها دلار در سوریه هزینه کرده و بنا به گفته مقامات متعدد خود به جد دنبال تضعیف محور مقاومت در سوریه است، اکنون با در دست داشتن مناطق وسیعی در شرق و شمال این کشور که تقریباً تمام میادین نفت و گاز سوریه نیز در همین بخش قرار دارد، یقیناً هر کاری که در توانش باشد برای نیل به این هدف به کار خواهد بست. گرچه دونالد ترامپ گفته که نیروهایش را از سوریه خارج می‌کند اما هزاران نیروی کرد و غیر کردی که حقوق و تجهیزات خود را از آمریکا می‌گیرند و تحت حمایت هوایی این کشور قرار دارند در واقع همان نقش سربازان محلی آمریکا را بازی می‌کنند.

نگرانی آمریکا در این منطقه که نگرانی اسرائیل نیز هست، کنترل ارتش سوریه و شبه نظامیان عراقی همپیمان آن بر بادیه سوریه و ارتباط آن با مناطق بیابانی عراق است که آمریکا و اسرائیل معتقدند در آینده توسط شبه نظامیان عراقی برای انتقال سلاح و تجهیزات نظامی پیشرفته به داخل سوریه و سپس ضربه زدن به اسرائیل از آن استفاده خواهد شد.

از شرق سوریه و کردها که بگذریم شورشیان سوریه نیز با همه گروه‌بندی‌ها و تشکل‌های سیاسی-نظامی خود بر بخش‌هایی از خاک این کشور سیطره دارند که در چند کانون و نقطه اصلی در سراسر خاک سوریه پراکنده شده است. بزرگترین منطقه تحت کنترل آنها در ادلب قرار دارد که اکنون

بیشتر جریان‌های افراط‌گرا مانند النصره و احرارالشام در آنجا حکمرانی می‌کنند.

قسمت‌هایی از استان درعا و قنيطرة در جنوب سوریه، بخش‌هایی از استان ریف دمشق (با استان دمشق فرق می‌کند)، مناطق شمالی استان حمص به علاوه منطقه مرزی التنف در شرق سوریه مناطقی هستند که مخالفان سوریه در آنجا مستقر هستند و از کنترل دولت سوریه خارج است. مخالفان سوریه به طور پراکنده در اطراف شهر دمشق نیز حضور دارند و برخی محله‌های اطراف شهر و یا محله‌های جنوبی شهر را در اختیار دارند و یا با توافقی با دولت سوریه که با ضمانت روسیه انجام شده، با حفظ سلاح‌های سبک‌شان در مناطق خود در اطراف دمشق باقی مانده‌اند اما از هرگونه مداخله با ارتش سوریه منع شده‌اند.

گروه تروریستی داعش نیز که آخرین پایگاه‌های شهری خود را سال گذشته در سوریه از دست داد در یک منطقه کوچک در جنوب سوریه و در مجاورت مرزهای اردن و سرزمین‌های اشغالی مناطقی را در اختیار دارد که از سوی مخالفان سوریه محاصره شده‌اند. بخش‌هایی از مناطق بیابانی شرق و مرکز سوریه نیز که گمان می‌رود ابوبکر البغدادی، رهبر داعش نیز در همین مناطق مخفی شده باشد کماکان تحت نفوذ عوامل باقی مانده داعش قرار دارد.

شبه‌نظامیان همپیمان داعش نیز که رسماً با این گروه اعلام بیعت کرده‌اند در جنوب دمشق، پایتخت حضور دارند و برخی محله‌های جنوبی دمشق به ویژه محله حجر الاسود و بخش‌هایی از اردوگاه فلسطینی نشین الیرموک را در اختیار دارند که البته

با وجود پیشروی‌های اخیر ارتش سوریه این مناطق یا از اعضای داعش پاکسازی شده و یا در حال پاکسازی است.

در همین حال بخش‌هایی از شمال سوریه نیز در کنترل ارتش ترکیه و هم‌پیمانان سوریه آنهاست که این مناطق را می‌توان در قالب مناطق تحت کنترل مخالفان سوریه به حساب آورد چرا که ارتش ترکیه بارها تاکید کرده با آرام شدن اوضاع، آماده است اداره این مناطق را به مخالفان سوریه واگذار کند و خود یا از سوریه خارج شود و یا حضورش را به پایگاه‌های کوچک نظامی منحصر کند. مناطقی که ارتش ترکیه یا از داعش پس گرفته و یا همانند منطقه عفرین در جنگ با کردها توانسته آن را به دست آورد، از نظر دولت سوریه اشغالی محسوب می‌شود و دمشق بارها تاکید کرده است که اشغال حتی یک وجب از خاک خود توسط ارتش سوریه را قبول نخواهد کرد.

در پایان باید گفت مساله اشغال بخش‌هایی از شمال سوریه توسط ارتش ترکیه در کنار مناطق تحت کنترل شورشیان سوریه و نیز کردهای مورد حمایت آمریکا، به مشکلی اساسی بر سر راه ارتش سوریه تبدیل شده تا بتواند سیطره خود را بر تمام خاک سوریه مسجل کند. با توجه به این امر باید گفت، تغییرات در نقشه میدانی سوریه با تکیه بر نیروی نظامی، دیگر ممکن نخواهد بود و از این پس این مذاکرات سیاسی خواهد بود که سرنوشت سوریه چه به شکل کشوری متحد و چه به عنوان یک کشور فدرالی و چندپاره را تعیین می‌کند.

مهناز حاج علیخان

۸ روند نرم افزارهای CRM که باید نظاره گر آنها باشید

CRM با سایر سیستم‌های حیاتی کسب و کار یکپارچه می‌شود

خریداران انتظار دارند CRM با ERP، اپلیکیشن‌های خودکار خدمات حرفه‌ای و تجارت الکترونیک پیوند و هماهنگی داشته باشد تا فرایندهای کسب و کار را کارآمدتر و یکپارچه تر سازد. سازمان‌ها فرایندهای یکپارچه‌ای که به وجه نقد منتهی شوند، دیدگاهی یکپارچه نسبت به مشتری و سیستم گزارش دهی مالی جامع‌تری می‌خواهند و فروشندگان تلاش می‌کنند تا پیشنهادهایی خلق کنند که این تقاضاها را برآورده سازد.

اعتناپذیری همه چیز است

با درک بهتر کاربر از گزینه‌های موجود در مدلها، رابط‌ها، و سایر جنبه‌های فنی CRM، این متغیرها را به عنوان عوامل اثرگذار در تصمیم خرید خود می‌گنجانند. این امر به اپلیکیشن CRM، که برای راحتی یکپارچگی و سفارشی نمودن توسط خود کاربر طراحی شده‌اند، مزیت ایجاد می‌کند و فروشندگانی که محصولات با یک ویژگی (SaaS) نرم‌افزار به عنوان خدمت (طراحی می‌کنند را در تقابل برای بسط گزینه‌های در دسترس مشتری باقی می‌گذارد. بدین منظور، نرم‌افزارهای open source به کاربران اجازه می‌دهند تا به سادگی در نرم‌افزار تغییر ایجاد کرده و آن را سفارشی کنند.

CRM به اجتماعی شدن ادامه خواهد داد

شبکه‌های اجتماعی پس از کسب موفقیت چشمگیر در سالهای گذشته، در حال تبدیل شدن به بخشی اثرگذار در فرایند تصمیم‌گیری برای مصرف کنندگان هستند. در نتیجه، فروشندگان نرم افزار CRM ویژگی

اجتماعی بودن را درون محصولات خود می‌گنجانند و

رابط (interface) همه چیز است

قابلیت استفاده از اپلیکیشن به یکی از مسائل مهم سازمان‌ها تبدیل شده است و CRM از این امر مستثنی نیست. کاربران در مورد فضای کاری خود حساس هستند. امروزه بیش از هر زمان دیگری آن را با صفحه نمایش روبروی خود جلوه می‌دهند که می‌تواند لپ‌تاپ، iPad یا تلفن‌های هوشمند باشد. علاوه بر این، کاربران مایل نیستند ترکیب دکمه‌های صفحه کلید همانند alt-tab را برای انجام کارها به خاطر بسپارند. داده‌ها باید از طریق یک UI (رابط کاربر) در دسترس باشند. بنابراین نرم‌افزار CRM که شما استفاده می‌کنید باید هم بر روی پلتفرم‌های سنتی و هم پلتفرم‌های متحرک در دسترس بوده و جامعیت داشته باشد، همراه با رابط کاربر دوستانه و سفارشی شده.

CRM جایی برای کنار هم قرار دادن همه چیز خواهد بود

با تداوم رشد تعداد روش‌های تعامل شرکت‌ها با مشتریان، سیستم‌های CRM نقشی مهم‌تر در ساخت روابط با کیفیت ایفا خواهند کرد. کسب و کارهایی که از CRM به شکلی اثربخش استفاده می‌کنند می‌توانند تمامی رشته‌های ضعیفی خود را در یکجا جمع کنند و پیوندی مستحکم با هر مشتری خود ایجاد کنند. علاوه بر این، با متمرکزسازی داده‌های مشتری، شرکتها قادر خواهند بود تا خدمات بهتر و پیشنهادهای هدف محورتری برای مشتریان فراهم سازند.

گسترش روز به روز تکنولوژی در زمینه‌های مختلف تمامی ابزارها و نرم‌افزارهای کاربردی را با تغییرات فراوانی روبرو ساخته است. در این میان نرم‌افزارهای CRM نیز مستثنی نبوده و دائماً در حال به‌روزرسانی هستند. در اینجا ۸ روند CRM که باید در سال ۲۰۱۸ مورد توجه قرار گرفته و اجرا گردند، ارائه شده است.

خدمات CRM مبتنی بر cloud به جذابیت خود ادامه می‌دهند

CRM قدیمی شامل افرادی درون سازمان بود که درباره مشتریان صحبت می‌کردند. با این حال، اطلاعات که مهم‌ترین نقش را در سیستم CRM ایفا می‌کند در بیرون از مرزهای سازمان، درون گفتگوهای شبکه‌های اجتماعی و در سایر منابع بیرونی قرار دارد. برنامه‌های مبتنی بر cloud به طور ایده‌آل جهت کسب اطلاعات و تبدیل آنها به هوش عملی مناسب هستند. زمانی که نرم‌افزارهای مبتنی بر cloud می‌توانند این کار را بهتر و با صرفه اقتصادی بیشتر انجام دهند، دیگر تداوم سرمایه‌گذاری بر روی افرادی که کارشان جمع‌آوری اطلاعات و تبدیل آنها به هوش اطلاعاتی منطقی می‌باشد، نیست.





پیشنهاد سید حسن نصرالله برای تغییر نام یک فرمانده ایرانی

سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان کسی بود که مسئله تغییر نام حسن شاطری را مطرح کرد و پیشنهاد داد تا به مردم با نام دیگری غیر از حسن شاطری معرفی شود.

مهندس سلطان اسعد از مسئولان حزب الله لبنان در کتاب «معمار محبت» زندگی شهید حسن شاطری روایت می‌کند: اخلاص حسن شاطری نسبت به حزب الله لبنان و تقدیس مقاومت و محبت ویژه اش به سید حسن نصرالله برخاسته از عشقی بی‌مثال نسبت به جهاد و مجاهدین بود. او اعتقاد داشت که رهبری سید حسن نصرالله نعمتی از جانب خداوند است. کار در لبنان را فرصتی برای کار ذیل حزب الله لبنان به شمار می‌آورد.

اولین دیدار او پس از ورود به لبنان، دیدار با حضرت سید حسن بود و در آن دیدار وظایفی را که در زمان حضورش در لبنان به آن خواهد پرداخت شرح داد و موافقت اولیه را از ایشان دریافت کرد. سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان کسی بود که مسئله تغییر نام حسن شاطری را مطرح کرد و پیشنهاد داد تا به مردم با نام دیگری غیر از حسن شاطری معرفی شود. مهندس هم بلافاصله پذیرفت و نام «حسام خوشنویس» برگزیده شد، نامی که تا زمان شهادتش با آن شناخته شد.

به کسب و کارها اجازه می‌دهند تا درک بهتری از روندهای ظریف موجود در بازار داشته باشند. همچنین سیستم‌های CRM از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند تا روش‌هایی برای تیم‌های کسب و کار فراهم ساخته تا بتوانند بین کانال‌های پشتیبانی و فروش درون پلتفرم CRM ارتباط بهتری برقرار کنند.

اپلیکیشن‌های متحرک، کارکنانی که با مشتریان در ارتباط هستند و مصرف کنندگان را توانمند می‌سازند.

سیستم‌های CRM به دلیل قدرت در جزء متحرکشان خریداری می‌شوند. فروشندگانی که اجزاء متحرک قوی دارند نسبت به فروشندگانی که فاقد چنین توانمندی هستند مزیت زیادی دارند.

قابلیت تحرک به اولویت کلیدی شرکت تبدیل شده است. به ویژه، توانایی استفاده از دستگاه‌های متحرکی که در دست‌جا می‌گیرند، جهت پشتیبانی از کارکنانی که با مشتریان در ارتباط هستند، همانند فعالیت‌های مخاطبان فروش و خدمات مشتری، فراتر از جایگاه پیشین خود به عنوان یک گزینه اختیاری رفته و به فعالیت اصلی تبدیل خواهند شد.

بهبود فرایند crowdsourcing

سازمان‌ها به طور فزاینده‌ای تلاش خواهند کرد تا از صدای مشتری برای اولویت‌بندی بهبود فرایند استفاده کرده و به کارکنان شرکت کمک کند تا درک بهتری از انتظارات مشتری داشته باشند. ارائه بازخوردهای مشتری بیشتر به کارکنان در سازمان در قالب

نتایج نظرسنجی، ملاقات‌های مشتری، داده‌های احساسی اجتماعی و غیره به کارکنان کمک خواهد کرد تا درک بهتری از اثر تصمیماتشان بر مشتری داشته باشند.



میرضا پوررضایی

جامعه‌شناسی مدیریت

پیاده می‌کنیم، یافته‌های علم اقتصاد یا مدیریت را با اطمینان پیاده کنیم و از نتایج آن مطمئن باشیم. از سوی دیگر لازم است با نهایت هوشیاری از علم روز دنیا مطلع و بهره‌مند باشیم و همواره با بومی‌سازی علوم که بدون بومی‌سازی نمی‌توانند برای ما سودمند باشند، از آخرین دستاوردهای بشری بهره‌مند شویم. اینکه انسان ایرانی با انسان غربی، ژاپنی و آفریقایی متفاوت است، گمان نمی‌کنم که محل اختلاف باشد. آنچه که می‌تواند محل اختلاف نظر باشد این است که انسان ایرانی امروز به راستی چه مشخصاتی دارد و حامل چه تجربه و نگاه تاریخی - جغرافیایی و حتی مشخصات ژنتیکی است؟ از سوی دیگر با فرض اینکه با دقتی قابل قبول روشن شد انسان ایرانی امروز چه مشخصاتی دارد، حال این سوال مهم پیش می‌آید که با این انسان چگونه برخورد کنیم که بهترین نتیجه را در کوتاه مدت و بلند مدت به همراه داشته باشد؟

مدیریت بر جامعه‌ای اقبالگرا

در حوزه جامعه‌شناسی مدیریت در ایران موارد زیادی وجود دارد که شایسته توجه

نگاه جامعه‌شناختی کمک شایان توجهی خواهد بود به هنر مدیریت.

لزوم بومی‌سازی علم مدیریت

اگر بپذیریم که مدیریت را بهتر است که یک علم صرف ندانیم و آن را آمیزه‌ای از علم، هنر و استعدادهاى شخصی به حساب آوریم، آنگاه به این نتیجه خواهیم رسید که در عین توجه به اصول و یافته‌های علم مدیریت و به ویژه علم مدیریت روز، لازم است نگاهی جدی به بستر پیاده‌سازی مدیریت، یعنی جامعه ایران امروز داشته باشیم. نگاهی دقیق و از منظر جامعه‌شناسی تاریخی - جغرافیایی به مشخصات امروز جامعه ایران. در هر علمی که نتایج آن در بستر اجتماعی پیاده خواهد شد لازم است که این نگاه جامعه‌شناختی به آن علم افزوده شود و فاکتورهای اجتماعی در آن مورد در نظر گرفته شوند.

به عبارت دیگر ما نمی‌توانیم همانگونه که آخرین یافته‌های علوم محض و علوم تجربی مثل مکانیک و پزشکی را در کشور مان

دانش مدیریت را بی‌شک نمی‌توان از علوم محض دانست و بهتر است آن را ترکیب پیچیده‌ای از علوم انسانی و هنر خواند و بدون آنکه از ارزش علمی آن بکاهیم، لازم است که به بعد هنری مدیریت توجه جدی بکنیم. به عبارت دیگر، لازم است که توجه کنیم با آموزش صرف از کسانی که توان و استعداد مدیریت ندارند، نمی‌توان مدیر ساخت.

اما نکته مهم این است، از افرادی که در یک سطح خاص توان مدیریت دارند، می‌توان با آموزش، مدیر بهتر و کارآمدتری ساخت و شرایطی را فراهم کرد که مدیر از یک سو به خود و همکارانش فشار بی‌دلیل نیاورد و از سوی دیگر برای خود و حوزه مدیریتش مفیدتر بوده و بهره‌وری بیشتری برای سازمان به ارمغان بیاورد.

در این نوشته کوتاه به دنبال این مطلب هستیم تا به موضوعی که عمدتاً زیرمجموعه دانش تجربی مدیران با تجربه امروز است، بپردازیم. یعنی نگاه و درک جامعه‌شناختی مدیر از جامعه تحت مدیریتش. رشد این





جدی است. یکی از نکته‌هایی که خوب است در باره انسان ایرانی در نظر بگیریم این است که هزاران سال اصلی‌ترین محل درآمد انسان ایرانی کشاورزی دیم و دامپروری بوده است. هر دوی این امور نیز وابستگی شدیدی به بارش باران داشته و بارش باران را هم در فلات ایران باید از مقوله شانس تلقی کرد تا مقوله کار.

پس بی‌انصافی است اگر پدران خود را بدون در نظر گرفتن این موارد متهم کنیم که چرا به کار بهایی نمی‌دادند و بیشتر عقیده داشتند که برای داشتن رفاه بیشتر باید شانس بیاورند نه اینکه کار کنند. در این نوشته قصد نداریم به تجربه‌های اخیر و اقتصاد نفتی بپردازیم. تنها به این اشاره اکتفا می‌کنیم که بعد از پیدا شدن نفت در کشور این تجربه نامبارک تکرار شد. فقط این بار به جای باران، منبع شانس نفت بود. چگونه می‌خواهیم این تجربه هزاران ساله را که تا همین الان درستی آن برای افراد هر روز اثبات می‌شود و به نظرم دیگر وارد ژن انسان ایرانی شده، از او بگیریم و به او بگوییم تو هر چه بیشتر و بهتر کار کنی نتایج بهتری خواهی گرفت؟

اگر چنین نکنیم چگونه در دنیایی که کار اصالت دارد، جامعه خودمان را به رفاه و جایگاهی که شایسته آن است برسانیم؟ مدیران برخاسته از جامعه‌ای اقبالگرا با زیرساخت فکری کشاورزی دیمی

اگر نگاهمان را از جامعه تحت مدیریت به سمت جامعه مدیران برگردانیم و به بررسی آنها بپردازیم به این نتیجه خواهیم رسید که این گروه کوچک نیز مردم همین جامعه هستند و هیچ تفاوت ماهیتی با آن گروه بزرگی که تحت مدیریت آنها هستند ندارند. حوزه‌ای که ما در آن در حال گفت‌وگو هستیم، حوزه علوم انسانی است و در این حوزه هیچ چیز قطعی و شامل همه افراد نیست. مدیران ما حتی در بخش خصوصی نگاهی اقبال‌گرایانه به مسائل دارند و این باعث شده که برنامه‌ریزی، پشتکار، وجدان کار، مشتری‌مداری واقعی و نگاه کارشناسی، جایگاهی نیمه‌تزیینی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشد. این نگاه باعث می‌شود مواردی که به نتایج مطلوب می‌رسد علتش شانس و زرنگی قلمداد شود و آنچه که به نتیجه مطلوب نمی‌رسد بد شانس و

قبل از ۱۳۵۰ متولد شده‌اند. شرایطی که آنها به تحصیلات خود را شروع کرده و از دانشگاه فارغ تحصیل شده‌اند روشن است.

عمده‌ترین منبع در دسترس کتاب‌هایی بوده‌اند که برای مولفین داخلی یا ترجمه‌های خارجی بوده. رسانه عمومی از قبیل رادیو و تلویزیون در تعداد محدود کانال‌ها و شبکه‌ها وجود داشته و مطبوعات از قبیل روزنامه، هفته‌نامه و مجله‌ها و ... در تبادل اخبار و اطلاعات فعال بوده‌اند.

نماد این دوره را از نظر ارتباطی و اطلاعاتی دوره کتب، روزنامه، سیم‌آنتن، سیم‌تلفن، ترانزیستور و امواج رادیویی، صفحه‌گرافیکی، نوار کاست، فیلم سینمایی و ... است.

بسیاری از جوانان آن زمان دانش آموخته‌های کشورهای اروپایی بوده‌اند، یا حداقل برای مدتی در آن کشورها تحصیل کرده‌اند. آنها برای دستیابی به علم روز دنیا مجبور به سفر بلند مدت بودند.

بسیاری از این افراد در دوران پیش از انقلاب نتوانستند خود را مطرح کنند، اما پس از انقلاب و با توجه به نیاز و خلاء نیروی انسانی تحصیلکرده وارد میدان شده و خود را ثابت کردند. حتی برخی در دهه شصت تحصیلات خود را ادامه داده و فارغ‌التحصیل شدند.

طلایه داران این دوران اکنون مدیران سازمان‌ها هستند. آنها طبق آموزش‌ها و تجربیات خود و پیش زمینه فکری که داشتند و آموزش‌هایی که در طول سالیان کسب کرده‌اند در جهت نیل به اهداف سازمان کار می‌کنند.

نداشتن پارتی و حاکم بودن رابطه در کارها باشد. به نظر اقدام برای اصلاح این نوع نگاه مدیران، ساده‌تر و شدنی‌تر از اقدام برای اصلاح یک گروه بزرگ و تحت مدیریت است. می‌توان احتمال داد این گروه از آمادگی و توان ذهنی بالاتری برای پذیرش این مفاهیم برخوردارند و اگر این اصلاح دربار آنها موفقیت‌آمیز باشد آنها در حوزه تاثیر خود آن را جاری می‌کنند.

لزوم رشد فرهنگ مدیریت و فرهنگ کار

با توجه به آنچه گفته شد برای رسیدن به ایرانی آبادتر، مثل تمام زمینه‌هایی که می‌شناسیم، نیاز داریم که در بُعد فرهنگی رشد کنیم تا این رشد به سهم خود زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم کند. مدیریت به عنوان مهارت و هنری که با پیشرفت اقتصادی بشر گره خورده است، در ایران امروز نیازمند یک تحول عمیق فرهنگ‌شناختی از مدیریت اصالت اقبال به مدیریت اصالت کار است. همینطور و در گام‌هایی موازی لازم است برای جامعه تحت مدیریت بعد از هزاران سال، به تریبی قانع‌کننده و با کار فرهنگی مستمر در کنار سیاستگذاری و قانون‌گذاری هدفمند روشن شود، آنچه که امروز می‌تواند آنها را به رفاه بیشتری برساند، کار است.

دیدگاه جامعه‌شناسی مدیران پیش‌تازان عصر سرعت

نگاهی به نیروی انسانی (در سطح مدیریت) سازمان‌های داخل کشور می‌اندازیم. مدیران امروز بیشتر متولدین سال‌های ۱۳۴۰ به قبل و کمتر از ۴۰ تا ۱۳۵۰ می‌باشند. در مجموع تعداد زیادی از مدیران سازمان‌ها افرادی هستند که در سال‌های

○ حسینعلی جعفری

ساعت‌ها همه خوابند

کشته مردهٔ این بود بهش بگویند:
«ساعت چنده، سقا؟»

با کف دست صفحه ساعت را پاک می‌کرد و دوباره می‌پرسیدند که باز هم با کف دست صفحه ساعت را پاک می‌کرد و... بچه‌ها از خنده ریسه می‌رفتند. چند روزی بود، که دیگر با بچه‌ها شوخی نمی‌کرد و جواب شوخی‌هایشان را هم نمی‌داد. به قول بچه‌ها دیگر حال نمی‌داد، یا ضعیف حال می‌داد. انگار با خودش حرف بزند، هی می‌گفت:
«ساعت‌ها همه خوابند».

همه سقا صداش می‌زدند! بعضی از بچه‌ها تا می‌دیدنش بر سینه می‌زدند و می‌خواندند:
- سقای دشت کربلا...
نمی‌ایستاد که بقیه‌اش را گوش کند و می‌گفت:

«خاک کف پاش هم نمی‌شم.»
راننده تانکر کوچکی بود که پشت تویوتا وانت سوار کرده بودند. می‌رفت شهر و آب برای بچه‌ها می‌آورد. کار هر روزش بود. شهر میان دود و آتش بود و خالی از سکنه! همه فرار کرده بودند و دشمن شهر خالی را هر روز به توپ می‌بست. شاید فکر می‌کرد که هنوز کسی توی شهر مانده یا آنی که می‌خواست پای هیچ رزمنده‌ای به آن جا نرسد. سقا می‌رفت که آب بیاورد و می‌آورد. نمی‌دانست که آب شهر از کجا می‌آید؛ از چاه؟ از چشمه؟

آب می‌پاشید. آب روی آسفالت زخمی پخش می‌شد. پس کسان دیگری هم برای آب آن جا می‌آمدند. عراقی‌ها؟ لرزید و دست به اسلحه... اسلحه‌اش کجا بود؟

توی ماشین؟ پشت صندلی؟ سروان می‌گفت:
«اسلحه را یک لحظه هم از خودتان دور نکنید.»

بعد سینه صاف می‌کرد و با صدای رساتری می‌گفت:

«اسلحه شما عضوی از بدن شماست!»
دیگر از لفظ قلم حرف زدن سروان خنده‌اش نمی‌گرفت. اسلحه را از پشت صندلی برداشت و دور و بر را پایید. خبری نبود. تند و دستپاچه تانکر را پر آب کرد و برگشت. جلوی سنگر فرماندهی که رسید، سروان بیرون آمد و گفت:
«از کجا آب آوردی؟»
گفت:

«از شهر، قربان!»
و اشاره به شهر جنگ زده کرد.
- با اجازه چه کسی؟
می‌خواست بگوید با اجازه ستوان، که ستوان پیدایش شد و احترام گذاشت و گفت:

«من گفتم، قربان.»
سروان چشم دراند و گفت:

«بچهٔ مردم را فرستادی دم گلوله؛ آن هم بی‌خود و بی‌جهت؟ اگر گشتی‌های دشمن سر می‌رسیدند چی؟»
ستوان گفت:

«تکرار نمی‌شود، قربان!»
سروان ته ریش جوگندمی‌اش را خاراند و لحن پدرا نه گرفت:
«در جنگ اولین اشتباه، آخرین اشتباه است.»

بعد با پشت دست اشاره کرد که مرخص هستند. ستوان احترام گذاشت و رفت. سرباز ایستاده بود و این پا و آن پا می‌کرد.
- کاری داری؟

سرباز مین کرد و گفت:
«قربان! مغازه‌ها پر جنس بود.»

ماشین را پشت دیوار بلند مسجد پارک کرد که هم توی دید دشمن نباشد و هم ترکش نخورد. اول بایست سراغ مغازه‌ها می‌رفت. اولین مغازه در نداشت و بودی ماست ترش می‌داد و چند مغازه آن طرف‌تر سوپر مارکت «ایمان» قرار داشت که تابلوی جلوی در سوپر مارکت کج و کله تو پیاده روی زخمی افتاده بود. بوی بدی از مغازه بیرون می‌زد. از قفسهٔ کمپوت‌ها یک قوطی کمپوت گلابی برداشت.
سروان گفته بود: «مواظب باش! تاریخ

از رودخانه؟ اصلاً مهم نبود که بداند و نمی‌خواست که بداند. فقط از روی کنجکاوی یا به قول خودش فضولی این چیزها به ذهنش می‌آمد.

باراول که پا به این شهر جنگ زده گذاشت، توی حیاط اولین خانه رفت و شیر آب را باز کرد. «فیسسی» کرد و تمام. انگار چرخ دوچرخه‌ای پنچر شده باشد. به چند حیاط دیگر هم سرزد؛ دریغ از یک قطره آب! سوار ماشینش شد که گشتی توی شهر بزند. اگر صدای انفجار گاه به گاه توپ و خمپاره نبود، می‌شد گفت «شهر ارواح» است. شهری که دچار خواب و خرابی شده بود و عجیب بوی غربت و تنهایی می‌داد! بوی گند لاشه‌ها هم بود؛ آدمها؟ حیوان‌ها؟ لاشه گربه‌ای را توی جوی خشک دید و عشق گرفت.

توی خیابان سوم بود که دید آب از کنار جدول راه گرفته است. مسیر آب را گرفت به لولهٔ ترکش خورده و ترکیدهٔ جلوی یک مدرسه رسید. تابلوی مدرسه یک بر شده بود. اسم روی تابلو را بلند خواند، انگار برای کسی که نبود:

- دبستان انقلاب.
پسرانه یا دخترانه؟ نمی‌دانست و مهم هم نبود. شاگردانش کجا بودند؟ سمت چپ مدرسه بی‌سقف ود و پنجره‌ای توی حیاط افتاده بود. لوله سیخ ایستاده بود توی هوا و مثل فواره



گذشته نباشد.»

قوطی کمپوت را زیر و رو کرد، اما تاریخ انقضاء را پیدا نکرد. با صدای انفجار، دیوار مغازه لرزید و قوطی از دستش افتاد. اولین بار بود که بدون اجازه، به اجناس یک مغازه دست می زد! بله خندید و قوطی دیگری برداشت.

- دزد هم شدید!

چشم‌هایش را تنگ کرد تا تاریخ انقضاء را بهتر ببیند و ندید. کیسه را از جیبش در آورد و چند تا قوطی کمپوت ریخت توی کیسه و راه افتاد. اسلحه روی شانه اش لق می خورد و اذیتش می کرد. کیسه هم سنگین نبود و هوای گرم و شرجی جنوب هم داشت، کلافه‌اش می کرد. عرق از همه جایش راه افتاده بود. ایستاد و کیسه را زمین گذاشت. با آستین عرق از سر و رویش گرفت. دور و بر را پایید. اسلحه را گذاشت روی شانه چپ و کیسه را با دست راست گرفت. دو سه قدم که رفت، صداهایی شنید. انگار چند نفر باهم حرف می زدند. چپید توی اولین حیاط و پشت نخل بی سر، گوشه حیاط پناه گرفت. سرک کشید و از روی دیوار فرو ریخته، آن سوی خیابان را نگاه کرد. صدا از توی کوچه روبه روی می آمد! آهسته از حیاط گذشت. لنگه دمپایی بچه گانه سبز زنگ را لگد کرد و وارد خانه شد.

خانه در و پیکر نداشت و همه چیز وسط هال ولو بود؛ پارچ، لیوان، سفره، دیس، بشقاب، یک لایه خاک هم رویشان نشسته بود، داشتند ناهار می خوردند یا شام؟ به اتفاق پذیرایی رفت. رو به حیاط بود، با دو پنجره کنده شد و سوراخ بزرگی در سقف! که تکه‌ای از آسمان

معلوم بود! از روی تل خاک و آجر کف اتاق گذشت و کنار پنجره رفت. سرک کشید، سه نفر را دید. توی مغازه بودند و اجناس را زیر و رو می کردند. می گفتند و می خندیدند. یکی که قد بلند بود رو به سرباز ایستاد. چیزی توی دستش بود. شاید کی قوطی کمپوت؟ حتما دنبال تاریخ انقضایش می گشت.

گلنگدن کشید. اسلحه‌اش را مسلح کرد. کافی بود، به رگبار می بست شان. اما سروان گفته بود:

«هیچ وقت تنهایی درگیر نشوید.»

نشست. با آهی سرد، سر به دیوار تکیه داد، به دیوار طوسی رنگ روبه رو زل زد. مردی میان سال با سیبل پر پشت و کله تاس و کراوات قرمز و کت مشکی، از توی قاب عکس به او لبخند می زد. این مرد الان کجا بود؟ آن وقتی که به دریچه دوربین لبخند زد به چی فکر می کرد؟ لبخند ساختگی برای چی؟ خود فریبی؟ بالای سر مرد ساعت دیواری گرد صفحه سفیدی، ده دقیقه به هفت را نشان می داد. چند روز بود که این ساعت را نشان می داد؟

منتظر نشست تا آن سه نفر بروند.

هر روز به این شهر جنگ زده می آمد، تا آب و غذا ببرد. جست و جو برای غذا، خیلی وقت می گرفت. می بایست به تک تک مغازه‌ها سر بزند تا کنسرو و کمپوت تاریخ مصرف نگذشته پیدا کند. اگر چه شهر را نمی شناخت و هنوز هم اسم خیابان‌هایش را نمی دانست، اما می دانست که به کجا برود و از کجا بیاید. برای هر خیابان اسمی گذاشته بود: «خیابان آب، خیابان مسجد، خیابان مدرسه...» خیابانی

هم که توی یکی از خانه‌هایش ساعت سالم و در حال تیک تاک بود «خیابان ساعت زنده» می نامید!

برای بچه‌ها از شهر جنگ زده می گفت. از غارت وسایل زندگی مردم توسط عراقی‌ها.

یک روز که توی شهر می گشت، به چند سرباز عراقی برخورد. کامیون بار می زدند! نتوانست خودداری کند. تیراندازی کرد یک نفرشان زخمی شد. رفت بالای سر سرباز زخمی و تفنگ را روی شقیقه اش گذاشت. سرباز عراقی جزع و فزع می کرد. نمی فهمید. تیر به سینه اش خورده بود و دیگر کارش تمام بود.

می خواست تیر خلاص بزند! دستش لرزید. اولین بار بود که جان دادن آدم را می دید، آن هم آدمی که به دست او کشته می شد. کنارش زانو زد و قمقمه را نزدیک دهانش گرفت. سرباز عراقی آب خورد و مُرد! بعد از آن بود که همیشه می گفت:

«دلسوزتر از ما ایرانی‌ها پیدا نمی شده.»

به بچه‌ها سفارش کرد که سروان نفهمد وگرنه مانع کارش می شود. وقتی از نامگذاری خیابان و از پیدا کردن غذا توی خانه‌ها و مغازه می گفت، بچه‌ها می خندیدند و هر کس چیزی می گفت:

شهردار شهر جنگ زده!

شهردار شهر بی سکنه!

دزد مغازه‌های بی صاحب.

و حرف‌هایی از این دست، که دستمایه خنده و شوخی بچه‌ها بود.





نسل کبود

کسی که نام خدا تکیه کلامش بود!
 کسی فراتر از این حرفها که می گویم!
 میان تیغ و تبر بار خویش را بستید
 برای ما بغلی از ستاره آوردی
 مسافری که در این شهر جا نیفتاده
 بزرگ و کوچک این شهر با دلتم قهرند!
 گناه گم شدن ما در این خرابه چه بود
 گناه ماندن ما: قلک و عروسک بود؟
 مرا میان زمین خورده ها رها کردید
 و مرد راه و سفر روی جاده می میرد
 هزار مرتبه گفتم درخت باید بود
 کسی مرا برساند به منزلم مردم!
 به پای دار یکی بی گناه می گرید:
 به اشتباه دری را زدم نفهمیدم
 غزال باروری را زدم نفهمیدم
 و بی بهانه سری را زدم نفهمیدم
 و دزدکی ثمری را زدم نفهمیدم!
 کسی که آمد و چرخ می زد و دلتم را برد
 جنون برای شکفتن بهانه ای کم داشت
 بهانه ای که دو چشم تو قبض و بسطش داد
 شکسته شمع شب جمعه مزار توام
 چگونه اسیر زمین شد چرا نفهمیدم!؟

تویی که هر چه درخت و پرنده رامش بود
 کسی شبیه خودم... نه، خدا! چه می گویم؟
 چقدر زود به آداب عشق پیوستید
 تو آسمان خدا را پیاده طی کردی
 منم که مانده به دوشم جنازه جاده
 منم که بعد شما آب ها مرا زهرند
 آهای اهل قبیله! آهای نسل کبود!
 گناه ماندن ما سن و سال کوچک بود؟
 مرا ز رشته الطاف خود جدا کردید
 مگر نه اینکه درخت ایستاده می میرد
 زدم زمین دل خود را که سخت باید بود!
 دلم شکسته، شکسته دلم، دلم، مردم!
 کسی نشسته به بالین ماه می گرید
 اگر که بال و پری را زدم نفهمیدم!
 اگر به تیر و کمان شکسته ام مردم!
 اگر که در کف من سنگ اعتراضی بود
 اگر که دست رساندم به باغ میوه تان
 تمام دار و ندار مرا به یغما برد
 جنون کنار دلم بود خانه ای کم داشت
 تو آمدی و دل تو بهانه دستش داد
 شهید! سنگر چشمان بی قرار توام
 چگونه قصه چنین شد، چرا نفهمیدم!؟

انتشار ۷ مجلد دیگر از مجموعه

«وصیت نامه کامل شهدا»

این هفت مجلد (جلد ۴۱ تا ۴۷) شامل دفتر اول وصیتنامه کامل شهدای استان‌های گیلان، لرستان، شهرستان‌های استان تهران، کرمان، زنجان، آذربایجان شرقی و هرمزگان هستند که به تازگی توسط نشر شاهد به زیور طبع آراسته شده‌اند.



نخستین کتاب از مجموعه «وصیتنامه کامل شهدا» در سال ۱۳۸۸ منتشر شد و پیش از این ۴۰ مجلد از این مجموعه به چاپ رسید؛ دفتر اول تا سوم وصیتنامه شهدای کهگیلویه و بویر احمد، دفتر اول وصیتنامه کامل شهدای استان کردستان، دفتر اول تا سیزدهم وصیت نامه کامل شهدای استان سمنان، دفتر اول تا چهارم وصیتنامه کامل شهدای استان ایلام، دفتر اول و دوم وصیت نامه کامل شهدای استان سیستان و بلوچستان، دفتر اول تا دهم وصیت نامه کامل شهدای استان اردبیل و دفتر اول تا هفتم وصیتنامه کامل شهدای استان همدان منتشر شده بود.

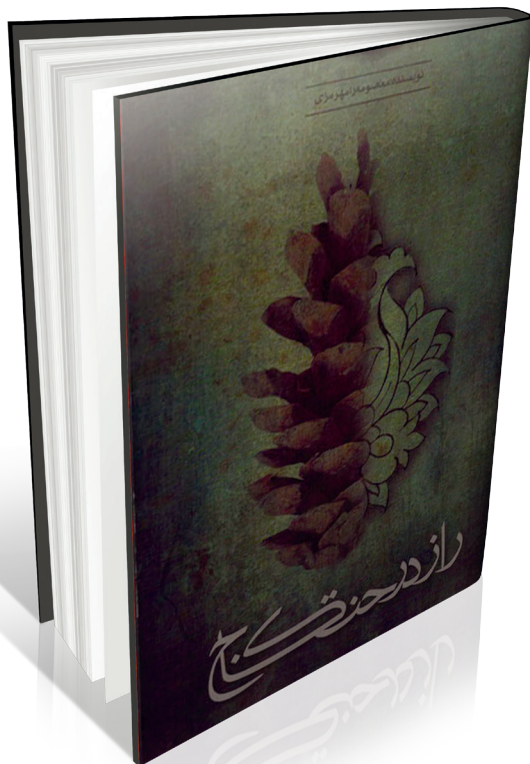
«راز درخت کاج»

کتاب «راز درخت کاج» نوشته معصومه رامهریزی، از سوی نشر شاهد به چاپ ششم رسید. این کتاب «راز درخت کاج» تصویری تأمل برانگیز از زندگی شهید زینب کمائی ارائه می‌دهد نوجوان شجاعی که در ابتدای دهه ۶۰ و در اوج تحولات سازمان مجاهدین خلق، به مبارزه و فعالیت‌های سیاسی و مذهبی پرداخت و به طرز دلخراشی ترور شد و مظلومانه به شهادت رسید.

رامهریزی در «راز درخت کاج» روایت مادر این مجاهد را از زندگی دخترش آورده است. مادری که خودش نیز پا به پای دختران و پسرانش در میدان مبارزه و جهاد انقلابی شرکت می‌کرد، دخترش را نوجوانی خودساخته معرفی می‌کند که برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای رشد و تعالی روحی و جسمی خود داشت.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «... زینب کلاس چهارم دبستان باحجاب شد. مادرم سه تا روسری گرفت و زینب روسری سر می‌کرد و به مدرسه می‌رفت. بچه‌ها خیلی مسخره‌اش می‌کردند و امل صدایش می‌زدند. بعضی روزها ناراحت به خانه می‌آمد. معلوم بود که گریه کرده است. می‌گفت: «مامان، همه بچه‌ها به من امل می‌گویند.» یک روز به زینب گفتم «تو برای خدا حجاب زدی یا برای مردم؟» زینب گفت: «معلوم است، برای خدا.» گفتم پس بگذار بچه‌ها هر چی دلشان می‌خواهد بگویند...»

انتشارات شاهد «راز درخت کاج» را با شمارگان یک‌هزار نسخه، قطع رقعی، ۱۴۸ صفحه و به بهای ۸۰ هزار ریال به چاپ ششم رسانده است.



راستش در این شماره هم به نیت شما متولدین هر ماه تفرالی زدیم به وصیت شهدا که امید در آینه‌ی وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

تقال

فروردین

شما ای خواهرانم چون زینب حسین (ع) باشید و در راه خدا مبارزه کنید و در رسوا کردن دشمنان اسلام از هیچ کوششی نهراسید و شما ای برادرانم راه خدا بهترین برترین راههاست، پوینده و کوشنده این راه باشید...

شهید محبوب رحیمی

اردیبهشت

قران کریم می‌فرماید: هرگز مومنانی که بی‌هیچ علتی از کار جهاد باز نشستند با آنانکه با مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود خدا مجاهدان را به مالها و جانهایشان بر نشستگان برتری بخشیده است. و همه اهل ایمان را وعده نکویی داده و خدا مجاهدان را بر نشستگان اجری عظیم قرار داده است.

سید حسین محمودآبادی

خرداد

از برادران ارتشی و سپاهی و سایر نیروها می‌خواهم که بر تداوم انقلاب و جمهوری اسلامی به رهبرمان امام خمینی وفادار باشند و امیدوارم که انقلاب اسلامی ایران تمام مستضعفان جهان را از سلطه ابر قدرت‌ها نجات دهد.

شهید یوسف غفاری

تیر

سخنی دارم با شما امت حزب‌الله که با تقوی و با ایمان باشید و به فکر خدا و ذکر خدا، نباشد که دنیا و مادیات شمارا بخرند یا شما خود را به آن بفروشید

شهید غلامحسین کارگریان

مرداد

خداوند در قرآن می‌فرماید: اگر در راه خدا بمیرید یا کشته شوید در آن جهان به آموزش و رحمت خداوند نائل می‌شوید و آن بهتر از هر چیزی است که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد.

شهید محمدرضا شرافت دارگانی

شهریور

عمری بجز بیهوده بودن سر نکردیم تقویم‌ها گفتن و ما باور نکردیم باران از ابر تو بباریدیم صد بار اما بجز دامن خود را تر نکردیم.

شهید عباس رنجبر

مهر

قبل از هر کاری باید به فرموده مولی الموحدين علی بن ابی طالب که فرمود: اوصیکما به تقوی الله باید در هر کاری که می‌کنیم خدا را در نظر داشته باشیم اگر کارها بخاطر خدا باشد خیلی از مسائل و اختلافات حل می‌شود و باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که عالم محضر خداست و باید مواظب باشیم که در محضر خدا معصیت نکنیم. ان شاء الله.

شهید حسین حقیرزواره

آبان

خداوند بشر را آزاد آفریده و خود انسان است که باید حق را پیدا نماید و تنها سعادت انسانها با پیروی از امر حق می‌باشد. پس خوشا به سعادت کسانی که راه حق را پیدا نموده و طی کرده‌اند و تنها آن گروه راه یافتگان هستند.

شهید سیدصادق منشا محمودی

آذر



ای عزیزان زبانهایتان را مواظب باشید که اکثر خطاهای بنی آدم در زبان است همانطور که می دانید آفات زبان فراوان است که از جمله آنها دروغ، غیبت، تهمت و لغوگویی است که در پایین آوردن روح عبادی و معنوی انسان بسیار موثر است. سعی کنید زبان های تان را به ذکر خدا مشغول کنید تا از سخنان بیهوده ای که موجب غضب خداوند است دور باشید.

شهید مجید ملک محمودی

دی



پدر و مادر و خواهر و برادر و دوستان و آشنایان و ملت ایران مسجد را ترک نکنید که به قول امام دلسوز و مهربانم مسجد سنگراست و سنگرها را حفظ کنید. خصوصا نماز جمعه را که امام خیلی به آن تکیه دارند که نماز جمعه کوبنده دشمنان اسلام است که همین دعاها و نمازها است که اسلام را نگه می دارد که شما مبدا سر نماز امام را فراموش کنید.

شهید منصور فروتن جزئی

بهمن



اما وصیتی دارم به برادران پاسدار و بسیجی برادران در کارهایتان همیشه بیاد خداوند باشید و در نظر داشته باشید که خداوند تبارک و تعالی ناظر اعمال ماست بیشتر به جبهه ها بروید که امروز روز امتحان الهی است و در تمام کارهایتان به خدا توکل کنید.

شهید محمدرضا توحیدیان

اسفند



تو ای خواهر و برادر شما چه فکر می کنید آیا قدمی در راه اسلام و اصلاح جامعه ات برداشته ای یا همچون عنکبوت دور خود را تار می کنی.

شهید محمد علی سلیمی





First, we need to know the young generation. Our young generation has merits and faults, because this generation has a kind of perceptions and feelings that was present in the past and therefore they are entitled. At the same time, it has a mental and moral deviation that should be recognized and resolved. It is not possible to overcome these deviations without taking into account the merits and without respecting them. If we are to neglect these things, it is impossible to prevent the intellectual and moral deviations of the next generation.

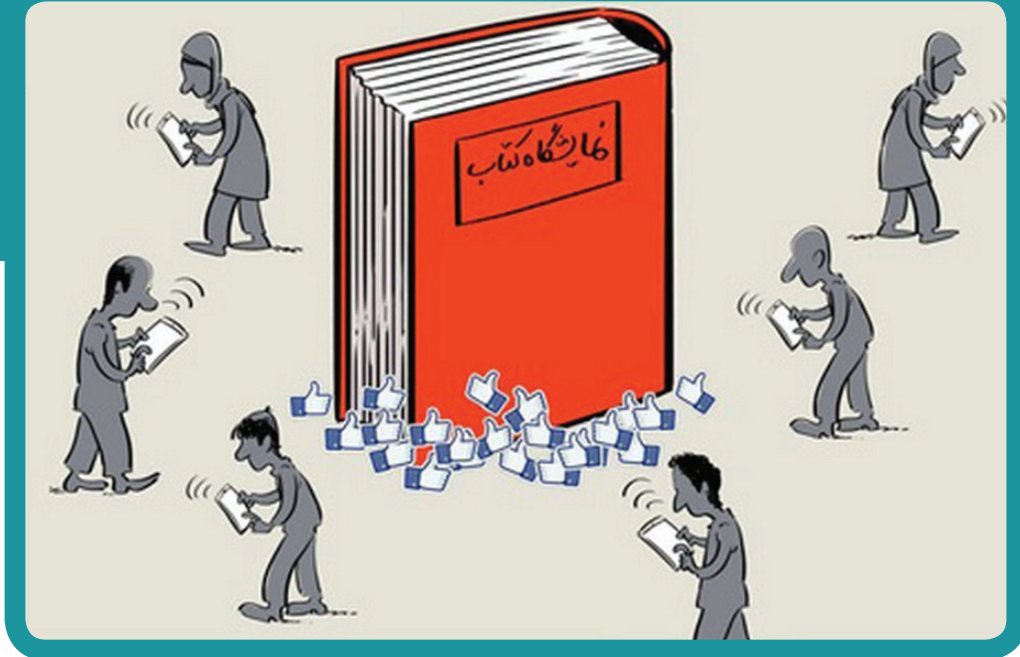
If there is a problem in guiding this generation, it lies more in understanding their language and logic and facing them with their own logic and language.

The old generation did not feel the burden of external dominance on its shoulder, but the new generation feels it, is it a sin? No, not sin, but this feeling is a divine message. If there was not such a feeling, we were condemned to torment and misery. Now that this feeling is recognized, it is a sign that the Almighty Allah wants to save us from this misery.

In guiding and leading the older generation, whose level of thought was lower, we needed to express a certain kind of advertisement and a kind of book. However, today that way of speaking and those books do not work anymore. It is necessary have a deep reform in these parts; we should be familiar with the logic, language and thought of the day.

خوانندگان عزیز شما با ترجمه و ارسال متن فوق به آدرس رایانامه مجله می

توانید به قید قرعه **اشتراک ۶ ماهه** برنده شوید



خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.

فرم اشتراک مجلات شاهد

شماره حساب سیبا: ۰۱۰۴۴۷۳۰۸۵۰۰۴ نزد بانک ملی
به نام معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران

اشتراک شش ماهه ۳۰۰,۰۰۰ ریال
 اشتراک یکساله ۶۰۰,۰۰۰ ریال



نام و نام خانوادگی تاریخ تولد

اشتراک شش ماهه ۱۵۰,۰۰۰ ریال
 اشتراک یکساله ۳۰۰,۰۰۰ ریال



تلفن ثابت تلفن همراه نشانی الکترونیکی

اشتراک شش ماهه ۱۵۰,۰۰۰ ریال
 اشتراک یکساله ۳۰۰,۰۰۰ ریال



کدپستی آدرس کامل پستی

اشتراک شش ماهه ۱۳۲,۰۰۰ ریال
 اشتراک یکساله ۲۶۴,۰۰۰ ریال



مبلغ واریزی ریال - شماره فیش بانکی تاریخ واریز

امضاء/تاریخ

امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۲۳۵۸۴ دورنگار: ۰۲۱-۸۸۸۲۸۴۳۵

نشانی: تهران-خیابان آیت ا... طالقانی-خیابان ملک الشعراء بهار شمالی-شماره ۵-معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران-طبقه ۳-اداره مجلات شاهد

31

تازه های
نشر شاهد

درسی و یکمین
نمایشگاه بین المللی
کتاب تهران

اردیبهشت ۹۷ مصلی امام خمینی (ره)، غرفه نشر شاهد
شبهستان، راهروی ۲۶، غرفه ۴۲

